

فهرست

1	5- امواج هیاهو
2	از عشق مردن
3	خط زندگی
6	تصویر یک خیال
8	آمده از دریا
10	منور کن
13	سراب
15	سودای صعود
17	هوای بندر
19	پل زرد
23	شب یلدای ایران
26	آربایتزلس
29	سرود پنهان
34	ارنستو چگوارا
38	آغاز ماه مه
40	هیروشیما

42	جاودانه
43	ارگ بم
48	بم زنده است
57	از سینه خاک
59	درد ما زلزله نیست
64	داریم غرق می شویم
73	امضاء
76	غزه
79	غزه عربی
81	آزادی خواهان
86	با تو حرف می زنم
112	آسپانگ بانهورف
117	تسخیر
122	شکایت از صهیونیست
142	خط قرمز
147	فرش سرخابی
152	بهار وحدت ما
157	کولی می رقصد
160	از خلیج فارس تا به ارس
165	امواج هیاهو

168	ریزش معدن
171	ای ملت ایران
175	7- قدرت زنان
176	کودکان عروس
180	فتوای برانداز
184	ملای انگلیسی
187	مادرانه جنگیدن
189	سید علی
193	نوکران استعمار
199	قدرت زنان
201	روز آتش سیاه
204	من از این جنگ
207	حراج بردگان
211	ناتوی تو
213	خط خونین
216	خاک میهن ما
219	عامل تغییر
222	اسید ملا
225	عنقریب گردن ملا

228	عنکبوت هزاره ها
231	لشگر جهالت
236	خیز خجسته
238	می رسد از راه فرخنده
243	دختر اسیدی
247	حزب کمونیست سراسری
250	قربانیان عملیات آژاکس
260	فریاد بی عمل
263	انقلاب سیاه
273	چراغ تاریخ
274	هیأت سیاسی اکثریت
277	سرود زنان
280	فیدل کاسترو

9 - جهان بی مرز 285

286	امروز خورشید
289	اوج بلوغ سیاسی
293	کودکان فلسطینی
296	زنده باد یوگوسلاوی

301	نوروز 7017
302	اپوزیسیون واحد
313	آوایی از یورت
318	رقص انتقام
320	این اوست
323	جدایی خواهان
326	باج سبیل
331	صد سالگی
333	جهان بی مرز
343	نه به فریب
345	پایان دکه های رهبری
349	چون کمونر ها
355	غبار آمریکایی
362	چادر و امپریالیسم
367	خجسته است نوروز ...
368	چه زیباست قیام تو
372	سفارت آمریکا
376	جولیان آسانژ
379	قهرمانان دهلویه

383	 عین ملاست
385	 زندان فشافویه
389	 فردا خیلی دیر است
391	 زنانِ نمرده در گور
400	 ضربهٔ پایانی
403	 حزب فقط
408	 10 - انفجار سکوت
409	 زمان تغییر
414	 هلا ایران
416	 آتش به اختیار
419	 ویروس آمریکایی
422	 فریبرز رئیس دانا
426	 نورور اینجاست
428	 زنده باد جولیان آسانژ
430	 سبک کار سرمایه
434	 هلین بولک
436	 در سوگ ابراهیم گوکچک
439	 جورج فلوید
443	 خرد بزودی دهند

446	تنوع و تغییر
450	ماه آبان
451	من سیه نمی پوشم
455	قطار 28 خرداد
460	شیار خونین استعمار
464	حاکمیت مردم
467	کم آورده سید علی
473	رنگ ما
475	خجسته باد
478	عشق را از کمونرها
486	وقاحت آلمانی
491	کودکان فلسطینی
496	ای وطن ام
499	نه به اعدام
503	آهای پدران
508	انفجار سکوت
513	در هر سپیده
516	دشمنان مردم جهان
528	مشعل وحدت

امواج هياهو

از عشق مردن

عشق را هرگز نهایی نیست
و راه را پایانی

و من ...

که از کجا ...

به راه پیوستم

و تا به کجا...؟

با راه خواهم ماند؟

هجوم شتابزده هیچ

آنگاه آغاز می شود

که از رفتن باز می مانم

و در برهوت هیچ گم می شوم

گم...

باید با راه ماند و با رفتن

باید از عشق مرد و از رفتن

وین ... اکتبر 2000

خط زندگی

گم شدن در باد

گم شدن... در یادها

گم شدن در ولوله...

در زمین و آسمان و آب ها

گم شدن...

در عادت و روزمرگی

گم شدن ...

در مصرف و سنت

و رام شیوهای ارتجاع

لیک...

آینه گردان حقیقت

زیستن در نور

فکر در نور

پرواز در نور

نبردی مستمر...

با تفرعن ... ظلمت و زور

نه ... نمی میرد

زنده است عاشق

مشعل عشقش فروزان

الفت عشقش تراوت

گرمی عشقش بشارت

سرخ‌ی عشقش

کار و کار و... پیکار مداوم

اتصال نقطه مرگ و تولد

خط زندگی ست...

در ردیف... و در توالی یه ...

هزاران نقطه روشن

در گردش و چرخش

با گریز و افت و خیز

شاخص بودن...

یا نبودن ها

خط زندگی ست

ایستادن... در نقطه

کم بها دادن به خط

و نفی اش

نهادن... چشم ها بر هم

و با سکوت ممتد... از خط

غرق در مصرف...

در پایمال خط زندگی

نفی هر تغییر ... نفی رشد

نفی بلوغ
تسلیم سلطه زور
غرق در فرهنگ تحمیلی
ز سوی ارتجاع
و فلج در ... روزمرگی

پرتو افشان است ...
خط مستمر نور
خط عشق...
خط دل بستن به مردم
پویا و شکوفاست...
رو به خیز
با ردیف نقطه هایی ...
الماس گون
پر ستاره...
پر ز تغییر و ستیز

وین... دسامبر 2000

تصویر یک خیال

با تمامیتم ... تو را فریاد می زنم
خانه می لرزد
ولی... تو مرا نمی شنوی

پنجره را باز می کنم
رو به شمال
تو را فریاد می زنم...
پنجره را باز می کنم
رو به جنوب
تو را فریاد می زنم
تو... مرا نمی شنوی
تو را گم کرده ام
گم...

با هجوم بی امان تاریکی ها
خود را نیز گم می کنم
یورش باران خیسم می کند

دستاتم خیس اند و ... خالی
نه نشانی از اتصال
نه برگ‌گی از اعداد...
شاید تو... تصویر یک خیالی
شاید تو
یک خیال...

در حق حق ناودان
نفس کم می آورم
تو...
با غرش رعد‌های پی‌پی رگ‌هایم
در تمامی ذراتم جاری
و من...
که بی تو...
آمیزه ای...
از خروش دور دریا... و هراسم.
آیا...
دوباره به دریا باز گشته ای؟

تهران - جولای 2001

آمده از دریا

در انتظار آمدنت

قطره قطره... آب می شدم

و هیاهوی...

ناقوس های بی قرار رگ هایم

کم کم...

آبی شکیم را محو می کند

در امتداد پر تائی زرد لحظه ها...

نفس هایم ...

راه بازگشت نمی یابند

و گنجشک نا آرام قلبم...

بال های مضطربش را...

بر سرخی قفس می کوبد

آه...

ای آمده از دریا

باورم کن

شوق دیدارت

و پرواز...

به گسترهٔ عطر نارنجستان ها

قرارم را ربوده...

و این چنین ...

سپیدی صبح هایم را

به نیلی شب ها می ریزد

وین...جولای 2001

منور کن

در میان جمع بس تلخی چشیده
در میان جمع بس سختی کشیده
در فضای سرد وحشت
ره آورد سفر...
فرار از ایران... ده... یا بیست سال...
ما قبل اکنون
مانده در
فضای وحشت و سرمای آن روز...
ترور... سلاخی و زندان
یا...
وابسته بودن به شرایط و
سرمایه های بیش و کم...
به چنگ آورده با سختی
دور...
دور از خشم و فریاد و عصیان و هیاهو
به دور از جمع زنده
به دور از مردم پر شور ایرانیان...
یخ زده... در سرمای وحشت
گریز... از هر تازه وارد
با پرچسب و تهمت

یخ زده ، تنها

بدون قفل و بی زنجیر

نشسته بی تحرک

در حصار شک و ظن

و ... آن جا

کرکسان خرسند... می زنند لبخند

از ایجاد فضای رعب و وحشت...

در خارج از کشور

از سکوت

از انجماد... از انزوا

از غالب سرد حصار تو

می برد بالا در ایران... برج و بارو

و تو... تنها

در تلخی و غربت

در شک... در... ظن

یخ زده... در سرمای وحشت

در آن سو... در ایران

جوانان...

دلیران وطن

با خشم... جوشان و خروشان

پای می کوبند... بر آسفالت خیابان ها

می زنند فریاد ...

به پیش...
و طلوع خورشید شجاعت...
ذوب کرده ...
انجماد یخ های وحشت را
و فریاد داغ عصیان...
اعتراض ...
می لرزاند... دل عاملان وحشت...
هراس تو ...
در تنهایی...
گریز تو ... زهر جمعی
سکوت تو...
می چشاند طعم پیروزی ...
به کام قدرت دشمن
نمان تنها...
نمان تنها عزیز من...
منور کن فضای ذهن و اندیشه
به عشق و.. وحدت و... پیروزی ... وفردا

1380 - وین اکتبر 2001

سرّاب

گرمای طاقت فرسا و تشنگی ...

هلاک برای قطره ای آب

با دهان... و گلویی خشک

زیر آوار آفتاب ...

و آوار هر چه گرماست...

بر پیکر گسترده زمین

زانو زده خسته... ملتی

بر ماسه های داغ

و با انگشتانی... سراسیمه

سخت... در جستجوی آب

نیست آب... نیست آب

فقط بود یک سرّاب ...

فقط یک سرّاب

لیک در بستر غبار آلوده چهره ها

جاریست دو رود

با کوله باری...

مملو از...

درد و حرمان و حسرت

و زنگار التهاب ...
و انتظارهای... رفته بر باد
و هزاران هزار آرزو... خیال

و با عبور هر سایه صبور
تصویر مردانی
که سپردند عهد خود بباد ...
سپردند عهد خود بباد

که برای رسیدنش
پرواز خونین پرنده ها
به دورهای دور
و محو... از سینه شعور

در کدامین توفان و زلزله...
بعد از قیام ملتی
و در کدامین سیلاب...

در میدان های بی پایان انتقام...
رسوبات این همه خیانت ...
و نقض قول

و...

ز هرابه های تلخ سرکوب انتظار
از جان ملتی...
شسته خواهد شد؟

وین سپتامبر 2002

سودای صعود

آه ...

رسید آخر ز راه

خر سواری نام جو و... تازه پا

با... گردن آویزی...

به غایت پر صدا

عاریت زنگوله اش

از تابوت آن ...

زنده یاد آشنا

طلب کرد از ... دفتر فرصت

و نکاست

چنین ... می گفت او

چنان می کرد و ... چنان

مرده شاید او...؟

سی سال کم سالی نبود!

آن سخن ور...

گرکه می داشت ... نکته ای و صحبتی

قلم نشکسته بود

تا... آخرین روز حیات

قاصر از ... تحریر و ابرازش نبود

نیازش... به نقال...

و سخنگویی نبود

رفته دیگر او...؟!

نیست دیگر او؟! !

نام و سودای صعود

پا نهاده تازه پا

بر شانه های بی دفاع زنده یاد ...

در پی سود صعود

در دیار شاعران

شاعری

هرگز ندارد... آب و نان

لیک ... گر

رنج فراوان بردی و...

اندوختی... نام و نشان

بعد تو...

از گور تو

گورکن های فراوان ...

باشند بهره مند

از آب و نان

وین دسامبر 2002

هوای بندر

با لهجه شیرازی - بوشهری

هوای بندر شرجیه

دارن می پرن وای کیه

قدش بنازم... زار و زار

زنجیر به پاشه... وای هوار

ای وای هوار... ای وای هوار

هوار هوار و ... وای هوار

زندان به زندان... شیر و شیر

توی دیاروم پر اسیر

موردوم ز جور ظلم و زور

بس که جوون کردن تو گور

ای وای هوار... ای وای هوار

هوار هوار و ... وای هوار

هوار هوار، تاتم کجاس

تو نوم شفقتی تیر خلاص

ایسو رفتن پی زن عمو

که زیندش رد عمو

ای وای هوار... ای وای هوار
هوار هوار و... وای هوار

ناوگون و ناوگون... مو و لنج
دشت و دیارم... پر ز گنج
دشمن میاد... رجز کشون
گنج بره... سی خودشون

ای وای هوار... ای وای هوار
هوار هوار و... وای هوار

جنگوم بریده ... نخل ها سر
تا کی کنوم خرمای تر
رویوم شده ... خنج روی خنج
دلوم داره ... رنج روی رنج

ای وای هوار... ای وای هوار
هوار هوار و... وای هوار

وین آوریل 2003

پل زرد

می دوم تا پل زرد

پل آخر... در این پایانه

بر دانونب

معبد پالایش الماس وجود

مأمن صیقل جان

می دوم...

با پر سرخ پرنیان آرزوها در دست

می دوم... با بال های زرین خیال

با سلام هر سپیده ...

و تابش بی ریای نور...

از میان پرده ها ... پنجره ها

می دوم تا پل زرد

آنجا که... در آبی های آسمان

در چرخش آرام لحظه ها...

می ریزند...

رنگ های بس ملایم

از نارنجی ها ...

و سوسنی ها
با چرخش یک قلم ...
به آبی ها و سفید
و پل زرد...
چون قوس و قزح...
بر معبد میثاق عهد من ...
با من
تاق زده
و من... در یورش حریرسان
و عطر تابناک خاطره ها
می دوم با فرزاد
دیدن و دویدن ...
با فرزاد جهاد
او... تندیس زیبای یک دلاور
و قهرمان
که... نه شکست
عهد از لش ... با مردم
او خلاصه گشت...
در سپیده دمی
در پی رگبار گلوله ها
در یک فریاد...
می دوم تا پل زرد...
نیست کسی...
جز من و فرزاد

گذر از معبر پر راز خطر...
یک جیغ کلاغ ... با وحشت
یا... حملهٔ عنقریب یک مجنون
یا ... فوران زهراب هراس
از سقوط کسی... که خود را
از بالای پلی
بر راه کنار دانوب...

می دوم تا پل زرد
در لغزش آرام...
وبی خروش تن رود
و انکسار بوسه های زرین
بر ستون های بلور ...
در قصر پر جلال آرزوهای بزرگ
و پرواز کبوتران...
زیبا و سفید
بر گسترهٔ آبی... و صاف آسمان
و رقص آرام یک قلم...
آغشته... به طلای خورشید
بر یال تک تک امواج روان

می دوم تا پل زرد
شروع همه‌همه ...
چرخ های پر تلاش زندگی... از هر سو
پر جوش و خروش

هوایما... خود رو ...

دوچرخه و قطار

غوغای حرکت... همه در یک صفحه

و قدم های کشدار مردی ...

با چشمانی خواب آلوده

همراه سگش... بی سایه

می دوم تا پل زرد

وین سپتامبر 2003

شب یلدا ی ایران

چه مرموز و غریب

پر بوی خون ...

سرد و خاموش است

این شب طولانی یلدا

چنان بالا کشیده اهرمن

دیوار ظلمانی...

و بر بسته... هر روزن

بر طلوع روشن فردا

که ... برده طاقتم از کف

روشن است... شمع امیدم لیک

هراسی هست اگر

از توفان و... عمر شمع

و سرایی...

سرد و بی فردا

نگاه انتظارم...

گر هزاران بار... بر راه است
ترسم اما...
از پایان بینایی ست
صبرم...
گر چو دریا پر تحمل
دردم اما...
از زخم امواج پیایی
و خون هایی ست ...
که جاری... در شب تار
و وحشت ...
از سنگی که...
دردستان ایام

و فریادهای بی تشکل
ناجوانمرادانه
بسته ... به رگبار
از بام و خیابان

اشک را ...
بر چشمان من خرده مگیر
گر ... صوت زیبایی
از کاروان راهی فردا
می رباید طاقتم را
در جایی که... ما را کد
پشت دیوارهای بس بلند

همچنان محبوس و محکوم
به عقب رو ... و عقب رو

اشک را بر چشمان من ...
خرده مگیر

گر... در بلندای سیاهی
و... آسمانی بی ستاره ...
سرد و ساکت

و شب طولانی یلدای ایران
صدا... و خون شده ادغام

اگر باد... با ارمغانش
از عطر نفس هایی... راهیان روشن فردا
می رباید... طاقتم را
اشک را...

بر چشمان من ...
خرده مگیر

وین 18 دسامبر 2003

آرباتیزلس

ترجمه از اصل انگلیسی

در کتاب 6

ولوله ... پنهان بود

شنیدم...

کسی نام مرا صدا زد

پنجره را گشودم

دستم ... در سیاهی فرو رفت

دردی تیز و صاعقه وار

در رگ هایم دوید ...

و به قلبم چنگ انداخت

سریع پس کشیدم

ولی دیگر دست نداشتم

ولوله ... پنهان بود

مچ بی دستم... از درد می لرزید

اما... خونریزی داشت

دقیقا هیچ خونی....

فریادم در سیاهی... خفه شد

فقط می توانستم... اشاره کنم

برویرانه های یک عمر تلاشم

زانو زدم

دهان ها همه ... کاملاً باز

دم ها... بی بازدم

اما کسی...

حتی کلمه ای نجوا نکرد

ولوله... پنهان بود

نه به دور...

نه به نزدیک

نگاه منزجرم...

به سیاهی... سنجاق شده بود

قطع سریع دستم... با برنامه قبلی...

ذهنم را تسخیر کرده بود

من با سیاهی احاطه شده بودم

ولوله... پنهان بود

دیگر کسی... مرا صدا نمی زند

همه چیز تمام شده بود

چیزی برایم نمانده بود

جز حیرت ... و وحشت

وحشت از فردا...

ولوله پنهان بود

آروزهای انسانیم ... مچاله شده

از نظر دور می شدند

سیاهی دستم را بلعیده است

با فریادی بلند و صامت
بی هیچ سایه
به اعماق زمین مکیده می شدم

ولوله ... پنهان است
دیگر کسی... مرا صدا نخواهد زد
باد... از جانب سیاهی زوزه می کشد
امید و آینده را... می روبد و می برد
اکنون من اربایتز لس هستم

وین دسامبر 2003

Arbeitslos - اربایتز لس: به زبان آلمانی، بیکار، کسی که از کار
اخراج می شود و ماهیانه ناچیزی از دولت به او برای مدتی پرداخت
می شود.

بعد از جهانی شدن و انتقال کارخانه های اروپا و آمریکا، به
کشورهای جنوب، کارگران بسیاری در اروپا، از کار بیکار شده و
زندگی خود را از دست دادند.

سرود پنهان

در کنارم بمان ای راز نهفته

در کنارم بمان ...

ای کلاف درد های نگفته

در کنارم بمان ... ای مرد

می شناسم تورا... به عرصه کار

تورا در لحظه های سرد زمستان

تو را در رگبار تگرگ و... در باران

تورا در شرجی تب دار و... خوشه چینی خرما

تورا در نفیر بی سرو سامانی و... در گرما

تو را در توفان ...

سید ماهی و صدف ... در ته دریا

تو را غرق... در اندوه خاطرات یک رویا

تو را... در سایه سرووار یک فریاد

تو را در عصیان ... علیه آنچه دادمان بر باد

تو را در اوج معضلات لاینحل

تو را در میان بره‌های کج و... لایعقل

تو را در اعتصاب و ... بستن لوله های نفت

تو را... در خط مقدم آنچه که بر ما رفت

تو را در تنگنای فقر و... در آزار

تو را در هجوم گرگ ها... در بازار

تو را در تلاش... در کنار کوره داغ

تو را... در اضطراب نان و نور چراغ

تو را... در بن بست استثمار و سگ هار

تو را در اعتراض ... به فشار استعمار

تو را... در اعماق زندان های نمور

تو را پنجه در پنجه... با سلطه زور

تو را که بره وار بردنت ... به مسلخ جنگ

تو را که در ازل ... مسلح به پاره سنگ

تو را در اخراج از کار و...

فضای مسموم بیکاری

تو را در قربانگاه اعتیاد ... پوچی و بیعاری

تو را خریدار... در دکان بی عشق یک هم آغوشی

تو را در فرار ز تلخی ها ... و ورطه فراموشی

تو را در به در... در گریز از جنگ...

و به جستجوی پناه

تو را در تبعید و اسارت... در تجاوز جانگاه

تو را در باور قوانینی... که مالکت کرده

تو را در پذیرش سالاریت... که من برده

تو را ای مرد...

که صبورانه بار غم برده

تو را که زخم کاری ... ز مالکان خورده

تو را که در راستای عدالت ...

هنوز ایستاده

تورا که پرچم سرخ ... ز دستانت فرو نیافتاده

تو را... ای سرود پنهان تلخی های کهن

تو را ... ای درخت غرور فراز رنج و محن

تو را شناختم ای مرد کار...

از ازل تا به کنون

تو را به بن بست و... سرمایه

مجهز به تازه فنون

زبان من قاصر از

قصه غصه های تو ... در یاد

غصه هایی که عمر کوتاه تو... می دهد بر باد

تو نیز مرا در یاب ... که مضروب تبعیض

تو نیز مرا در یاب ... که چون تو... ز رنج لبریزم

من و تو...

بار باروت در انفجار غمیم

گر که در رد بطلان ها ...

شانه بر شانه هم به نهیم

بن سرمایه ... ریشه های نوین دوانیده

بی حریم و هراس ... شاخ و برگ... گسترانیده

گلویمان می فشارد ... دست جهانی استعمار

قلوبمان می فشارد ... پای آهنین استثمار

می گشاید هر دم به حيله درى ... امپراطور سرمايه

اهداف فرتوت... نقاب نو ... و وعده های بی مایه

گر نخیزیم... به وحدت چپ... به جهان

گر نجویم... ره پیوند...

از برون به نهان

بردگان فردا ... سپاه اضدادیم

حک بر سینه هایمان شماره ... اعدادیم

در کنارم بمان ... ای راز نهفته

در کنارم بمان ...

ای کلاف درد های نگفته

در کنارم بمان ... بمان ای مرد

وین 8.3.2004

ارنستو چه گوارا

ترجمه از اصل شعر

به انگلیسی در کتاب 6

ارنستو چه گوارا

اهل کجا هستی ...

دوست داشتنی من

کوبا ... آرژانتین ... پرو یا بولیوی

عشق تو در من

هم چون طلوع آفتاب ... بر دریا می درخشد

عشق تو در من ...

چون دانه ای که شوردرخت شدن دارد ... می روید

عشق تو در من ...

هم چون باد ... بدون مرز و آزاد می وزد

ارنستو چه گوارا

اهل کجا هستی ...

دوست داشتنی من

کوبا ... آرژانتین ... پرو

یا بولیوی

گر چه قلب ها هنوز ... بر ترور غم انگیزت گریانند

ولی عشق من ...

عشق من به تو

میان دو آینه موازی شکوفا
می شود

هنر جاودانه تو...

تسخیر قلب ها ست

ستاره این درخشش ابدی...

عشق به انسان است

جاری و بدون مرز

ستاره این تلالوی ابدی...

قیام است... علیه رشد امپریالیسم

ستاره این درخشندگی ابدی...

عشق و ایثار است...

با فروتنی... بی هیچ نمایشی

ارنستو چه گوارا

اهل کجا هستی...

دوست داشتنتی من

کوبا آرژانتین... پرو یا بولیوی

در رویاهایم ...

تو با شکوه و تهور راه می روی

در تو ...

ترس جایی ندارد

گرمی تو را...

چه نزدیک ... حس می کنم

در قیامم ...

تصویر درخشانی از تو

در پیش رو دارم

تصویر تو را...

بر پرچمی از ساتن سرخ

نقش می زنم

باد بر آن می وزد

و همه نژاد ها ...عاشق آن می شوند

عشق من...

برای همیشه...

سمبل زیبایی حقیقی انسان ...خواهد بود

او از پرچم سرخ ... همه را

به مقاومت ... در وحدت چپ می خواند

امپراتورها ...

به نیرنگ های مزورانه ادامه می دهند

تا کاخ های سفید ...

با آجرهای طلایی بسازند

ما با دنیایی...

از غم محاصره شده ایم

ارنستوها می آیند

و فرداهای بهتری می سازند

ارنستو چه گوارا

اهل کجا هستی کجا...

دوست داشتنی من

کوبا... آرژانتین... پرو

یا بولیوی

وین... آوریل 2004

آغاز ماه مه

راه تو همیشه... درخشان باد ای کارگر
در نشیب و چرخش و فراز این زندگی
جوهر کاریت... خروشان باد ای کارگر

جان تو منور به ... سرخی شعله های بیداری
در معبر تاریک رنج ها ... و طوفان های زندگی
پیکرت بری از ... آفت هر اعتیاد و بیماری

در نسیم عطر آور این بهار
چون شکوه سکر آور زندگی
روز تو مبارک باد در این بهار

ای که تیر قدرتت... اتحاد
در اوج و عرصه این زندگی
ای شکوه همتت... اتحاد

آغاز ماه مه... روز جهانی توست
آنچه ساخته بر حول محور زندگی
حاصل کار و زحمت و ... جوانی توست

ابراز درد ... امروز شایسته نیست

ترسیم صحنه های ویران زندگی
بر چهره تابان امروز... بایسته نیست

لیک این فردا و این ... اضطراب زحمتکششان
این حسرت جاری و... انسانی از زندگی
این صبوری... و این فرو خوردن خشمشان

امپراطوران سرمایه... آسوده بال
بی ترس و... با آز بی پایان از زندگی
به کشتار و... غصب غنایم هر روز سال

اوج بلوغ کارگران جهان است... اتحاد
در نبرد با جنگ و بیکاری و یوق بردگی
تیر انتقام زحمت کشان جهان است... اتحاد

وین اول ماه مه 2004

هیروشیما

در یاد بود فاجعه هیروشیما- 6 اوت 1945

ترجمه از اصل انگلیسی - کتاب 6

من ... ترا بیاد می آورم

من ... ترا بیاد می آورم

من... با تو آه می کشم

من با تو ... می گریم می گریم می گریم

هیروشیما...

آنگاه که پرندگان ...

در آبی های آسمان ...

به پرواز در می آیند

با آهی عمیق...

می گریم ... می گریم... هیروشیما

که چرا... هیروشیما

هنگامی که باد ...

در چمنزار ها به نجوا در می آید

و بر پنجره های باز

پرده ها را ... به حرکت می دارد

من می‌گیرم... می‌گیرم

که چرا ... هیروشیما

روز 6 اوت...

هنگامی که خورشید به طلوع می‌خیزد

و اندازه های قارچ اتمی....

رو به گسترش است

من می‌گیرم... می‌گیرم

که چرا... هیروشیما

ما... باید اسم آنان را

برای دریافت جایزه ...

بر یخ بنویسیم

که این ابلیسان... این شکارچیان نفت

همان ... قارچ کارانند

و من... می‌گیرم... می‌گیرم

از اعماق قلبم ...

آه... هیروشیمای من

آه هیروشیمای من

وین 06.08.2004

جاودانه

زندگی...

با شتاب در پیش است

و ما که ... سازندگان آن

در کجای زمان

و در کجای زمین...

ایستاده ایم؟

ارمغانمان...

و ندایمان...

به حرکت عظیم هستی...

چیست؟

به کدامین سو...

با کدامین وسیله ...

و چه گونه است ...؟

آنان که بهترین ها را ...

به زندگی هدیه می کنند

جاودانه می گردند

وین فوریه 2007

ارگ بم

هیچگاه...

هیچگاه...

هیچگاه...

این همه ویرانه

یک جا ... ندیده بودم

وسعتی چنین بهت آور

هراسناک

رعب آور

ارگ بم است

با خشت های شکسته

به زانو نشسته

در فرو کش

هنوز... نه نیم

از دو هزار

دیگر ایستاده نیست

و تاریخ را چنین

در ذره ذره های

پراکنده اش

با های های جگر خراش

می گرید

هلال طاق ها

شکسته...

پی در پی...

غزل غمناک هیچ

اندر نی...

آسمان خود را یک جا

به زمین زده است

و زمین هزار بار

تمام هستی اش را

بر سینه آسمان کوفته

حال در میدان تکیه

نعره های جان سوز

سر داده

نهایت در نهایت اشک

وسایه...وسایه ابدی

سوز نفیر زن یی

در گذر از تاریخ

آمده از دورها

درد تک تک

شکسته ها را می گزید

و ضجه هستی سوزش

نبض تاریخ را

در رگ امروز می ریزد

گرگ و میش صبح بود

ارگ بم

با شهر دامنه اش

به زانو فرو غلطید

این جا

آن جا

سرگردان در زمان

کسی بر مسیر الوارهای چوبین

نوشت

عشق بم

و فریاد کرد

بم زنده است

فضای پر ز رعب و بیم

خشت های ریخته

لوله... درب و سیم

صف الوار چوب

پله...

طناب و نور افکن

زبان در یورش غم

چه الکن...

دنیا دنیا

اشک پنهان...

از بغض فرو خورده

نگهبان سوخته...

زیر آفتاب سالیان دراز

به زیر کوه غم

ملتهب و ملتهب

و چه بی تاب

اصطبل های حکومتی بر پا

برج و بارو

افتاده...

ریخته...

ولو...

بر همه جا

هلال و کنگره ها...

شکسته تو در تو...

امیدهای گمشده...

در میان برج و باروی ویران

کو؟

بم ... مهرماه 1383

بم ... اکتبر 2004

بم زنده است

تقدیم به فریبرز رئیس دانا
حامی کودکان یتیم در زلزله بم

سگی ندیدم... گربه ای ندیدم

مردم در شهر نبودند

دکان ها بسته بود ...

خیابان ها تعطیل ... شهر متروکه

اینجا و آنجا... گهگاه در دکه ای

کسی چیزی می فروخت

شهر غرق در سکوت

شهر بی جوش ... بی خروش

هر از چند گاهی ...

لرزشی خفیف ... در زیر پاهایم

می گفتم در بم هستم

باد ... شاخ و برگ نخل ها را

این سو می برد ... آن سو می برد

این جا ... و آنجا

چمن ها هنوز سبز

و شاخه نخل ها ... پر از خرما

زرد ... خرمایی... قرمز و عنابی

ولی دستی نبود ... تا بچیندشان

مینی بوسی کهنه ... به خاک آلوده و در حرکت

با شعاری بر شیشه خاک گرفته پشت

بم زنده است

خانه های گلی... دیگر نبودند

خانه های گلی با ساکنانش ... دیگر نبودند

اینجا و آنجا

بچه های تکیده ... سیاه چرده ... عاصی

از ویرانه ها ... بالا و پایین می دویدند

مردان تکیده بلوچ

با شلوارهای چین دار

با پیراهن های گشاد ... تا به زیر زانو

کارگران مهمان بودند

چه شده؟ ... چه شده بلوچ ها در بم

بمی ها در کجا؟ ...

کارگر روزی پنج هزار... شش هزار

تریاک مثقالی دو هزار... چه شده؟

خروار خروار تریاک...

از کجا می آمد ... به کجا می رفت

سادممان گمارا ... تکرار نبود

سادممان گمارا ... دیگر نبود

زمین زیر پایم می لرزید

می گفت... در بم ام

در کمپ ها چه شده

خودی ها چه کردند

دختران و پسران

فریاد شان را... تجاوز ها را... در نامه ها

به سنگ صبوری ...

به روانشناسی...

آمده برای یاری به کودکان

فرستادند

آن سنگ صبور چه کرد ؟

از غم کودکان بم

خود را کشت

فریاد دخترکان را ... در تجاوز

فریاد پسرکان را ... در

تجاوز

توسط خودی ها ... زیر چادرها

کسی نشنید

اشک هایشان را کسی ندید

ولی آن ها نوشتند... و نوشتند

او دیگر طاقت نیاورد ... و خود را کشت

ما کجاییم... کجای زمین... کجای زمان

زمین می لرزد... ما در بم ایم

در بم می گریم

خزان می آید... بادهای شدید ترند

باد گیرها ریخته...

دیگر گریه ای نمی آید...

سگی نمی رود

موشی و وهوشی... جنبی و جوشی... نیست

بی بی جان می گفت

هر وقت به ارک می روم می گریم

پرسیدم چرا... گفت چون

تنها جایی بود که داشتیم... و حال فرو ریخته

آفتاب تند است

نگهبان پیر ارک... دیگر کسی را ندارد

عائله پنج نفری... و حالا دیگر هیچ

سرش را میان دو دست می فشارد

دیگر کسی را ندارد

لرزش خفیف زمین...

زخم صورت محمد... زخم عجیبی ست

محمد این زخم چیست

عفونت پوستی خانم...

از زمان زلزله

کوچه ها خاکی ...

محوطه ها ... و فاصله خانه ها

خاک ولو ... لغزان... پودر...

چرا ... چرا پاهایم در خاک فرو می رود

زمین می لرزد... می فهمم که در بم ام

شهر بسته است... شهر تعطیل است

هتل آزادی با چند ترک

با چند ترک کوچک

با چند ترک بزرگ

برجا و بر پاست

ساختمان های کوچک آجری

بناهای بزرگ آجری... همه بر پایند

تریاک کیلویی چند...؟

در بم هر وقت زلزله می آید

قیمت تریاک فرو می ریزد

برج و بارو فرو می ریزد

مردم در بم چگونه کار می کردند؟

مردم در بم چه کار می کردند؟

چرا بم تریاک... چرا بم هروئین

بم معدن تریاک است خاتم

بم معدن تریاک

اول این جا ... بعد همه جا

زمین زیر پایم می لرزد

می فهمم در بم هستم

نه جغد ... و نه کلاغ

نه سگ ... و نه واق

چرا بادمجان بم آفت ندارد؟

چرا در بم طلاق کم است

چرا در بم کار کم است

چرا بم بزرگ است

آب از کجا می آید... نان از کجا می آید

مهریه دختران چیست

حامی دختران کیست

زمین می لرزد... زمین می لرزد

من هنوز در بم... بم هنوز در من

می گریم... می گریم

پسران ده ساله... پسران دوازده ساله

پسران سیزده ساله

چرا پسران بم در پرخاش

چرا پسران گلاویز

چرا پسران عاصی

چه شده ... چه شده

پدرانشان در چه کارند ؟

پدرانشان در زندان اند

آه بم ... آه بم ... آه بم

چقدر قصه داری

آه بم ... آه بم ... آه بم

چقدر غصه داری

دندان هایش سیاه بود

دندان هایش کم بود

موهایش رو به سفیدی

موهایش زیاد بود

تکیده بود... تکیده بود

دنیا دنیا غم ... از گلویشان آویزان

ای سرزمین سوخته...

ای سرزمین سوخته

چه بر سرت آمده

چه برسرت خواهد آمد

آب نیست... نان نیست

کار نیست... تریاک هست

زمین می لرزد

زمین می لرزد

بم در من است

بم مهر ماه 1383

2004 اکتبر

از سینه خاک

آنکه زیر خاک ... می کشید فریاد
در تائی سخت انتظار

پاک رفت از یاد

شد دست به سر

خاکمان بر سر

خاکمان بر سر

هق هق اش هنوز

می زند در خاک

دریای تلخیست

بار پژواک

شد دست به سر...

خاکمان بر سر...

خاکمان بر سر

سنگ و انتظار...

بلور و دلش...

خاک و اشک زده... قالب رخس

ما سر به سر

خاکمان بر سر

خاکمان بر سر

آنکه پا بسته...

در اعماق خاک...

با دستی برون...

از سینه خاک

می کشید فریاد...

شد مشتی از خاک

و دست به سر

ما سر به سر...

خاکمان بر سر

خاکمان بر سر

در بحث ... در جدل

در کش و واکش

جانش رفت از دست

خاکمان بر سر

خاکمان بر سر

دست برون از خاک

پژمرد... افسرد

افتاد ... و مرد

شد دست به سر

ما سر به سر...

خاکمان بر سر

خاکمان بر سر

بم مهر 1382 - اکتبر 2004

درد ما زلزله نیست

درد ما زلزله نیست...

زیستن... ماندن ... و نحوه آن

درد شده

عشق من کودک من

دستهای کوچک تو... پس از این

مهر و گرمی را...

از دستان چه کسی خواهد جست

آغوش که... پناه تو خواهد شد

در غم و تنهایی ...

و در تب و... بیماری

دانه چین اشگه‌ایت که...

آن عابر بردبار...

در کوچه های...

طویل و تار هفت در تو در تو...

مادر... کو؟

آن عابر بردبار...

زیر رگبار فقر... از همه سو

مادر... کو؟

آن عابر مظلوم...
بی رمق... بی دارو...
مادر... کو؟
آن صبور زخمی... پشت دیوار بلند آرزو
مادر... کو؟
وقتی که زمین باز شده... می بلعید
می شنیدم او را... نام تو
فریاد کنان... جان می داد
ضربان و تنش مضطرب قلبش...
تا به ابد
در قلب زمین... خواهد زد

عشق من کودک من
بوسه بر گونه مهتابی تو
پس از این
چه کسی خواهد زد؟
دست مهر که... بر سر تو خواهد بود؟
بابا کو؟
آن خسته مغلوب عرصه بیکاری...
ای فریاد...
آن خسته مغلوب در بدر...
بیزاری
آن بغض فرو خورده... ز تحقیر
و... ز محو حرمت انسانی
آن کوه صبوری و تحمل...

آن مرد... بابا کو؟

حسرت خرید کفش ات

و قولی که داده بود ...

برای کیف... کتاب و دفتر

و غذا...

همه را با خود برد

می شنیدم او را...

نام تو فریاد کنان... جان می داد

گر زلزله ای هم... در کار نبود

باورم کن... باور

دغدغه لقمه نان...

و شکست بلور عزت انسانی

امان نمی داد او را

عشق من کودک من

گوشم ... بر سینه خاک است هنوز

مدام... نام تو را می شنوم

بازتاب اش ...

به اولین صفحه تاریخ رسید

مهتاب... داود... رضا... گلچهره

قصه ی تلخ تو... تکرار مکرر...

جانسوز

جوهرش فقر سیاه

برگ برگ دفترش

تمام روزهای تلخ زندگی ست

سر پناه...
اولین... مشکل انسان
هم چنان پا بر جاست!

این زمین می چرخد
با سیلاب ...
با طغیان های دریا
این زمین می چرخد
با لرزش... با ریزش
این زمین می چرخد...
با جوشش آتش مذاب... با فوران
این است زمین...
می چرخد و می چرخد
در جمع بی کران کهکشان...
و... هستی
این ماییم
که در رکود خودخواهی ها... منجمدیم
ایستاده همچنان...
بی تغییر
این ماییم....
که در ایستایی خود پوسیده...
در تلخی...
درد ما زلزله نیست
عدم درک انسانی...

از زیست جمعی...
به دور از خود خواهی ها...
درد شده

نحوه ایجاد زندگی...
شکست فاصله ها
اشتراک همگی ... در بنای زندگی
برای ... همه گان...
درد شده

خانه های محکم...
و... ضد زلزله

همه پا برجایند!

کیست...

که یخ این رکود را ... در هم شکنند؟

و... این زنجیر فاصله خواهان را...

از تن و جان جامعه بدرد

وین دسامبر 2004

داریم غرق می شویم

ترجمه از اصل انگلیسی
"وی آر درآنینگ" کتاب 6

بیدار شوید...

داریم غرق می شویم

توفانی که نفس می کشد...

دارد دندان نشان می دهد

یورش این ضربه های کشنده

و بدنه ضعیف قایق ما

زود باشید ... زود باشید

پرچم سرخ را بالا بکشید

هیچ کلمه شمشیر مانند برآ

و تفرقه آمیز ... در میان نباشد

تمام شکاف ها را پر کنید

و تمام جدایی ها را ... فوراً

از نو وصل کنید

بیائید باهم ... وحدت چپ را بخوانیم

و در هارمونی ... با ریتم آن

پارو بزنینم

تا غرق نشویم

انعکاس پیوسته "جهانی شدن"

مرزهای تحلیل رفته...

تا حد صفر

فقط برای جهانی کننده گان

اتحادیه سرمایه داران جهان

برای جابجایی آسان...

تولید بخش های جدا از هم

در کارخانه های ارزان جهان

در کشورهای مختلف

مهر استثمار شدید ... بر پیشانی کارگران

بچه ها... مردان و زنان

در کشورهای جنوبی

ازدواج با روبات ها

اشیاء شفاف فلزی

تکه های مضحک پلاستیکی

سخت افزار...

بخش هایی از هفت تیر

تفنگ... موشک

و تمام چتر ها... چتر ها... چتر ها

تحویل سریع اتوماتیک

به فروشگاه های زنجیره ای جهان

و بمباران بی وقفه تبلیغات

با آخرین ترفند ها

سوء استفاده از زنان

به عنوان ارزان ترین وسیله تبلیغاتی

تحمیل تبلیغات...

به چشم و گوش مردم نگران..

اخراجی از کار...

در کشور های شمال

جاری در تمام دقیقه های شب و روز

داخل و خارج

سرمایه های متحد...

بانک جهانی...

سخت مشغول صدور فرامین سیاست

که چه وقت... باران بیاید

و چه کسی... باید چتر را بردارد

شلیک پیایی و بسیار سکس...

از تمام رسانه ها

برای پنهان کردن تمام دردهای تحمیل شده

تو مرا می خندانی!

از غرورت... در میان دیوارهای بلند

در اطراف حیاط کوچک ات!

بیانید وحدت چپ را بخوانیم

و به زندگی آشفته

و فاجعه بار جهانی

بیاندیشیم

به این سادمان گمارا...

در اشتعال جهانی شدن!

وقتی که...

در حیاط کوچکمان ایستاده ایم

چرخیدن بر دایرهٔ نئو

نئو کلونیالیسم

نئو لیبرالیسم

نئو نازیسم

مواظب باش

ترکیب سفید و سرخ

حاصلش صورتی ست

و با فروکش سرخ

تو نیز سقوط خواهی کرد

تجدید نظر... رویونیسم...

فقط یک توهم است

نیاز ما... به سرخ خالص است

و نه مخلوط...

و رویونیسم یک بیماریست

نه راه علاج

بیانید با هم وحدت چپ را بخوانیم

و در هارمونی با ریتم آن

پارو بز نیم

تا غرق نشویم

شجاع باش... نترس

از مرد در آئینه ... انتقاد کن

برخیز... دست رفیق ات را بگیر

و کاری بکن... کاری بکن

قبل از این که ... نئو دود کش ها

با گوشت و استخوان انسان

دوباره دودشان به آسمان رود

قبل از این که

نئو- برده داری بانک جهانی

در مناطق شدید خرد شده

توده های مردم را... شماره گذاری کند

بیانید با هم وحدت چپ را بخوانیم

و در هارمونی ... با ریتم آن

پارو بز نیم

تا غرق نشویم

وقتی شرف انسانی محو شده

و خلاقیتی موجود نیست

آینده در گذشته... جستجو می شود

در عصر دیجیتال...

عصر نت... گیگاهرتز

ساعت را یک و نیم هزاره... عقب کشیدن!

برای کپی برداری از نسخه های قدیمی

برای زدودن اضمحلال کنونی

شمال را رو به جلو

و جنوب را رو به عقب بردن

و جهان را به تشنج دائم... راندن

اما ما...

نیازمند آنالیز جدید

با نسخه اصیل...

و کپی... هرگز ارزشی نداشته

و کپی خلق نیست

بیانید با هم وحدت چپ را بخوانم

و ارزش ها و خلاقیت را جستجو کنیم

ایجاد تفرقه

و بکار گیری اصطلاحاتی

که قبلا توسط خائنین معروف

بکار گرفته شده

آگاهانه یا... نا آگاهانه...

رفتاری... توطئه آمیز

تمرکز... بر روی برگ های زرد و بیمار

و ندیدن دست ها

در سایه سم ها...

بر ریشه های تازه دوان

با نفرت خود ... شرایط را

شرایط مخرب را... نشانه بگیر

و آن ها را تغییر بده

بیاید با هم... وحدت چپ را بخوانیم

و بر تفرقه فائق شویم

با عشق... جاری شو

عمیق و صمیمی

شکوفه های خلاقیت را ببین

با ریشه دوان شو

جاده روشنی را...

به سوی طلوع فردا...

جستجو کن

بیانید با هم وحدت چپ را بخوانیم

بیانید همدیگر را دوست بداریم

واز خود... زنده بودن را نشان دهیم

بیانید تا با شکوه ... مقاومت کنیم

و برگمگشتگی عمیق در نا کجا

فائق آنیم

وین... دسامبر 2006

سرودن و خواندن شعر

، در بر گزاری کنفرانس بین المللی مارکسیسم اتریش

امضاء

ترجمه از اصل انگلیسی

در کتاب 6

خائنین... همه اونو امضاء کرده اند

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

همه دروازه بازکن ها... برای امریکا...

اونو امضاء کرده اند

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

همه آدم فروش ها...

اونو امضاء کرده اند

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

عراق... افغانستان ...

مزورانه اشغال شده اند

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

حال فقط ...

مسئله پر کردن فاصله میان آن ها...

ایران است

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

اقدامی ست ...بس تبه کارانه

برای فریب توده های اروپایی

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

در حمایت از...

وحشت آفرینان هیروشیما ست

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

یک بله...

برای قارچ کاران اتمی ناکازاکی ست

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

استفاده از ارنیوم غنی شده در عراق...

و تولد بی پایان کودکان ناقص

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

گاو چران حریص...

برای اشغال... نیاز به اجازه ندارد

تو ... نمی خواهی امضاء کنی؟

فقط جاده صاف کن ها...

خائنین... و آماده کننده گان ذهن...

امضا کرده اند

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

یک امضای بله... برای استعمار نو

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

شیطان گنده گنده...

نیازمند نوکری مطیع ...

برای برنامه خاورمیانه بزرگ

تو ... نمی خواهی امضاء کنی؟

مشگلی نیست...

اگر تمام ملت ...

با اشغال تحقیر شوند

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

تمام ماموران آمریکایی... امضاء کرده اند

تو نمی خواهی امضاء کنی؟

برای فروش انسانیت...

هر کدام قیمتی داشتند

تو... نمی خواهی امضاء کنی؟

وین ماه مه 2007

غزه...

غزه... غزه... غزه

افتاده از نفس

حیران بر این... جبر ناگزیر

و این مرگ در قفس

عزم اهرمن ... در فصل آب تو

عزم اهرمن ... در فصل نور تو

تزریق مرگ و مرگ و مرگ

عزم اهرمن ... بر کشتار نسل تو

ایستاده ای هنوز... ایستاده ای هنوز

در آخرین نفس

جان... زخمی سکوت

زهر دشنه ها ...

و این ... مرگ در قفس

دیوار ها بلند... بسته راه تو

سرنیزه های لخت

بر زخم های تو

بر داغ های تو

این مرگ بی کفن ... و این

بن بست...مرزهای تو

تو ... نه یک فریاد... که آه ممتدی

بر التیام دردهای تو...

کنون... می رود ز دست

هر فرصتی...

رسانه های خود فروخته ... اجیر

بسته چشم خود ... بسته گوش خود

نشئه و خمار

خون طفل تو ... کرده نوش خود

نه راه برون ... نه راه درون

نیست راه گریز

در فشار و زور

در تکرر... لحظه های گور

آه... باز ایستاده ای... باز ایستاده ای... باز ایستاده ای

ای انسان ها...

ای انسان ها...

هزاران هزار زندانی...

در طلب ابتدایی ترین حقوق انسانی

تأمل... تحمل... تعلل... تا کی

شرم ما همین...

درد ما از این...

زندان در زندان...

بر سینه زمین

وین... فوریه 2008

غَزَّة

ترجمه از اصل انگلیسی در کتاب 6

غَزَّة غَزَّة غَزَّة...

مقطوعةُ الأنفاس...

في سجنٍ كبيرٍ...

يا للعارِ على هذه الأرض...

اسرائيلُ تمضي في قطعِ النور...

تسبقُ جرائمُها لتطغى على ...

كلِ المشاهد...

غَزَّة غَزَّة غَزَّة...

تُقَطَّعُ في صمتٍ رهيبٍ...

فالإبادةُ الجماعيةُ للناسِ تتواصل...

وبدونِ رقيبٍ...

غَزَّة غَزَّة غَزَّة...

ليست مجردَ صرخةٍ...

بل تنهيدةٌ ومأساةٌ مستمرة...

فلا ماء للشرب...

والموت يتصاعد...

ووسائل الإعلام المدفوعة الأجر خرساء...

وتغمض عيونها حتى لا تشهد...

على آثار الدم والسيوف...

ليس في الداخل ولا في الخارج...

بل شعب سجين في حدود ضيقة...

لا علاج يليق بالإنسان...

بل الموت يبقى هو العنوان...

آلاف وآلاف من الناس يقبعون...

وحقوق الإنسان في السجون...

يا للعار على هذه الأرض...

فالسجن داخل السجن...

ويبقى السؤال الكبير...

أين الضمير؟؟ أين الضمير؟؟

ترجمته عن الإنكليزية: راغدا عبد السلام

Vienna, Mars, 2008

آزادی خواهان

چرخش کلید در قفل...

و در... در لولا

نگاه مضطرب تازه دستگیر شده

و دستی که او را هل می دهد...

به انفرادی دو

چرخش در ... در لولا

و کلید در قفل

طلوع آفتاب... سایه سیم و خار

بر پیشانی بلند دیوار

دیوار و دیوار...

حیاط در خواب

و زندان همگی... در فراموشی آفتاب

بندی ها در بند...

یک و دو و سه...

چهره ها مغموم

همه... پیچ پیچ... حرف ها نا مفهوم

انفرادی ها... تیره بس نمور

چشم ها خیره... به روزن و عبور

تکرار و تکرار... حلقه ای بسته

زهر انتظار... و جانی خسته

نقش آزادی... بر لوح دیوار

با خونی خشکی... دور و پایدار

جوانی گذشت... در حصر این بستر

شبق کاکل... شده رنگ خاکستر

تاتالاق تالاق... تاتالاق تالاق

روزن یک در... برق یک نگاه

زندانی خاموش... زندانی غمگین

آوای تند و...

تیز زندانبان...

بی شرم و حیا... در طلب جان

پاشو را بیفت

شکنجه عذاب...

باز زندگی... از نوع حباب

ثبت ناله ها... زجر است و هوار

باز می شوید ...

خون تازه ای...

چهره دیوار

زندانی بی هوش

توی بندها... دلهره غالب

چقدر طول کشید... زندانی غایب

سکوت و سایه ... همه‌همه تاریک

سایه ها لرزان...سایه ها باریک

سرنخ تازه ...

مرگ زندانی ... همواره راز

مفقودالاثـر... نغمه سازه

حبس اندیشه ... تبر و ریشه

زندگی فانی ...

قتل چه آنی

فریادی در باد...

سایه اش... سرو وار

خنده خفاش ...

قصه امروز هم ... نشده فردا

زودی می شود... فاش

تکراری ست مرموز ...

قتل های هر روز

همهمه فریاد ... همهمه فریاد

می رساند باد...

صدای مردم را ... می رساند باد

زندانی سیاسی... آزاد باید گردد

بیان فکر و اندیشه ... آزاد باید گردد

باز شده تکرار

تبر و ریشه

حبس اندیشه

تیغ استبداد ... بازی تازه

بی حیا برده ... صبر از اندازه

جان عاشقان... شد همه بر باد

خشم این مردم ... نرفته از یاد

زنی از بیشه ... می زند فریاد

بر بگیر تیشه ...

ویران کن زندان

پوسیدند زندان... در ملک ایران

فریاد مردم ... می آید با باد

فریاد مردم می ماند در یاد

زندان های سیاسی... ویران باید گردد

بیان فکر... اندیشه ... آزاد باید گردد

آزاد باید گردد

مردم ایران ... شانه بر شانه

پر خشم و خروش... چون سیل روان

کیش خود خواهی ... زور و استبداد

مردم ایران... بر خاسته با جان

از جا می کند ... زندان و زندان

آزاد می کند ... فکر و اندیشه

نه فقط امروز... واسه همیشه

وین اکتبر 2008

با تو حرف می زنم

از اعماق درد ها فریاد می زنم
از قلب رنج های گذشته و حال
از پایگاه کار و...
بیداد شدید استثمار
از فرسنگ ها زیر خط فقر
با تو حرف می زنم

آغاز نفرتم از تو...
بیست و هشت مرداد 1332 نبود
گرچه... جای خنجر توست
هنوز خون چکان
زخم اش تازه تازه
و...ضربان درد اش
در دل و جانم باقی...
لیک نفرتم از تو
با کودتای ننگین تو...آغاز نشد

گر چه ... سینه عاشق و پاک پسرانم
و دخترانم
مشبک از...

سرب گلوله های داغ نوکران تو گشت...
گرچه آهن دست بندهای قیانی
از رگ و پوست زندانیان گذشت
و سوز جگر خراش استخوان ها شد
و... زخم ها ... و دردها...
بار اندوه فضای تاریخ است

گرچه ...
تکه تکه های گوشت بدن هاشان
بر خارهای شلاقِ تیمور بختیار...
و شکنجه گرانِ تو ماند
و بر تصویرهای زنده آن ... در ذهنم
هنوز های های می گریم
ولی آغاز نفرتم از تو
کودتای سال 32 نبود

سال ها... از 25 گذشت
در حسرت یک نفس هوای تمیز
شبیق کاکل افسران جوان
شد برنگ خاکستر
آن ها ...
در پس دیوارهای نشسته به خون
بی نور... تنگ و نمور
در هوای مانده ... از صد سال
استوار...
بر عهد و میثاق باورشان

دفاع از کار و کارگر... حقوق برزگر
چو کوه دماوند... پایدار ماندند
و افسران... شدند ستاره ها
ستاره های درخشان
بر اوج پر شکوه ...
مبارزات کارگران جهان
و قهرمانان شکست ناپذیر مقاومت ...
و افتخار مردم ایران

لیک...
ای ژن ناقص تمام مجرمین زمین ...
آمریکا
کودتای ننگین تو ...
تنها مقطعی خونین...
و بر کناری دولتی ساده ... نبود
یورشی گستاخ...
به تمامیت حقوق یک ملت
رای و انتخاب یک ملت
به شان و مقام یک ملت
شکستن حریم حرمت ...
و عزت یک ملت
در وطن...
و کاشانه آن ملت بود
مسئله...

زندان و اعدام و شکنجه نبود
مسئله... بس عظیم تر بود
تحقیر یک ملت بود... تحقیر یک ملت!
حق کاپیتولاسیون برای تو
و ایجاد سلطه ات بر تمام هستی او
و نهایتا ... سد تکامل او

نادیده گرفتن رأی ملتی
با تمدنی کهن... به هیچ
کج و واکج نمودن... راه زندگی اش
اهانت به آرمان یک ملت ...
به جان یک ملت

سلب حق اراده از او
و... تحمیل یک سرسپرده ...
یک نوکر
تحت قیومیت... و وابسته به تو
توی بی ریشه...
بی هویت...
غاصب و غارتگر

خیر...

با این همه...

نفرت من از تو

آغازش ...

روز خون بار 28 مرداد 1332 ... نبود

آن که... در هموار کردن ره ... بر توست
و یا...

در انتظار باز کردن کلون در...
پشت در است
نا آگاه و کم حافظه...

یا از خریدهای...
چهار صد میلیون دلاری توست
فراموشی...؟
پذیرش... تحقیر دوباره...؟

درد من تاریخی ست
و نیک می دانم ... می دانم
گر ملتی ز رأی خود دفاع نکند
و برای حفظ شأن اش...
و منزلتش...
نه ایستاد ... و مقاومت نکند
پایمال...

و خاک پای دگران خواهد شد
دروازه ها را... بر جانیان جهان...
بگشودن

تحقیق شدن ...
انترهای فتنه گر دشمن را ...
به صرف هم گویشی
خودی دانستن

دشمن دیرینه را باور کردن
و ... برای رفع مشکل خویش
با اعتماد به یک جنایتکار...
به او لم دادن
و... به کوچه های فریب او ره بردن
بی همتی و پستی...
و ابراز زبونی ست
قبول ضعف است...
به جای یافتن ره به جلو
به عقب برگشتن
فراموشی خفت؟! ... فراموشی ننگ!؟

تابناک ترین گوهر ملی
شخصیت است ...
وایستادن ...
برای حق رأی خود...
کمال وجود
و بالاترین نشان حضور

آیا در تجاوزی بر یک کودک
چشم بر گناه عاملش می بندیم؟
و بی تفاوت... بر تکرار تجاوز
بی کنش می مانیم؟

تجاوز به حق رای یک ملت

هزاران بار ...خفت بار تر است

و مرگ ... بسی شیرین تر

ما همه می میریم...

آنچه می ماند

پای مردی ها... پای زنی ها ...

در حفظ شأن و شرف انسانی ست

اگر آموزگار دوم دبستانی... ره تدریس نمی داند

و شاگردان همگی ...از دست او ...

زار و جان بر لب و بیماراند

آیا راه چاره...

بازگشتن به کلاس اول است ؟

گر برخاستن...برای تغییر و تحول

صد سال به طول انجامد

راه دگری... نیست

یک ملت... خود باید به پای خویش شود

ایستادن... با چوب دستی و عصا...؟!

دشمن را به خانه آوردن...؟!

راه نیست...چاه است

او باید... از منطقه رانده شود

و برای ابد... تارانده شود

و از رویاهای سلطه ... بر کل زمین

منفک و... پرانده شود

نه... نه

نفرتم از تو... از سال 1332

و با سواری دادن...

به غارتگری چون تو... آغاز نشد

دخالت گاو چرانی جانی... بی هویت

در امر بزرگان

ملتی...

با هزاران سال تاریخ تمدن

تحت کودتای تو

و فشار نوکران سر سپرده ات

و اعمال اختناق... از هر نوع

قابل تحمل نیست

حال امروز... با تحقیر

واپس گرایمان می خوانی

و توی بی فرهنگ... با ژن جانی

می خواهی ... برای نجات هستی امان

دموکراسی...

و لابد فرهنگ ! هدیه کنی!

اشک تمساح مریز...

و پستان... نجسبان به تنور

مرگ در ظلمات

بر لطف و چراغ تو... بس ارجح

درد بی درمان ... کم کن و برو

با این همه
آغاز نفرتم از تو...
28 ...مرداد ... سال 1332 نبود
این داغ جگر سوز... بس کهنه تر است

آنگاه که برای ورود نحس ات ...
بر قاره ای در آن روی زمین
که بعدها... آمریکا یش خواندی
فقط پانصد و اندی سال پیش
مجرمین و محکومین جنایی را ...
از اروپا...

برای غصب و حمله...
سروسامان دادی
و... وحشیانه بر فرزندان
سرخ پوستم آوار شدی
ساکنان ...

وصاحبان اصلی قاره را می گویم
با 6000 سال تاریخ تمدن
به نام وحشی...
به رگبار گلوله می بستنی
قتل عام شان می کردی
آنگاه...

اولین شعله های نفرتم از تو...
زبانه کشید

بیداد... تحقیر... تبعیض

آن ها ...

بعد از 5 قرن ...هنوز

در سراسر قاره...

در فقر سیه... می سوزند

و جواب تو...

به عصیان پر شکوه

چه گوارا

در محو این همه تبعیض...

و ستم

در بولیوی

رگبار گلوله ها

بر سینه پر عشق اش بود

نه نه ...

هرگز نفرتم از تو ...

آغازش... کودتای 28 مرداد سال 1332

زیر سایه لشکر لومپن ها ...

وفواحش ... نبود... نبود

در شیلی... نقشه های مزورانه

سی آی ای

اعتصاب کامیون داران اجیر

هیا هوئی کاسه کوبان زنان وابسته به تو

وسپس میدان داری یه

پینوشه ... قاتل دست پرورده تو

تعلیم دیده...

در آکادمی دیکتاتوری... و تحمیل جنایت هایت

او... چه ها که نکرد ... چه ها که نکرد

گورهای پسران گمشده ام...

جمعی بود

برای خاموشی داغ دل مادران دردمند...

در شیلی...

آب یک اقیانوس... نیز کم است

فریاد از قتل ها... در سانتیاگو

آلنده نیز ... چو مصدق...

منتخب مردم خویش بود

و ایستاد... تا آخرین فشنگ

ایستاد... تا آخرین نفس

خبر ... خبر

رسید... رسید... اوج خطر

جلاد... جلاد

تبر... تبر

فرود... تبر...

غرق شدند...

دستان ویکتور خارا...

در سرخی های ابد

اینک اوست... اینک اوست

ناله نه ... فریاد نه ... ضجه وزاری نه

آوازی پر شکوه...

که دارد...
آرام آرام خاموش می گردد
و دوباره کم کم...
جان می گیرد..
زبان می زند...
شعله می کشد
از جان هزاران هزار زندانی ... به پا
و اوج و طنین این فریاد ...
این آواز آتشین ...
در حصار مسدود سرنیزه ها...
در یک ورزشگاه
قتلگاه کودتا...

سانتیاگو شیلی ... 1973
او بود... که همواره...
برای زحمتکشان میهنش می خواند
حال این مردمان در بند و اسیر کودتا
در زندان بزرگ سانتیاگو
با همه جان ...
چون یک جان
سرودهای پر شکوه اش را...
برای او می خوانند...
این عاشقانه ترین وداع...
در تاریخ هنرمندان است
و ضبط ... زنده
در فضای انبوه رنج های ما

نه...نه... ای آمریکا

ای زالوی خون آشام ملت ها

نفرتم ز تو...

هرگز در حصار دردهای سال 1332 نماند

دیوارهای تاریخ را شکست

و در رد پای جنایت هایت ...

به هر کجا که رفته بودی ... رفت

آنگاه که...

فرزندان سیاهم را... به زور تفنگ

در آفریقا اسیر می کردی...

وسپس به بردگی می بردی

قلاده به گردن ...

لخت... پای در زنجیر

بر کف کشتی های باربری

همچو حیوانات...

نه... بدتر

در جعبه ها ... خوابیده

انباشته ... به روی هم...

و به هنگام عرضه ...

در بازارهای برده فروشان...

به رقص و کرنش...

وا می داشتی

تا گران تر بفروشی ... هر کدامشان

دخترانم... همه در بیگاری...

برده عیش برده دارانت

دوراز خانه و خانواده

پسرانم ... پسرانم همواره

زخم تحقیر و خشونت

بر دل و پیکرشان

بیگاری... بردگی... مرگ در زنجیر

آوای سیاهان...

در امتداد این معبر درد...

ناقوس بیداد ظلم تو بود

در عصیان فرزندان سیاهم... به نام برده

جواز دفن...

در لابلای دفتر قانونت...

قبلاً صادر شده بود

تبعیض نژادی

بار کثیف ذهن تو

و ... وجود کریه تو بود

خرید و فروش انسان... لینیچ

کشتن انسان

آه... قرن ها ست

در غم شان می سوزم

هنوز تبعیض ها... نژادی... جنسی...

سیاسی... مالی ات در جهان

ریشه می سوزانند

نه نه ...

هرگز نفرت از تو... از 1332 آغاز نشد

به هر کجا که رفتی...

خوردی و بردی و... ریشه سوزاندی

جنگ جهانی دو...

وای از آن... فتنه جهانی تو

هیروشیما... ناکازاکی...

انفجار بمب های اتمی

و فریاد جهان... از جنایت تو

مرگ صدها هزار در یک آن

آنگاه... مدال قهرمانی تو

بر گردن نسل ها کش ... خلبان

چرا...

در جواب حامیان صلح جهان

به خلع سلاح های هسته ای

در سازمان ملل ات

همواره تلاش کرده ای... و می کنی

به رد آن؟

حال طمع نفت

و نقش ریاکارانه کلانتر و پیر

جهان ...

ز طرح های نو استعماری ات شده سیر

قتل میلیون ها انسان در کره...

و غصب جنوبی آن

نه ز یاد می رود...

نه می شود پنهان

سال ها تجاوز و جنگ ات

درسزمین تازه رها گشته

ویتنام... ز استعمار فرانسه

و... قتل میلیون ها

و نهایتن ...

با آن همه سلاح و تجهیزات

شکست خوردی...

از فرزندان ویت کنگ ام

نه نه ...

آغاز نفرتم از تو هرگز

کودتای ننگ بارت نیست

خسونت ...

ریا وابتذال تو را...

انتها و پایان نیست

آه از فلسطین... آه

حمایت تو... از غاصبان

از قاتلان ... از اسرائیل

60 سال تأیید...

کمک بر عاملین رنج فزاینده

سلطه و جای پائی... برای آینده

در کنار سر زمین های مملو از طلای سیاه

تخلیه ...

از ملک و خانه اش انسان

مرگ... گرسنگی... زندان

نسل اندر نسل ...

زندگی... بی سرو سامان

آه... از رنج فرزندان سامی من

که ز رگبار گلوله...

بمب ... بولدزر

نه راه فرار دارند... و نه جای امن

آه... از قتل عام صبرایم

آه از غزه... آه از شتیلایم

به که گویم...

چه گونه ...

خلاصه شوم ... در فریاد

مردمان غزه... فرزندان بازمانده

از انبوه کشتارها...

در مناطق دگرند

که سال ها قبل

به نوار باریک غزه ... منتقل شده اند

این چه دنیای بی رحمی است

چشم بستن ... و سکوت

کمتر از خوراندن سم نیست

نه نه

نفرت از تو...

تنها حاصل کودتای جنایت بار تو...

در سال ... 1332 نبود

گر خلاصه کنم ...

تمام زندگی ام

همه سوز زخم بود و...

نمک و خراش مدام... بر زخم ام

یاد دارم ... که با من...

از رنج ها شان... پدر می گفت

از رانده شدن از خانه...

از قتل عام شان

کشتار کودکانی ... چون من

در سرما ... و بیماری

بی سقف و غذا ... بی یاری

با اینکه بسیار خرد سال بودم

حرف های پدر را... خوب می فهمیدم

او هرگز نگفت... که آن ها عرب اند

و یا که ... ما عجم ایم...
و این که... مربوط نیست به ما
مهر او...
هرگز مرز نداشت
قلبش... مملو از احترام بود ...
به گاندی
و تحسین گر تنها پوشش متقالی او
دست باف کارگاه های دستی هند
استقلال هند...
از یوغ انگلیس
مایه وجد عمیق و شغف اش
او انسانی شریف و آگاه...
از فرزندان زحمتکش خلق
غارت شد ...
ثمره یک عمر زحمت او...
در کودتای 28 مرداد سال سی و دو
توسط مزدوران آمریکا
شعبان بی مخ...
و دسته چاقو کشان او
در پرواز... به سوی خورشید
دیوارها... همگی کوتاه و کوتاه تر
سپس محو... می گردند
ومرزاها

خط هایی کج و معوج
مثل نقش های کودکانه ... بر سطح زمین
و کودکان هرگز ...
کودکان آن سوی خط ها را...
کمتر دوست نمی دارند
و رنگ و نژاد و جنس...
نیست هرگز برایشان مطرح
مانده ام که چرا ما... در سنین بالاتر
زیبائی ها را
خرد و کودکانه می دانیم...
و زشتی ها را عین بلوغ !

نه نه ...
در سال 1332 ...
نفرتم از تو آغاز نشد
فتنه هایت... همه ثبت اند ... در تاریخ

70 سال... تلاش پر تزویرات
در فروپاشاندن نظام شوراها...
نظامی که هنگام تولد ... اکتبر 1917
هدف اش... دفاع از حقوق انسان... کار
و تضاد اش بود ... با سلطه سرمایه
پرچمش سرخ...
از عشق و خون
اگر افتاده بر زمین... صباخی چند

باکی نیست...
باز...افراشته خواهد شد
این جبر است
عشق انسان به رشد و کمال
تغییر ابدی ست...
و ایست محال

نه نه ...
نفرتم از تو... از 1332 ... آغاز نشد
خون 32 میلیون فرزند بلشویک ام ...
پایمال فتنه های تو شد

شرح انبوه تزویرها
و... جنایت هایت
در دفتر شعر من... نمی گنجید
ولی ... خوب می دانم...
قبول سلطه تو...
و پذیرش اربابی تو ؟!
سمی ست برای بشر

تلخی زهر... گوارا تر...
از طعم شیرین عسل ات
تخم جنگ است ریشه تو...
غارت و حمله ... پیشه تو
سلطه بانک جهانی... و صندوق پول

بهره بر بهره
اهرم زور است ...

و زنجیر بردگی ملل

رشد ابتذال است... خسروانی تو
آشتی...؟! مرگ است ... ارزانی تو

نه...

ریشه های نفرتم از تو...

تنها در کودتای ننگین 1332 نبود

درد فقر...

فاصله ها...

آمریکای لاتین..

آفریقا ... و آسیا

به دست نوکران تو شدند...

صمد هایم غرق ارس

چگونه بر بندم... گوش جانم ...

به ناله های کاروانیان و جرس

شیارهای خون دویده ...

از سیاهکل ... به جان و دلم

نفرت از تو و نوکران تو...

سرشت آب و گل ام

بر ورودت دوباره بر ایران

چشم بندم ... بر خون و شکنجه شیران؟

خام تو شدن ...

ره به سوی تو بردن
در فرهنگ لغات باور من..
بلاغت است و ...
و عین فروش جان و تن است

این طرح ها ...
آذربایجان بزرگ... کردستان بزرگ..
خاورمیانه بزرگ ...
این بزرگ... آن بزرگ..
گردش کارخانه های بزرگ تسلیحاتی تو
گوشت دم توپ می خواهد
حال نوبت ...
کرد و آذری است و... عرب
به به نفت ...

زنان ایران... هرگز
راه را بر تو نخواهند گشود
مشکل ار هست... بما مربوط است
خودمان می دانیم..
در خلیج فارس... پرسیه زن
ناوگان را جمع کن و برو

نه نه
نفرت از تو...
از درد بی درمان

تمامی سال های ...
بعد از 1332... نیز نبود

حال تو... و طرح بزرگ خاور میانه
هنوز خالی ست در آن
جای نقشه ایران...
افغانستان... و عراق... رفتند زیر پنجه تو
انتظار... ورود بر ایران
شده چند سالی...
عامل شکنجه تو

لابد اکنون ...
با 400 میلیون بودجه ناقابل... بذل سنا
مطمئنی... چون 28 مرداد 1332
بی مخ ان شعبانی
تاج بخشان... اوباشان
و چاقو کشان درباری
به نشانند بر سر شاه
تاجی خنده دار و ... مضحک شهنشاهی
و در این معامله... تاج بر سر او
و نفت ایران ... بشود بر تو ارزانی
و دست آهنین ارباب
و سایه...
بر سر ملت
می بینم انتر های ماهواره ای ات...

سخت در تلاش و کوشا یند
تا آستان قدوم نحست را
با فریب مردم ... گاف باران کرده
آزین اش بسته با پیشگل ...
عود و عنبراش بکنند... تاپاله!

نه نه
نفرتم از تو... از این جا و آن جا نیست
از همه جاست...
از ذات پلید تو...
و سلطه امپراطور امپراطوران جهان سرمایه

من هرگز دل به
سناتور اوباما ی تو... نمی بندم
یا آن دگری او بی ما
که هر دو هستند...
از احزاب خدمتگزار صهیونیست ها و سرمایه
او نیز چون کندی ...

دموکرات است
کندی... قهرمان قتل عام...
در ویتنام است
سی سال پیکار...

با قهر و سلطه پاریس
آنگاه آغاز حمله کندی
تندیس زیبای مقاومت است ...

فرزند سلطه ستیز... ویت کنگ ام
فاتح سربلند قله های ایستادگی ست
ویتنامی

نه نه

هرگز نفرتم از تو...

از سال 1332 آغاز نشد

خشم من ...

خشمی ست جاری

از مسیر هزاره ها

با مهر ستم های رفته

بر تمامی زحمتکشان جهان

که خواهد سوزاند

تمام هستی تو...

که بسوختی و بسوختی... تمام هستی من

بر تمام زمین

وین اکتبر 2008

ارنستو چه گوارا... پزشک انقلابی آرژانتینی، که برای انقلاب در
کوبا، همراه انقلابیون کوبا رزمید. و بعد از پیروزی انقلاب در
کوبا، راهی انقلاب برای بولیوی و پرو شد. که بدست نوکران
آمریکا کشته شد. او یک انترناسیونالیست است.
ویکتور خارا: هنرمند
مردمی... کارگردان... آهنگساز... شاعر... خواننده... گیتاریست
اهل شیلی... و عضو حزب کمونیست شیلی. که به دست عوامل
پینوشه و نوکران
آمریکا در کودتای شیلی کشته شد.

آسپانگ بانهوف

ترجمه شعر آسپانگ بانهوف در کتاب 6
به یاد 10000 جهودی که بین سال های 1939-1942
از ایستگاه راه آهن آسپانگ بانهوف در وین
به بازداشتگاه متهازن برده شدند.
... آنان هرگز باز نگشتند

گذشته ها... هرگز نمی گذرند

زخم ها هرگز... التیام نمی یابند

من ایستاده می مانم

با خون تازه... جاری از

تمامی زخم های تاریخی ام

همچون روزهای حادثه ها

خاطرات من ... من هستند

و من چیزی نیستم ...

مگر پیوند دیروز... امروز ... و فردا

هنگامیکه... آتش های دیروز

می گسترانند... شعله هایشان را امروز

در من...

انفجارها... تکرار می شوند

و هرگز رنج های رفته ...

محو نمی شوند... در سکوت

من... می شنوم

صدای سوت ترن ها را

در ایستگاه اسپانگ ...

و می بینم... ترن ها را

که با سینه هایی... پر از بخار

می گشایند چترهای بزرگ سفیدی

بر بالای... تمامی آه های عمیق

و بشمار

سکوها... در تپش اند

با رنج جدایی...

با درد و با اضطراب

صدای سنگین پاشنه چکمه های سیاه

صدای عامرانه تند ...

و مهاجم حامیان راسیست سرمایه

وحشی و خشن...

در طلب جدایی ها

خطوط عشق... قطع می شوند

مادر ها را... جدا کرده می برند

پدر ها را... جدا کرده می برند

آه... این اوست

مادر ژاکوب یک ماهه را می گویم

پس کو ...

ژاکوب کجاست...

او را از بغلم کشیدند و بردند

حال پنج کودک خردسال ام...

در خانه تنها یند

کودکان را از پدر ها...

کودکان را از مادر ها ... جدا می کنند

تا آنان...

شاهدان دود دودکش ها باشند

از دود آنانی که ... فقط یک شماره اند

این وحشت... این خشونت

این جنایت نژاد پرستانه اشرافی

پنهان در تاریکی ها

و با وقاحت... در روشنایی ها

کشان کشان... خود را رسانده تا امروز

در تلاش ... برای یافتن راهی نو

تا بنشیند ... بر بال های آینده

باز... در حفاظت از سرمایه

کجا می برند شما را

دوستان کولی من

تو ... همواره دوستدار سرود های ما بودی

حال بشنو... این آخرین سرود ماست

ترن ها ... ترن ها... ترن ها

ترن رنج ها...

ترن آه ها...

ترن بدبختی و سیاه روزی ها

ترن چشم های گریان

ترن دردها و اضطراب ها...

ترن دل های خونین...

ترن پیوند های گسسته ...

جدایی های ابدی

ترن قطع رابطه ها

آه... ترن ها... ترن ها... ترن ها

بدرود ... وداع ... رفیق من...

مقصد کجاست؟

وداع ... شجاع باش رفیق من

مقصد دور نیست ...

بازداشتگاه متهازن ... محل اعدام ها...

چیک چاک... چیک چاک...

حال ... در حرکت است قطار

شال کوچک و سرخ اش...

دروداع... و تکان دست

با سوت و شتاب قطار

می شود... یک ستاره سرخ

وین ... نوامبر 2008

متهازن: بازداشتگاه نازی ها در 220 کیلومتری وین

آسپانگ بانهوف: یکی از ایستگاههای قطار در وین 1939-1942

ژاکوپ: پسر یک ماهه ای که امروز پیر مردی است و در وین زندگی... و هنوز کار می کند.

تسخیر

انفجار خبر...

شکست حصر غزه

یورش از آسمان... دریا و زمین

پرواز بی وقفه بمب افکن ها

بر فراز نوار غزه

باران مرگ ...

بمب های فسفری

پیشروی تانک ها...

از کرانه مصر

سد راه های آبی

کشتارهای خانه به خانه

و زهر تلخ تنگنای یک بن بست

نگاه کن که چه خونین...

در حصار دیوارهای بلند

قلبمان... آماج شکنجه و درد است

نگاه کن که چگونه...

وحشیان مسلح ... تا بن دندان

قتل عام مردم بی دفاع را ...
به نام جنگ...
بر یال رسانه های هفت رنگشان...
عرضه می کنند

این چه جنگی ست؟
که سربازان یک سو...
مسلح به تمام سلاح های مدرن
و در آن سوی دگر
کودکان غرقه به خون...
و مادران بی سلاح و ابزارند؟

ما چه ساکت و صامت ایستاده...
و فقط آه می کشیم
یا حتّا آه نیز... نمی کشیم

دل بستن...
به پر رنگارنگ هر طاووس
و رهایی را...
در رقص به آهنگ
دهل های جنگی یه...
تیغ داران متحد
جستجو کردن!

آه... آیا

در هویتمان به نام انسان
خللی رخ نداده است؟

آشکارا... به سوی زور مداران
لغزیدن

یا دل بستن...
به وعده های پنهانیشان
بی اخلاقی ...
و فرصت طلبی نیست؟

چشم بستن... بر حقیقت
و تکرار دروغ های زورگویان
بی صفتی نیست؟
فرقی نمی کند ...

خود فروشی از هر نوع ...
فاحشگی ست
و هرگز... رازی تا به ابد...
پنهان نمی ماند

داستان 60 ساله اشغال
امروز...

در بن بست دریا... دیوار و آسمان
با قتل عام مردم بی دفاع غزه
دو سال در حصر...
بی آب و برق و دارو ...

و غذای کافی

به انتها نزدیک تر می گردد

و ما ناظران خاموش... جدا جد

آیا سکوتمان...

مهرتأیید... بر این جنایت ها نیست؟

و اصول اساسنامه هایمان

کم رنگ ... و کم رنگ تر

و محو... نمی گردند؟

وقتی که ایهود باراک

رای آتش بس را...

به سخره می گیرد

و فریاد در باد...

سایه ابری ست

که عمرش ثانیه ای ست

پس جواب رگبار مرگ را ...

و آتش را

چگونه باید داد؟

آیا هزاران بار... باید

در خفت صیوری مرد؟

تا دو میلیون مردمان غزه...

همگی کشته شوند؟

یا در اتحاد و خیزش...

و یافتن... راه حلی بود ؟

غزه را نباید... و نباید به آن ها داد

در این برهه

غزه خاکریز اول ...

و اولین سنگر...

در مصاف با...

طرح بزرگ خاورمیانه است

غزه را هرگز...

نباید از دست دهیم

وین دسامبر 2008

شکایت از صهیونیست

تقدیم به تمام کارگران جهان،
گویوم و غیر گویوم!

برای صهیونیست بودن...

الزامی... در جهود بودن نیست

در هر جای زمین

یک کاپیتالیست انحصار طلب جنایتکار...

و وحشی

می تواند یک صهیونیست تلقی بشود

ملیت... ودین

نه از عوامل اصلی

کافیست که او ...

حامی امپریالیست ها باشد

ما همه دیدیم ...

که حسنی مبارک برای اسرائیل

دروازه های غزه را بگشود

یک متحد ... نیز

به صهیونیست ها می رساند سود

عجب مدار وقتی که می گویم

پینوشه نیز از... صهیونیست ها بود

او تعلیم دیده ...

در آکادمی دیکتاتورهای آمریکا

ونوکر صهیونیست امپریالیست ها بود

یک قاتل جمعی ...

یک کاپیتالیست بی رحم...

و وحشی

جز یک صهیونیست ... چه می توانست باشد

تمام رهبران حال و گذشته اعراب

تمام دست نشاندهگان... ونوکران آمریکا

همگی هستند... از نوکران صهیونیست های...

دولت پنهان آمریکا

صهیونیست ها...

با هدف اشغال فلسطین

برای نفت و گاز

برای جا پایی...در خاور میانه

از زحمتکشان جهود...

در سراسر جهان

سوء استفاده کرده اند

دستان آزاد و کارای زحمتکشان جهود را

به بند کشیده... و مالک شده اند

آنان را ... فریب داده...

کوچ داده

و با قصه های دروغین...

و اتصال آن ... به عهد عتیق

آنان را...

ابزار طرح های استعماری خود...

و تا به امروز ... برده کرده اند

سئوال این بود ...

که کجا...؟

آرژانتین... یا که فلسطین

که ناگهان ...

در جلسه صهیونیست ها

شخصی...

با صدای خشن و بم ... با تحکم برخاست

نه ... نه...

نه آرژانتین

در کنار معادن طلای سیاه...

انتخاب طلایی ما...

فلسطین است

آنگاه تبلیغات فتنه انگیزشان را

با نیاز به تعداد زیادی از مردم

برای اشغال خانه ها...

و خاک فلسطین ... آغاز کردند

برای فریب جهودان ...

شعارشان این بود...

"زمین آزاد ...

برای مرد آزاد"

و بهانه...

" ایجاد کشوری برای جهودان "

علیه جهود ستیزی گسترده

لیک حیلہ روشن بود ...

ولی فقط ... برای عده ای محدود

و آیا براستی فلسطین...

سرزمینی آزاد و بدون مردم بود؟!

تله ای بی مانند ... در تاریخ

و ادامه فریب جهودان ... با جملاتی نظیر

" این سرزمین را ...

خدا به جهودان داده "

استعمار... و اشغال سرزمینی

با توسل به دروغ و ریا

با ساختن قصه هایی

و وصل آن ... به هزاره های گذشته و دور

با وقوف بر این امر ...

که نفی آن ...

هرگز نشود... برای هر کسی مقدور!

که خدا... این سرزمین را ...

به جهودان داده !

از طرفی دیگر ... صهیونیست ها

چراغ سبز آزار جهودان را

به هیتلر دادند...

شروع شد...باز داشت

و کشتار آنان که نمی خواستند

به فلسطین بروند

و از طرفی دیگر... شستشوی مغزی

با تبلیغ...زمین آزاد...

برای مرد آزاد

آه چسان... جهودان ساده دل ...

کارگران و زحمتکشان ...

فریب خورده ...

و ترک خانه و وطن کردند

و برای سربازی اجباری

مجبور به دادن جوان هاشان

که... قاتلان حرفه ای

و اهرم استعمار صهیونیست ها بشوند

فرزندان برزگران جهود

شجاع و سالم ... با روانی پاک

با دستانی که...

در کشت گندم های طلایی بود

در این فریب بزرگ ...

بدیل به قاتلان بی رحم و ...

جانیان بی رقیب شدند

در وداع... با شرافت انسانی

اهرم استعمار جهان

نوکر صهیونیست های متحد

و شیطان پرست... شدند

تفاوت در این جا... برابر با مرگ است

نزول شأن انسان به ربات

یا برده های

قرن های بیست و بیست و یکم

زندگی ... بی امید...

بی وجدان... و بی صلح درون

بی حق انتخاب

مجبور به پذیرش تخریب درون

و مجبور ... برای سوء استفاده های ابزاری

کوک شدن ... برای اجرای هولناک ترین جنایت ها

برای یک قرن

و رشد جماعتی... آشنا با خون

در تأیید فرمان جنایات ها... و قتل ها

گواه: انتخاب دوباره نتان یاهو

فرمانده قتل عام ها

در قتل عام 2008 ... نوار غزه

به زوال نگاه کنید

به فساد جماعتی...

مرکب از ملیت های مختلف

که تا چه عمق ... می توانند سقوط کنند

با مغزهای شسته... و جاری به فاضل آب

توسط نازی - صهیونیست ها

و شبکه مافیایی امپریالیست های امریکا و جهان

مادر کارگر جهود جوان... که هم اکنون برده

غرق ... در شرایط ناهنجار

شاهد تغییرهای وحشتناک...

در رفتار پسر

میخ شده... بر زمین و بر دیوار

بدون هیچ راه فرار

زندگی... اجباری

در اسرائیل... سرزمین اشغالی

نه چیزی شبیه یک رویا

بلکه... شبیه به استخوان ماهی ...

که گیر کرده ... در گلو

این برزخ ...

و تمام دارو نداری

که داده است بر باد

کارگران و زحمتکشان جهود

با تلخی... در این دام افتادند

بغض نفرت بر انگیز ریا

و درک دیر هنگام واقعیت ها

نه پولی در بساط ... برای فرار

نه امکانی... برای خروج

از اسرائیل ... سرزمین ریا

سر زمین مسخره...

نه امکان محکومیت...

نه شکایت

ابرای انتقال جهودان... بر پایه فریب و ریا

برای تخریب زندگی ...

که بی امروز باشند و... بی فردا

جاده ها... همگی بن بست...

کدام است راه... به وطن

بر یال بادهایی که می وزد

افسوس ... خاکستر غم ... و پشیمانی

از دیار قتل و کشتار و...جنایت و خون

و همواره در برزخ پشیمانی

آنانی که پول داشتند... ترک کرده

و به هر جایی...به غیر از اسرائیل

پناهنده شدند

و آنان که پول خروج نداشتند

مجبور به قبولِ ذلت ماندن

با نگاهی با دو چشم باز...

در پس سر

غرق در رویاهای وطن

نیست پایی ...

برای باز گشت... به وطن

فریب خورده ... تحمیق و برده شده

به سر زمین دیگران ... کشانده شده

تا ... با دستانی که می کاشت

دانه های گندم های طلا

آدم بکشد

و حال...

نان آغشته به خون ...

بوی خون... بجای بوی گندم

تا بماند... تا به ابد

در سرزمین دیگران...

این... نیست زندگی

این... مرگ و بردگیست

در سر زمین دیگران

فرزندِ جهود زحمتکش... فریب خورده

که از دست داده...

خانه... عشق و امید

و دفن است... زیر تراوش نفرت

ز قلب جهانیان....

علیه کشتار مدام فلسطینیان

و یک باور دروغ...

که خدا این سرزمین را... به جهودان داده!

برده شدن...

و تفنگ ... شده بخشی از دست

شغل: کشتن...خون دیدن

برای گسترش سرزمینهای اشغالی

شکستن جمجمه کودکان...

با قنداق تفنگ

برای حفظ فشنگ

تجاوز... به زنان و دختران

قبل از آخرین نگاه

و بازی های تحقیر آمیز مرگ... با مردان

فریب... برای نجاتشان

و اداری به خوردن ادرار خود... قبل از مرگ

و سپس ندادن راه فرار ... و قتل شان

نمایش تهوع آور و غم انگیزی

که بیش از پنجاه سال... جاری ست

جوانان عاصی و بیمار و دیوانه...

پرورنده شده ...

در مکتب هیولا ساز صهیونیسم

حریصان باستانی... امپریالیست های امروزی

من... فرح نوتاش

در پیشگاه دادگاه انسانی مردم جهان

با بلند ترین صدا...

در داد خواهی... فریاد می زنم

برای عدالت

برای محاکمه...

و برای پایان بخشیدن

به مکتب فاسد و بیمار صهیونیسم

شبکه جنایت کار ... و مافیایی امپریالیسم

نه تنها برای نیم قرن کشتار

و شکنجه مظلوم ترین ملت تاریخ ...

فلسطینیان

که تنها گناهشان...

زندگی در خانه و کشورشان

همچنین ... برای

فریب و انتقال تمام جهودان

از خانه ها ... و وطن هاشان

و تبدیل آنان... به ربات آدمکش

برای روانی... کردنشان

و من خوب می دانم... که آنان

چه عمیق رنج برده... و می برند

از یاد صحنه های پایان زندگی... به دستشان

از آخرین نگاه و التماس

برای رفتن...

و خون گرم و سرخ قربانیان...

بر سرو رو ... و دستشان

نه ... نیستند این تصاویر زدودنی از ذهن

آرامش آنان ...

رفته... برای ابد از درونشان

و ... در کوچه های زندگی

کشانده می شوند... چون دیوانگانی

با تکرار صحنه های فریاد... اشگ و خون

و جرات نگاه کردن به آینه
رفته تا به ابد... از وجودشان
و مدام... این جانیان مظلوم
دست و پا می زنند
در توحّمات ...
این است روش پروردن انسان
توسط اراذل همه خواه صهیونیست

رأی دادگاه هر کشور
برای مجرمین قتل ها
اشد مجازات است
لیک برای بیش از نیم قرن کشتار ملتی
جزایی نیست!

زمین باید بلرزد ... و زیرو رو گردد
از این جنایت بی پایان

در زندان ها زیر زمینی
بی نهایت اند... اعدامی
و شکنجه های وحشتناک

با ابزارهای نوین...

برای خرد کردن...مقاومت فلسطینیان زندانی

مردم ساده ...

از خیابان ها ... ربوده می شوند

شکنجه ... و سپس کشتار

گناهشان... بودن فلسطینی

قتل عام ها ...

از مردمان بی سلاح و بی سنگر

بیش از نیم قرن... در تمام فلسطین

و غزه...

بیزارند مردم دنیا...از صهیونیست ها

کریه ترین بخش امپریالیست ها

محاصره غزه...

برای چندین و چند سال... جاریست

برق نیست... آب تصفیه شده نیست

غذا و دارو... نیست

هیچ چیز دیگر نیست

مرگ هست

خون و زخمی هست

این بزرگترین زندان خون ریز زمین

با بلند ترین و طولانی ترین دیوار

دارای سوراخ هایی...

به نام چک پوینت

که مردمی تحت ستم ... هر روز

از لابلای سر نیزه ها ...

باید از آن سوراخ ها

سر کار و مدرسه بروند

بی تفاوت بودن ... ساکت و بی طرف بودن

اجازه به رشد این فاجعه است

و... بی عدالتی

گسترش می یابد

در تمام زمین!

ما نیازمند انفجار آتشفشان های همزمان

سرخ و سیال و مذاب

که جاری گردند و پایان بدهند

به هستی صهیونیست های ضد مردم

بر روی زمین

در پس کلمه سامی

چه ها که نمی کنند ... در جایی که

صهیونیست ها... دیگر نیستند سامی

آنان... از نژادهای سفید اروپائی

ضد زحمتکشان و مردمان فقیر

ضد اعراب... و سامیان واقعی

و تمام نژاد های دگر

زشت ترین زن تاریخ بر روی زمین

صهیونیست بی ماسک و مونث

گلدایر...

نخست وزیر اسرائیل 1969

اعلان کرد... با صدای بلند

بکشید همه را

عرب ها... بدتر از حیوان اند...

در جایی که...

کشتن حیوانات... نیز

به گمان عده ای... جنایت محض است

وقتی که چرچیل امپریالیست ... می گفت
ایجاد یک ملت...

نیاز به چندین نسل زمان دارد
او اشاره به وقفه ...

بین... قتل عام ها می کرد
پیشرفت آرام!

اگر تنودور هرتصل
می دید که نفرت انگیز ترین کشور
بر اساس فکر احمقانه او
یک قرن ...

به خاک و خون کشیده...

یک ملت را

و همچنین ... پرورانیده جماعتی

حامی جنایت... تحت یک پرچم

تز صهیونیستم را

در 1896 می سوزاند

و از تمام جهودان می خواست که همگی

فورا ترک کنند ... فلسطین را

و به فراموشی به سپارند برای ابد

نام اسرائیل ... سر زمین مسخره را

جهودیت... دین است

مارکس: دین افیون توده هاست

زمان ایستادن

در مقابل تمام این تازیانه هاست

وین مارس 2009

ترجمه از اصل شعر به زبان انگلیسی ، در کتاب شعر 6

جهودان غیر جهودان را با کنایه گویم می خوانند.

(اصطلاحی نه چندان مطبوع)

خط قرمز

تقدیم به تمام پیشروها در فلسطین اشغالی

نوریت عزیز!

فلسطین... نامیست فنا ناپذیر... و ابدی

که با خون جهنده...

از رگ میلیون ها فلسطینی

در شب ها و روزهای پیوسته ...

نزدیک به صد سال

بر سینه دردمند سرزمین فلسطین

نوشته شده

و تاریخ... همه را مستند ... بخاطر دارد

تو... از بخش شرارت بار اشغالی آمده ای

تو... از خانه هایی ساخته

بر ویرانه های... خانه های دگران

ساخته ... بر خاک خون آلود انسان

ساخته ...

بر گور آرزوهای کودکان

و تو...

با اشغال و سکونت ... در آنجا

پذیرفته ای... همه را

رسمیت داده ای ...

به نفرات انگیز ترین کشتارها

و اشغال ...

حال آمده ای اینجا...

تا در مورد نژاد پرستی صهیونیست ها ...

برای ما سخن رانی؟!!

براستی...

چیزی وجدان تو را... نمی آزارد؟

زندگی ... در سر زمینی غیر قانونی

زندگی ... در خانه هایی غیر قانونی

براستی تو در آنجا...

احساس وطن داری؟!!

مگر می توان ... با قتل و کشتار ... و اشغال

صاحب هویت ملی شد؟!!

نه...

هرگز ... پذیرفته نخواهد شد.

هویت... اشغالیست!

و اشغالی... تا ابد ... باقی

بعد از آن همه... کشتار

حال ... آمدنت و چرخاندن نورافکن

بر مشکلات جانبی...

برای شکست سکوت...

و به سایه بردن...

جنایت های صهیونیست؟

که مایه نگون بختی همه اند!

تو در آنجا... آرامی ؟

صلحی که تو می خواهی

پذیرش لینچ است با لبخند!

پذیرش شمشیر بر گردن لخت!

این نطق ... بخشی از همان توطئه است

ایجاد آرامش... بعد از کشتار

و تو ... جاده صاف کنی

برای گام های بعدی اشغال!

نه... هرگز

پذیرفته نخواهد شد!

ما برای ورود به هر کشور

نیازمند ویزا...

و برای کار ... اجازه اقامت و کار

آیا تو ... این ها... همه را داری؟

یا از متولدین بعد از اشغالی !

فرقی نمی کند...

خط قرمز...

27 دسامبر 2008

بوده

زندگی بعد از آن ... در خاک فلسطین

مهر تایید است ... و یک آری

به اشغال و قتل عام های بی پایان

بعد از کشتار دسامبر ...

مضحک ترین چیز

سخنرانی در مورد نژاد پرستی

در تعلیم و تربیت ... آنجاست

اگر چه ... که جهان در انتخابات اخیر

شاهد رأی اکثریت اشغالی ها...

به صهیونیست ها بوده!

باید قوانین مرزها... محترم شمرده شوند

آیا با تجاوز و کشتار و اشغال

می توان صاحب هویت ملی شد؟! !

به مناطق اشغالی باز نگرد

بی ویزا...

پا بر سرزمین فلسطین... مگذار

و هرگز قبول نکن

که یک اشغالگر باشی

وین آپریل 2009

ترجمه از اصل انگلیسی در کتاب 6

چهار ماه بعد از قتل عام مردم غزه، در دسامبر 2008 ،

در ماه آپریل 2009 ، در وین ، از عده ای برای یک سخنرانی دعوتی به عمل آمد. قرار بود خانم نوریت از اسرائیل، در مورد نژاد پرستی در تعلیم و تربیت در آنجا ، سخنران جلسه باشد.

اصل این شعر به انگلیسی سروده و قبل از سخنرانی، به او و شرکت کنندگان در جلسه داده شد.

فرش سرخابی

نگاه کنید و ببینید

که چه سان... تاریخ تکرار و

چگونه ... برای هزارمین بار

قتل عام ملتی ... تأیید می شود

نگاه کنید که چه سان

صهیونیست ها... و حامیان شان...

بعد از قتل عام ملتی

از وحشت و... خشم توده های جهان

به دامن هم پیمانان خود... پناه می برند و

دست هم می گیرند... که سر نخورند

فرش سرخابی

رنگ شال و شنل مخمل است... در واتیکان

که امروز ... در فرودگاه تل آویو

پای بوس

پاپ بنه دیکت شانزده ام... شده است

تا مددی... برای گذر

از بلای خشم توده های جهان
بعد از قتل عام دسامبر 2008 غزه
و در پس ... منع جهود ستیزی او
تبه کاران صهیونیست بتوانند
برای... کشتار بعدی آماده شوند

فرش سرخابی
بر روی دلمه های خون...
درشخت سال گذشته
بر روی برگ برگ دردمند تاریخ ...
گسترانیده شده

فرش سرخابی...
نشان از ... ترس اسرائیل
از عصیان توده های جهان
گرنش رذیلانه صهیونیست ها
و پناه اشان ... از وحشت
به کلیسای کاتولیک... شده است

ببینید تکرار بزرگداشت هولوکاست...
و پناه به جهود ستیزی یشان
که بعد از شصت سال... از جنگ جهانی دو
دوباره مظلوم نمایی

شده راه فرار... از انتقام جهانیشان

ای توده های زحمت و کار جهان

ببینید ... به چشم خویش

این فرش سرخابی

نشان وحشت آنان

از یورش و... خشم انتقام شماست

این اتحاد شان...

این پیوند و همسویی شان

هموار کردن راه

برای قتل عام های بعدی ست

و پیوندشان...

برای بی خانمان کردن

و قتل و غارت توده های شماست

نگاه کنید

با اینکه پاپ به تل آویو آمده است ...

می ترسد و قناعت می کند... در سخن گفتن

و سخت محتاط است

او نیز ... در هراس است

از عواقب گفتار خویش ...

و انتقام شما

ای سرافراز و متکی... به کار و بازویت
ای سرافراز و متکی
به فکر توانمند و... خلاقت
آرایش و یارگیری... در نظام جهان
روشن است و بس عریان
سیاستشان برای استعمار
فرقی نکرده است
از قتل عام اخیر غزه...
روشن است... طرح فتنه هایشان
ادامه... آتش جنگ دیگری در شرق
هزاران هزار کودک را
بی خانمان... گریان و آواره
رها کرده اند... در اعماق سیاهی و درد
قرن هاست در نعمت...
امپراتوری جهان سرمایه
ناگزیر از جنگ است
برای حفظ این نظام فرو مایه
بوده سهم زحمتکشانش فقط
تغییر شکل و شیوه درد...

درد متغیر است ...

ز روزی به روز دگر

ای سرافراز و متکی...

به فکر... کار و بازویت

اتحاد است همواره ... اهرم قدرت

متحد شو... بپا خیز و امان مده

به جهان خواران بی مایه

و تمام امپراتوران سرمایه

کی شود... که در اتحاد و ره یابی

گسترانیم بر مزار امپریالیسم...

و کل نظام سرمایه

قطعاتی ز فرش سرخابی

وین آپریل 2009

بهار وحدت ما

بهار این جاست...

باید از نو سبز شد

باید از نو جوانه زد...

روئید

باید از نو ایستاد و همت کرد

شکوفا شد...

مقصد... معبد عشق

نور و بلور

اسب منتظر است

باید به مسیر جاری آب... به زلالی

و ... به پاکی اندیشید

بعد از هر زلزله

بستر رود... بهم می ریزد

فرو می شکند

آب در هزار جوی جدا... جدا

منشعب است...

آه... آب دارد ... پایمال می گردد

بستر رود را... باید ساخت

زمین... در حسرت رودی پر خروش

تا... خودِ خودِ دریاست

باید از جدایی ها ... سخت برید

خشک سالی در پیش است

خشک سالی...

این جویبارها... همگی جدا جدا

کم قدرت و تنها

آه... تنها

در گردش دوار به دور خود

سخت بازنده...

و این همه ...آمال و آرزوها

نشکفته...

پرپر گشته

کو... کجاییم ما

تا آبیاری این زمین تشنه...

سوخته...

و این روز های ...

بی خورشید اتحادمان

هزار تالالوء عشق

درخشان خواهد شد

تنها در بلور یک قندیل

از... کثرت هفت رنگ

از نور سپید و شفافِ وحدت ما

آن شکوه ... ما گشتن

از من من... بگسستن

و بهم پیوستن

وبه آفتاب و عشق

و به خوشبختی و پیروزی

اندیشیدن

آه... بهار وحدت ما

یک رویاست؟

یا در راه؟

یا اینجا؟

بهار از درون می روید

باید از نو جوانه زد روئید

باید از نو زیرو رو شد...

باید با امید و وحدت ... سبز شد... دگرگون شد

شور شد... عاشقانه شیدا شد

این بهار باید... از بهار های دیگر

برای تحول مان... پر بارتر بشود

بیاد آر...

زمستانی که گذشت

چه سان ...

درد... از پوست و گوشت گذشت

و خانگی... در استخوان ها شد

ویرانمان کرد ... و برید امانمان

حال دوباره ... بهار در راه است

خود را ...

از حصار بسته من ... رها کردن

و به ما ... اندیشیدن

از پل وصل بگذشتن

و به هم پیوستن

سم است ... تنهایی

تنهایی ... تاریکی ست

حسرت و ناکامی ست

باید به امید ...

و به فرداها

به شکوه دشت ما ... اندیشید

اتحاد ما ...

ره به سوی نور است ... پیروزی ست

رهایی از ستم ... قتل ... زندان

فقر و نابسامانی ست

من و تو ...

نه به خاطر تفاوت

در دیدگاه سیاسی ... و اندیشه امان

چه بسا ... به خاطر

شکستن بلورنازک حرمت هم ...

با سنگ شقاوت برتر من ...

و بی حرمتی به هم... تنهائیم

برخیز...

بهار وحدت ما این جاست

بر خیز...

تا به دشت پر شکوه ما ... گام نهیم

و غرق... در عطر امید شویم

که مملو از... شکوفه های رشد و

ترقی و پویش

بر خیز... تا بجای تکیه به غیر

خود... به پای خویش شویم

فردای ما...

بهتر از امروز من است

پیوند ها... باید خالصانه شوند

حفظ حرمت هم...

کلید رمز پیروزی ست

بهار وحدت ما این جاست

نسیم و عطر...

حریر آفتاب... این جاست

بر خیز که ما شویم

اسب منتظر است

وین... آپریل 2009

کولی می رقص

روز جشن کولی ها در وین
روز به خاک و خون کشاندن
تظاهرات در تهران
توسط تازه بسیجی های
روستایی

جنایت در جنایت بود

وقتی...

از پوست و گوشت و رگ... تازه دریده

جهنده خون گرمی...

نقش می زد سرخ

بر دستان جوان روستایی

هفده ... تا بیست

تحت فریب

چکانده ماشه را

بر تن یک هموطن... یک انسان

آه ...

جوان معترض زخمی

او فقط ...

در حسرت یک سینه...

هوای صاف آزادی

شد ربوده ... از میان کاروان

از میادین ... خیابان های تهران

کنون تنهای تنها...

در میان زخم و سوز دشنه ها

در جمع جوانان

روستایی... تازه بسیجی

گرفتار...

در تنیده تارهای عنکبوت حجتیه

و... نیرنگ استعمار

نه پایانی ...

که خود آغاز نیرنگ است...

آلودن به خونِ مردمانِ معترض

و بی سلاح

دست پاک دانه کاران

روستایی های جوان

آه...

بر کدامین سو ...

به گریم من

بر کدامین کشته و

کدامین انتها

مرگ فرزندان شهری

در ... بی پناهی ... دخمه ها

یا ...

بر آوار سیاه و سهمگین... این جنایت ها

به دست... تازه بسیجی

روستایی ها

گرفتار...

در دام فریب و فتنه و نیرنگ استعمار؟

کولی ست که می رقصد
کولی ست که می گرید
کولی ست که....
می زند بر گور
می خراشد روی
فریاد داغ دارش... جان خراش
از میان ریتم های وحشی گیتار
بر کدامین سو.... بگریم من
مرگ زخمی ها
یا... مرگ روستایی های جوان

ای هزاران مرگ
بر استعمار و ملا و ... تمام فتنه ها...

وین 26 سپتامبر 2009 - 1388

از خلیج فارس تا به ارس

سیه سال ها... گذشته ز سی
جهان در شگفت

ز خیزش...

ز اوج شهامت در این
به جان آمده پارسی

به پا خاسته ...

با تمامی جان

علیه ستم...

خروشان و خشمگین ...

چو آتشفشان

شکسته سکوت...

اوج فریاد او...

جهانی برانگیخته... به همراه او

به مسلخ آمده ..

با عشق... خورشید وار

دستانش تهی ست

لیک ایستاده او ... کوه وار

چه تاریک و سهمگین است... مسیر عبور

لیک ... او صبور

هزاران هزار زخم... بر روی زخم
کنون... خشم توفنده... انفجار
بی باک و غم

بسیجی... سپاهی... مسلح
ز بام و خیابان
زند قلب و سینه
چه در کوچه... خانه... خیابان و زندان

چه آزار و قتل ها... در سوله ها
چه جمع به خون خفته... در گور ها

آه...
گورهای عاشقان...
همه بی نشان
کجای جهان
این همه لاله روییده...
چو در خاوران

ترورها و قتل ها... به زنجیره ها
غمان تا ابد...
امان دشنه ها

کجا... کی...
کی بریده... زبان نماینده کارگر

کجا رانت خواری ... بسوزانده
ریشه کارگر

کجا ... خوابگاه دانش پژوه
شده قتلگاه
کجا ... خانه امن فرزند ملتی... شده پرتگاه
کجا ثروت ملتی...
این چنین ... تاراج شد
کجا عزت ملتی... این چنین
زبان بسته... آماج شد
که کشتار مردم ... شد آزاد و
بی داد رسی؟!

آه ...
ای عاشق بی نظیر عدالت بگو؟
به غیر از تو...
از این ظلم و بی داد
از این سرب داغ و گلوله
در گلوگاه فریاد...
شکوه بر که برم؟

ای عاشقان مردم وتوده ... خلق و رنجبر
دراوج توفان
ای خورشید تابان ...
زالال زلال زلال... تا خود بی نهایت

یاور زحمتکشان...کودکان و زنان

قدرت چپ

ای قدرت بیکران و... باور حق انسان

بری از منییت

ای پویای پاینده... همچو کار

به کردار و اندیشه...

چون چشمه سار

اتحاد تو... نیاز امروز مردم

و زیباست

چون... طلوع زرین خورشید

نشسته به خون

در امواج توفان و دریاست

نگاه کن...

این دلاور... که ایستاده...

سراسر تنش جای دشنه

میان... تیر و ساتور و سوله

و... یورش عنقریب گرگان بی تاب

برای غصب غنایم

این صبور...

این سربلند... ملت ماست

که بر پا شده...

لیک... تنهای تنهاست

ای همه شورو عشق و درایت

ای همه ملک ایران سرایت
به جبر زمان ... و به بانگ جرس
یکی شو... یکی شو
از خلیج فارس... تا به خونین ارس
یکی شو... یکی شو
تا نیافتاده از پای...
این ملت قهرمان

به دادش برس

به دادش برس

وین...اوت 2009

امواج هیاهو

من... به کودکی می اندیشم

که فقر... با قساوت و تیپا

او را ... از خانه بیرون رانده

و در را محکم...

به روی او بسته

و او را در خیابان... بی حامی

بر تلاتم امواج هیاهو...

و خشونتِ شهر

برای یافتنِ لقمه نان

با ضربه های توهین و تحقیر مدام

از این سو...

به آن سو ...

پرتاب و رها کرده

من به کودکی می اندیشم...

که مهر بر لب ... در خیابان های تهران

پیکرش چه نحیف و... چه کوچک

ابزار شهوت او باش است...

و دست به دست می گردد

من ... به کودکی می اندیشم

که از تلخی فقر و درد و سرما...

و تحقیر مدام... به جان آمده است

و نمی داند... که چرا باید

زیر بار این همه رنج ...

مدفون گردد

و تفاوتش ...

با کودکان نازدانه دیگر...

که غرق در نعمت بی پایانند...

در چیست؟

من به کودکی می اندیشم ...

که کراهِت تحمیلی... بر چهره زندگیش

مدام... می ترساند او را

و قلب کوچکش...

بشدت بر جدار سینه می کوبد

و می خواهد از وحشت...

در گلو فریاد شود

ولی لب هایش را...

هیولای زشت و وحشتناک...

زورسرمایه ... دوخته است

من دیگر به جان آمده ام ...

و واژه تبعیض را

برای این کوه رنج و... این همه فاصله

هرگز کافی نمی دانم

من به کودکی می اندیشم

که در دریای تلخی ها... دارد جان می بازد

و رهگذرانی با نگاهی مغموم

بر پرپر زدن و تلاش او...

در نجات از غرق شدن

سنگین ... خسته و سلانه

بی کلامی... آرام می گذرند

وین... جولای 2012

ریزش معدن

کارگری...

در اعماق سیاه معدن

با فریاد وحشت زده اش ...

دگر کارگران را

از ریزش معدن...

با خبر می سازد

حال جمعی ...

در وحشت و اضطراب مرگ

در تاریکی ...

به امید کمک ... نور و هوا ...

آب و غذا...

منتظرند...

این معدن ... چند سالیست

که خصوصی شده است

و در بالا ...

صاحب معدن... در معدن را می بند

و این... صدای اطلاع رسانی ست...

که می گوید

معدن تعطیل است

و صدایی... بس ناهنجار تر

از سوی دگر ...

دستگیرش بکنید

آن که بود ... که گفت...

زیر آوارند کارگران

فریاد زنان... مادران و فرزندان

همگی پوچ و هواست...

و هرگز کاری نیست

و تأثیرش بر ربات های سرمایه... ناممکن

آنان... با چوب و تشر... همه رامی راندند

سلطه سیاه سکوت

در بالا... و در اطراف معدن

حال کارگران...

ای فریاد... مرگ ما... در معدن

چه ... سهل و آسان

ما... چون محو اعدادی... از تخته سیاه

این بود در سرای ایران ... ارزش ما

آن بالا... روی زمین

از آغاز کودکی... تا به کنون...

نبوده زندگی برایمان جز حسرت

و حال در اینجا ... در اعماق زمین...

و کنون در پایان ...

ما همواره...

در ظلمت بی پایانیم

آیا... ما نیز انسانیم؟

نور کجاست... یار کجاست

همت انسانی و پرشور کجاست

تیر 1392 وین جولای 2013

ای ملت ایران

ای آتشفشان... ای ملت ایران
خیز بردار و به جوش آی
اوج گیر... از زمین تا آسمان
فرود آی....

با تمام خشم ... روان شو
و بسوزان...
ریشه هر فتنه و تزویر
محو کن ... ای آتش فشان
چاکران و عبد استعمار
بسوزان ...
ردای فتنه ها... عبا... عمامه
پاره کن زنجیر...

محو کن معدن دوز و کلک
از سیه بازان استعمار
ز فیضیه بگیر...

صدور بی شمار مغز خواران ...

انگل ها... نوکران اجنبی

کارشان...

غارت نان ... از سفره ایران

با بردن فرمان... از جهانخواران

تنیده تارهای عنکبوت

در جای جای مغز و اندیشه

می رسد فرمان فتنه

از فراموشخانه ها...

فزون تر گر شود... بهتر

در هر گذر...

هر کوره راه ... و ده

امام زاده...

امام زاده ...

امام زاده

ای خروشان آتش زاینده

تو... ای ملت ایران

قدرت در اتحاد است

دست هم گیر و بپا شو

پوسیدند ... مردان و زنان

در اسیری... به زندان ها

ملایان... ریختند... خون دلیران

پر شد چاله ها ...

از کشته ها... در گور جمعی

دست بسته... جوانان غرق

در لجنزار برکه ها... باتلاق ها

گذشته قرن... از نیم...

هنوز ... انگل ها

هم چنان سخت... چسبیده

به جان و مال ملت ایران

چه می خواهد دگر...

ملای خون آشام استعمار...

ز جان خسته ملت؟

وین... اکتبر 2013

قدرت زنان

کودکان عروس

او دارد می ترسد
صدای التماسش را گوش کنید
زنگ فریاد کودکانه اش
سکوت شیشه ای شب را... می شکند
گوش کنید

نه... نه...
حاج آقا... نه ... نه
ملای بی شرم و بد هیبت...
به تن کوچک و ظریف او
حمله ور است

گوش کنید ...
دارد مادرش را می خواند
وای مامان ... وای مامان....
سوختم... سوختم

به دادم برس

دارد جیغ می زند...

صدای تیز کودکانه اش

می شکافد... چون تیغی قلبم انسان را

آه...

این کوچه چه تاریک است

این دوروبرا نیست کس جز من

و چقدر... چقدر تنه‌ایم

انعکاس فریادش...

در جان ملتهب ام

اضطراب کشنده ای را ... دامن زده است

بشکنم در را ...

بشکنم شیشه پنجره را...

سنگ ... آجر...

اینجا هیچ چیز... پیدا نمی شود

و کفشم بی پاشنه است

صدایش دارد ...

کم کم خاموش می گردد

او دارد...

می سپارد جان
حال دیگر...سیاهی و سیاهی
و چه مطلق است سکوت

من و سرما...
من و تنهایی...
من و اینهمه درد
که می سوزاند... مغز استخوانم را
کاش می شد فریادی بزنم
که تمامی چراغ های زمین
یک باره...

روشن گردند
و همه ... به این کوچه تاریک...
حمله کنند

و این دختر خردسال را...
از خلوت ملای بی شرم
... بیرون بکشیم

و تمام خانه ها را...
بر سرتمام ملایان جهان...
ویران بکنیم

فردا...

در قطعه کودکان عروس
در تمام گورستان های ایران عبوس
بر سنگ قبرهای کوچکشان
نوشته خواهد شد
نو عروس شش ساله
نو عروس هشت ساله
نو عروس ده ساله

و حمل آرام تابوت های سیاه
بر دوش همگان
از شرف و غیرت و آبرویی انسانی
که به تازگی...

مرده است در ایران

وین فوریه 2013 ... 1392 بهمن

فتوای برانداز

بر فتوای بردگی جنسیت ...

و جنازه کودکی

های های گریستم

فتوای عروسیت... با پدر خوانده

نه ملتی... که جهانی را

به داغ و حیرت نشانده است

ای دورد... دردهای عالم

که تنها شاهد عروسیت...

عروسکت

در کدامین زاغه... زاده شدی

و هیولای کدامین مصیبت...

ربود مادرت

و زیر کدامین کوه رنج ...

دفن شد پدرت

که دیروز این چنین تنها...

در مسلخ فراموشخانه انگلیس...

در ایران

عنکبوتان عجوزه...

و بچه باز شورای نگهبان

با قساوت تام

حق انسانی تو را...

این چنین سلاخی کردند

و دولت امیدهای عبث حسن روحانی

بجای خنجر... آهی کشید و

سپس...

در عباى فرصت طلبی

پنهان کرد خود را

و فرو رفت در سکوت رضا

تنها بردگی جنسی دخترکان نه...

که در عقد پدر خواندگان

بردگی جنسی پسرکان نیز...

در همان فتوای عجزگان

مستتر شده است

اوج وقاحت را ببینید ...

شکستن حریم و حرمت انسان

طرح سوالی... با بی شرمی تام

در مجلس منفور حرامیان منتصب

و جوابی...

بس... ننگین تر

آری...

مشروط به رأی دادگاه

منظور همان ...

دادگاه های فاسد و قلابی...

که توصیه پذیر از ملایان بچه باز!

این فتوا...

ننگ آور و فاجعه است

که شورای نگهبان منافع انگلیس در ایران

رای بردگی جنسی تو را ...

صادر کرد

ای کودک سیه روز و بی کس ایرانی

ای کودک یتیم ایرانی

وین اکتبر 2013

مهر 1392

ملای انگلیسی

ملای بی غیرت و بی کفایت

انگل بی مصرف و بی درایت

ناخلف دزد و کلک... حقه باز

بی آبرو... بی وجدان

بچه باز

شرم نکردی ز تجاوز...

به اسیران زندان ...

حال ... دست درازت ... رسیده

به حیطة کودکان؟

از قرن هفدهم ... شدی نوکرانگلیسی

مراد تو...مکتب تو

تمامن...

بنیادش پوفیوزی

شیون و زنجیر و قمه...

نوحه ... در مراحل

سینه زنی... علم وکتل... هیأت ارادل

انقلاب ها ... رشد ملل ...

ایران و ملا...

پنجه آهنین انگلیس... از تو عبات

همیشه بر سرما

مانع... ارتقاء ملت ما

محرم و سینه زنات ... غرق در سیاهی

انگلیس را ... پر سود ترین سپاهی

ام الفساد... مدرسه فیضیه ات

بچه بازی ... لوات

صیغه... زنا...

فهرست درسیت

دغل و دروغ ... دریده گیت بیکران

دزد طلاهای ته چمکران

نوکر رشوه خوار و بی لیاقت

نکنه که خواب نما شدی ... ذاتت جهالت

همه می دونن... لندن قبله گاهت

غارت ... دزدی و جنایت... لیست کارت

با وجود چاقوکشات...

و ... لشگر لات و لوتات

موش شدی موش شدی ...

آخر هارت و پورتات

حجت و آیت های حاکم ما

هستند... و بوده اند

دشمن ملت و... فرهنگ ما

اگر بگی درد کمه

درد بی درمونم کمه...

اینا شدن...

وسیله اسارت و ننگ ما

سرخى برخاسته در آسمان

منعكس از... خشم و خروش زنان

داغ سرخ لاله ها در خاوران

تموم می شه ... روز سیاه ایران

ما زنها... حسابتو می رسیم... حسابتو می رسیم

وین... نوامبر 2013

مادرانه جنگیدن

از سی و چهار سال پیش

تا به کنون...

مقر حکمرانی در ایران

به گورستان... منتقل شده است

نه گورستان هم سطح زمین...

هزارن لایه پایین تر

باید چاره ای بیاندیشیم

بساط شارلاتان های استعماری

با عبا و عمامه...

لازم است ...

که هر چه زودتر ...

واژگون گردد

وگر نه... لاشه افکار گندیده

جهانی را آلوده

و... زار و بیمار خواهد کرد

لازم است که حاکمان...

و مقر حاکمیتشان... یک جا دفن شوند

و سراسر گورستان

برای ضد عفونی

عمیقن... سوزانده شود

باید مادرانه جنگیدن را...

بیاموزیم

مادران ...

در دفاع... از فرزندان

نمی شناسند هرگز... ترس و هراس

باید خلوص و عشق را

از مادران بیاموزیم

باید شجاعت را

از مادران بیاموزیم

جنگ با... نوکران استعمار

این بار مادرانه خواهد بود

وین نوامبر 2013

سید علی

با ریتم شش هشت

سید علی... سید علی

سید علی قیافه نگیر

تو هیچی نیستی

عباتو... عباتو باد نده و ... باد نده

در صدر لیستی

لطف زلزله آوار...

وجودت مظهر آزار

تویی تو... دشمن ایران

کارت غارت پنهان

انگلیس... انگلیس ...

انگلیس بانی حيله

پای سودش بیاد... می کنه پيله

زهر خالیه با ادویه...

نوکرانشون تو حجتیه

باشد که ولایتی ماهر ...

سی سال جہنمی مشاور

کلاف حیلہ ها... از ہم دریدہ

وقت اجلش فرا رسید

پنج برادر و ن لاریجانی ...

سوارہ کشتی وداع با... دارہ فانی

ملا ملا ملا ... آدم نہ...ھیولا

رشدش سرطانی ...

فکرش عہد بوقی عوضی...

چارہ اش ... غرضی

گر چہ کہ دانی

دشمنی کردید با کارگران ...

دشمنی کردید با برزگران

دشمنی کردید... با دانشجویان و زنان

رسیدہ سم تون حالا ...

بہ مدرسہ ها ... و کودکان

دیگہ تمومہ کا رتون...

شدہ پایان عمر تون

کلافه اس مجتبی فکر فراره ...

رنگش پریده و چه بی قراره

رسیده اتوبوس... ایستگاه آخر

پیاده دومین ناکام...

ولی یه عهد سید عل

پس ... برخیز... برخیز

مجلس حرامیان بچه بازو

معطلش نکن... به توپ ببندش

شورای عجوزگان بچه بازو ...

بی معطلی...

به توپ ببندش

تشخیص مصلحت...

بی مصلحت ... توپ

مرغ... پر... بسته شدیم...

خسته شدیم

چقدر بگیم ... چقدر بگیم...

نه شاه می خوایم نه ملا ...

نه طاعون و... نه وبا

رژیمش سر نگون ملا ...

روزشاهیش تموم ملا

بعد از سی و پنج سال...

باز رسیدیم ... سر کوچه اول

استقلال و آزادی عیدی ماست

همراه با رهایی از

نون و ماست

جام... حوصله ... لبریزه دیگه

گذشته است زجان... داره می که

می شکنم ... و می شکنم...

گردن ملا می شکنم

دست نزنید به بچه ها ...

دست دراز و می شکنم

وین نوامبر 2013 - 1392 بهمن

نوکران استعمار

در ماه محرم...

ایام انتخابی استعمار

برای مسخ تو...

که ملایان تحمیق را...

با شور عزای حسینی

این اهرم استعمار

این واقعه هزار و چهار صد ساله

برای کشاندن به خیابان و

خود زنی ... آغاز می کردند

تو...

به راحتی فریب خورده...

با دست ها و ... با زنجیر

بر سر و سینه می زد

و گاهی با قمه از سر...

خون جاری می کردی

استعمار... راضی و شاد

می خندید ... و می گفت

خواب است هنوز

نگذارید... که بیدار شود

و ملایان...

با دهن های کف کرده

از مصیبت های رفته...

در کربوبلا می گفتند

و شارلاتان های... مهر بر پیشانی

طرح غارت خزانہ را

زیر نقاب های مذهب و... ظهور مهدی

پیاده می کردند

و با رانت و قاچاق ...

از دروازه های پنهان... و بی گمرک

تولیدات داخلی را... نابود می کردند

با فروش ارزان ... واردات بی گمرک

کم کم...تولیدات داخلی

روی دستت ماند

کارگاه ها و کارخانه هایت...

یکی بعد از دیگری بسته شدند

و کارگران بیکار و گرسنه

فرزندان کارگران... بجای درس و مدرسه

کودکان کار... و خیابانی...

و دست به دست... مورد تجاوز اوباش

زنان خانه دارت ... به تن فروشی

برای لقمه نان...

و سن دخترانت در فحشا...

با سفلیس گلو... به ده سال رسید

با واردات بی رویه گندم ...

چای و برنج و... غیره

ماند... روی دست کشاورز ایرانی

حاصل یک سال کار و زحمت او...

کرم گذاشت ... برنج

عطر و رنگ باخت... چای درانبار

شکست کمر زن شالیکار ...

با پاها ... تا زانو ... در آب

و ... بچه ...

بی دارو مرد ... روی دستانش

خوابت به درازا کشیده است

بر خیز ...

کار استعمار ... تحمیق ملل است

تحمیق ملل ... از جنگ ارزانتر

و برای استعمار ... پر سود تر است

بی خرج و مخارج ...

و تلفات سرباز

مثل کرم گذاشتن سیب

قبل از رسیدن ... به بازار

ملایان ... نوکران جیره خوار استعماراند ...

گوش به فرمانِ مرادشان

از لندن

و سخت ... مجری فرمانند

استعمار... هر روز از روز پیش ...

آزمند تراست

و طرح می کند برای تحمیق ...

نقشه های گسترده

برای منبر و مسجد...

برای مدرسه ... تا دانشگاه

و برای رسانه های جمعی

حال استعمار...

طرح تحمیق را... به مهد کودک

و شیر خوارگاه ها کشانده است

و نرخ بی سوادی را هر روز ...

با ترفندی... می کشد بالا تر

استعمار گران... شاد و راضی هستند

از اجرای برنامه تحمیق... توسط ملایان

از این رو... همگی

حامی ماندگاری ملایان

ایران شده...

الگوی زوال کشورهای جنوب

و... تحقیق توده های جهان

حال بیدار شو... ای خواب زده

با خواب هزارساله اسلامی ...

تو... مغلوب جنگ نرم شدی

قرض از بانک جهانی...

سر آغاز بردگی ست

بیدار شو... به خود آی ...

تا نشده دو روز عمرت سپری

برخیز و پس گیر ...

اموال غارت شده ات...

از ملایان انگلیس

و خود را برهان

از این کلاف هزار سر خفت

وین نوامبر 2013

قدرت زنان

ریتیم بی نظیر و تند...

شیپورها و طبل ها

همراه با ... زیباترین ملودی آرشه ها

از راه رسیده است اکنون... بهار ما

چه سرشار از حیات و...

پر نشاط است... قدرت زنان

قیام زنان و مردان...

پسران... و دختران

علیه امپریالیست های جهانخوار و

تمام نوکرانشان ... شاهان و ملایان

عدالت اجتماعی ...

آزادی های فردی... اجتماعی... سیاسی

از ستون های محوری

علیه جنگ و ترور... و فتنه ها

علیه ... اتمی و شیمیایی ...

تمامی بمب ها

علیه شکنجه ... اعدام ... و زندان

علیه حاکمیت های جهل و جنایت

مذهبی ... یا غیر مذهبی ...

استعماری ...

غارتگر و قاتل ... و نوکران اجنبی

قیام جهانی انسان ...

در دفاع از مرام و ... اصول انسانی

احترام ... به شأن و به حرمت انسان

و دفاع از ... حقوق مسلم انسان

این است قیام انسان ...

عصر دیجیتال و نت

می خیزد ...

آشفشان جهانی قدرت زنان

در اقیانوسی از ...

مبارزات امروزی جهان

وین دسامبر 2013 - دی 1392

روز آتش سیاه

خواهد آمد... روز آزادی ما

خواهد آمد... روز آتش سیاه

همه با هم ... خواهیم خواند

سرود ... روز آتش سیاه

روز آتش سیاه ...

روز آزادی ما

در آسمان ایران

می گشاید چتر خود ...

دود چادرهایمان

و ... دود رنج های سیاه

دوران ظلمت گذشت

تیره فکری ... بی برگشت

ما زنان و دختران ...

همه بودیم تیره روز

گرچه مردان... جوانان و کودکان

حتا... بیشتر سیه روز

داغ دشمنی با ما ...

سوزاند دل و جان ما

می خیزد به آسمان ...

روز آتش سیاه

دود قفس های ما...

دود قفس سیاه

زنجیر و قفس ما ...

همراه تحقیر بود

ما ... غرق در سیاهی

افشاء بکن...

بگو بگو که برد سود

امروز اما...

در هر شهر و هر روستا

می خیزد به آسمان ...

شعله قفس ما ...

با عبا و عمامه

نقاب استعمار

عاملان سرکوب و تحمیق ما

پایان استیلای استعمار

پایان فتنه های استبداد

روز آتش سیاه

پایان تحقیر ما

وین دسامبر 2013 ... 1392

من از این جنگ...

با یاد کودکان پناهنده

و برده جنسی سوریه

در ترکیه

آه پدر... آه مادر

ما ... چه کرده بودیم؟

که تاوانش... این چنین سنگین است

و من باید... چنین

پایمال شوم

من از این جنگ...

من از این کمپ

من از... پناهنده شدن

من از مردانی... که دائم

می فروشند مرا...

بیزارم...

من از بوی تن مردانی...

که تن کوچک من...

ابزار شهوتشان...

و قادر نیستم... که از خود دفاع کنم

من از این جان و تنِ پر زخم ...

به جان آمده ام

من از این خون مدام ...

بر پیرهنم

من ... از این همه ظلم

و بیداد... و بی کسی

جان به لبم ...

به که گویم؟

من از آوار خشونت ...

من از... این گنداب و تعفن

از عمق تحقیر... به کودک

خسته ام ... بیزارم

از بی مهری ...

از گرسنگی... از سرما

من ... مثل...

بچه گربه بی خانه...

تیپا خورده... کنار دیوار

من... از این تنهایی ... و بردگی

به ستوه آمده ام

فریادم را می شنوی

بر گرد بیا مادر...

کودکان همگی... در مدرسه اند

من... با هفت سال هنوز

بی حامی...

این جا ... در معرض فروش

می پرسم...

چرا... من باید

در دنیای پراز ظلم و... وحوش

در دنیای پر عفونت و بی مهربی

این همه تنها باشم...

کافی ست سوختنم

بیا ... پدر

بیا... مرا با خودت ببر

حراج بردگان

من... وجدان خفته توام

که بیدار می شوم

من همگی... خود توام

که از درد بی تاب می شوم

من... فرو شکسته

نالاه و ... آه و...

اعتراض توام

که فریاد می شوم

من دگر... نه من... نه تن

همگی ...

شعله های عصیان تو می شوم

لیک...

در انتظار...

که تو کی...

پيله هاى وحشت خود دريده

و آزاد مى شوى؟

در سرسام ...

حراج بردگان جنسى کودک

در دايره ...

عجوزگان شوراي نگهبان...

منافع انگليس در ايران

وقعر تاريخ مردگان هزاره ها

با اضطرابى كشنده...

به دنبال پيكر كوچكى مى گردم

با دست هاى لرزان يك کودک

اگر چه...

ضربان انباشت رنجهها...

در صدايى بم... و خفه...

هورررر... هورررر

آرام مى تپد ... در سلطه سكوت

ولى نزديك شده...

به انفجار

نهراسیم ...

از هرزه اوباشان

نهراسیم... از ملایان استعمار

که ... همگی

در وحشت اند... از قدرت زنان

این طنین آوای قدرت زنان است

که از دور می رسد بگوش....

من قدرت زنان ام ...

من طپش های امید فردایم

نهراسیم از اوباشان

نهراسیم از ملایان

نهراسیم از نوکران استعمار

من آوای نجات بخش فردایم

قدرت زنان ... نیروی بالنده

پاک و پویا و... تازه نفس

گسترده ام بال...

بر عرصه تمام جهان

شجاع و پر تدبیر

صاعقه وار می زنم آتش

به جان ملایان...

و تمام نوکران و استعمار

خواهان عدالت اجتماعی ام

استقلال ... و آزادی

و نشانم...

طرح صورت یک زن

در کبوتر صلح

که بزودی خواهد نشست

به روی... هر چه پرچم است

بر روی زمین

ژانویه 2014... بهمن 1392

ناتوی تو

ترجمه از اصل انگلیسی

شعر در کتاب 8

ما ... ناتوی تو را

از کار خواهیم انداخت

ما ... توفان جنگ های تو را

یکسره مختل خواهیم کرد

و بخاطر صلح...

زرادخانه های تورا

و تجاوزهای پر آشوب ات را

کاملاً از کار خواهیم انداخت

ما ... پادشاهی تورا

ما ... آزادی های مخرب تو را

بر هم خواهیم زد

ما ... تخت سلطنت ات را

که تو آن را...

حق ابدی خود می دانی

برای همیشه واژگون خواهیم کرد

ما... هرم سلطه تو را

وبه همراه آن

حرص بی پایانت را ... یکسره

بر هم خواهیم زد

ما ... تلاش مخرب تو را

مختل خواهیم کرد

و هدایت جاری تو را...

متوقف خواهیم کرد

ما... مقاومت جاسوسانه ات را

و موجودیت مودی...

و نحس ات را

یکسره مختل خواهیم کرد

وین مارس 2014

خط خونین

هجوم بی تردید آغاز ها

دنیای شگفت انگیز رنگ ها

با انعکاس جانخراش فریاد کودکی

در لابلای هیاهوی زنگ ها

آبی تند... آبی ... سبز

گردش دایره وار زردها

نارنجی آتشین ... سرخ

حرکت پراشتهاب بنفش ها

دوان دوان...

دو پای عقربه ها

دامن کشان رسیده اند...

از آنسوی رنج ها

نفس نفس زنان ... لیک

در مدار پر امید شکنج ها

نقش بسته...

سی و پنج خط خونین... از انقلاب

بر پوست زخمی و... در حرکت زمان

پهن... و همواره پهن تر

و تکرار بی وقفه...

فریادهای زندانیان... زیر شکنجه ها

و رگبار تیر...

بعد از آخرین فریاد اعدامیان

با تنین بلند...

و هر روز بلند تر

و حال...

آغاز حسرت است و...

وحشت کورشان

پایان حکومت نکبت بار و زورشان

بی امید و آینده...

رژیم ملایان...

در سراشیبی تیره و تاریک گورشان

نه فقط در ایران ... در تمام جهان

نقش ما... مادرانه جنگیدن

از شر... واپس گرایی ...

و فساد ملایان

جهان را برای ابد رها نیدن

فوریه 2014 21 بهمن 1392

خاک میهن ما

این چیست...

که در تداوم است و پیوسته

و برخاک میهن ما جاریست؟

این چیست

که گرم و سرخ است ...

و می جوشد

پر ز موج... می خروشد

می دود در شیارها

در تمامی شهرها

در سرتاسر میهن ما؟

این چیست که حق هقی دائم

همواره بهمراهش...

و می خراشد جان؟

این جاری سرخ

و در... تلاتم دائم

این روان تپنده

خون فرزندان ایران است...

از زندان

که روان است بر هر گذر...

کوچه... خیابان

و صدایی... نه محزون

بس فراتر...

که شنیده می شود مدام...

چو حق هقی دائم

جگر سوز... استخوان سوز

ضجه های داد خواهی...

از مادران... کودکان... زنان

در سرتاسر ایران

ما ایستاده ...

فرو خورده بغض خویش

ناظران مغموم بربریت تام ملایان

و زنجیره خونین اعدام ها ...

در هر سپیده دمان

با رگبار ریشه آور پاسدارن

که می شکافد...

سینه پر عشق جوانان... مردان و زنان

باید به پا شد... خروشید

از خشم طوفان شد

باید ... که سیل آسا هجوم برد و شست

سراسر زمین ایران را

از عبا و عمامه ... و تفکر عنکبوتی ملا

باید فرود آمد ... چون برق صاعقه

و سوخت... بنیان حجر

سوخت... هرم استعمارگران

از ولایت فقیه و سلطنت

و سوخت ...

ریشه بربریت استعماری

در تمام ایران را

وین جون 2014 - خرداد 1393

عامل تغییر

باید از... در جا قدم روهای هیچ

و... تکرار بی معنای پوچ

یکجا گذشت

باید از ...

پس کوچه های تفرقه

در رسیدن ها به ... هیچ

چشم پوشید

باید از تکرار تاریخ

و ماندن ...

در فلاکت های محض

ما را... رها کرد

وقت تنگ است... تکرار مذمت

با ریشه ها... در قرن پیش

بس ملال آور ...

کسالت بار و تکراری

مانع و... سد به پیش

باید ... که جنبید...

این دور تسلسل را...

باید اندر هم شکست

غرق است... عنقریب امید

که بر که؟...

مردم ما... بر آنان؟

یا نقابداران استعمار ...

در عبا ... عمامه

بر مردم؟

باید... که یکی شد

هم پای مردم شد

و به پا خاست

همه عصیان... همه آتش

عین... رعد و برق

عین... صاعقه

همه با هم... در عمل

شد عامل تغییر...

وقت تنگ است

دارد می بازد جان ... نسل بعد

کودکان کار ... غرق اند

در بردگی

کودکان کار... در خفتِ این زندگی

وای بر ما...

در قصور از نقش خویش

وای بر ما ...

گذر از معبر تاریخ...

بی نقش ... مهر خویش

وین ژوئن 2014 ... 1393

اسید ملا

با اسید ملا...

به قعر چاه جهالت...

فرو نمی افتم

انسان قرن بیست و یک ام

با حجاب و ... خرافات تحمیلی

به ظلمات قرن یک ام...

نمی افتم

ملا ... برای ماندگاری خود

و دزدی و غارت

نیازمند عقب گرد...

و جهل و تاریکی ست

من هرگز... با حجاب و اسید

به دوران جهالت و بربریت

فرو نمی افتم

سی و شش سال... با تزریق خرافات

سعی کرد ... مرا براند

به اعماق ظلمات...

لیک افاقه نکرد

حال... با اسید کورمی کردم ...

تا ساقط کند مرا...

به اعماق ظلمات

من ... عاشق نور و امید و فردايم

با اسید استعماری ملا...

به اعماق چاه مذلت...

فرو نمی افتم

رزمندۀ قدرت زنان ام ...

در جبهۀ جهانی ضد امپریالیست

فراگیر زنان و مردان

بزرگترین نهضت مستمر جهان

علیه استعمار

اگر هزار بار هم... کورم کند

باز می بینم

که او نوکر انگلیس است
و حامی کریه... و سرسخت استعمار
باز می بینم...
که ملا هیولایی ست
بس زشت و خون آشام
که برای قتل و غارت و دزدی
نیازمند به ظلمت است و... تاریکی

ملایان... اکنون
از خیزش یکباره مردم
در انکار جرم اند و هراس
چون همگی خوب می دانند
که بزودی زود... بر گور انگلان بی سیرت
و خود فروخته گانی... چون آنان
مردم رنج دیده ایران
خواهند بود... با سرود آزادی
پای کوبان...

و همگی رقصان

وین اکتبر 2014 - 1393

عنقریه گردن ملا

با ریتم شش و هشت

پیف پیف ...

پیف پیف بو میاد و...

چه بوی گندی

جایی نیست...

ملا بره و

بو نگیره ... برای چندی

لگن روی سرش...

پر از نجاست

خطبه هاش ... نشون می ده

ناشتا...

پر خورده از اون کثافت

پر کرده لگن و... ارباب والا

ملکه انگلیس... حضرت علیا

ارسال می کنه...

هر صبح و شب...

با جت شخصی

تا که ملا بخوره و...

منبرشو بره ...

بدون ترسی

برای نوکراش...

علیا حضرت ملکه...

بی تاب و... دلش کبابه

چون که ملا...

از ترس مردم ایران

کنار منقل و وافور... وارفته

حالش خرابه

اگه ملا... به زور

دار و تفنگ و پاسداراش

زانوشو...

فشار می ده

روی گردن ملت

جلو ارباب... سالوس و

فتنه گرش

زانو می زنه و... سجده می ره

باج می ده و... خراج می ده

کم میاره... خزانه رو

دار می زنه ...

خون می ریزه

تعظیم می کنه

عقب عقب...

راه می ره ملا

از کرنش دائم... جلو علیا

براش ... کمری نمونده

شده دولا

دیگه...

نفتش تمومه چراغ ملا

طناب ... دست ملت و

عنقریبه ... گردن ملا

اکتبر 2014 ... 1393

عنكبوت هزاره ها

من از عمق فساد تو...

چه بیزارم

من از رنگ و ریا...

حقه... شارلاتان بازی

به زیر ماسک دینداری

چه بیزارم

من از شکل کلام تو...

از ریتم صدای تو

از سبک نگاه تو

چه بیزارم

من از تحمیل اوراد تبه کاری...

من از ... تحمیل استعمار...

با منطق تحمیق

من از عمامه های... مبتذل

سیاه... یا سفیدی که

به جای خاک گور...

به سرداری

چه بزارم

تو... نماد انگلی... از بدو تاریخ

تو بیگانه... با کار و شرافت

تو... فریبکار و دشمن مردم

تو... عفریت بیکاره و طماع

تو... عنکبوت هزاره ها

خزانده بالا

تو هرزه فرمان... آشوب گر

که می خواند اراند را...

به نا امنی... به شورش

که... کنند آتش... به اختیار

تو... بی ریشه در این خاکی

از تو بزارم

از کراحت های دور

از بوی مردار عبا...

از ابتذال فکر و استعمار...

از چرک و...

خون دمل های هزاران ساله

به جای مغز... زیر عمامه

چه بیزارم

چه بیزارم... از تو و ...

اربابت نخست انگلیس

محو شو... نیست شو...

نوکر و لابی استعمار

در این خطه... و بر این خاک

مارس 2014 ... اسفند 1392

لشگر جهالت

این دگر خواب نیست ...

مرده ایم و خود نمی دانیم

هرقدر تکامان می دهند...

فریاد می زنند

بیدار نمی شویم

هوا آلوده از ... خرناسه

درهای ورودی...

به ذهنمان مسدود

وما... مسخ داده ها

از منبر

غرق در... روزمرگی عادت

اندیشه برایمان دشوار

مقلد دستورهای رسیده از بالا
برده تقلید... بره ... و عروسک بالا

رسید خبر مرگ کودکان مان ...
حال دگر بیدار شویم
تکان دهیم این تن های کرخ...
و فریاد شویم

نخوریم هر تفاله

از رسانه و منبر

با لگد پرت کنیم

این ملایان ...

کوکی های امپریالیست هابند

برای حفظ قدرت هم که شده

می زنند ... هزار پشتک و وارو

از لاتاناتل حجره پسند

تا مهر زنا...

با دیدن قوزک پا

بپا خیزیم...

آتش گداخته شویم

همگی هجوم شویم

وظیفه مادران است...

دفاع از کودک

خرد کنیم هر قلم...

بسوزانیم... هر فرمان

که علیه کودکان

می شود ابلاغ

نگذاریم ملا... قدم به کوچه ها...

و خیابان ها بنهد

چه رسد... که پای او

به مدرسه ها برسد

برای شستشوی مغز کودکان ما

دو میلیون لشگر جهل را... ملا

کرده راهیه... تمام مدرسه ها

فرمان استعمار است... که برای بقا

خوردن مغز کودکان...

واجب است توسط ملا

وقت تنگ است ...

نه باید... که نشست

وظیفه مادران ست...

دفاع از کودک

به پیش... اینک جنگ

جنگ مادران است ...

با کرم مغز خوار...ملا

لخت کنیم ...

بسوزانیم عبا و عمامه

سر هر خیابان

کوچه و هر خانه

به زیر کشیم آنان را ...

در مساجد از منبر

خلع ید کنیم شان ... ازبزرگ تا کهنتر

استعمار انگلیس...

قرن ها مار خورده...

حال شده افعی

جهنم راستین را ...

در این جهان بانی

توسط ملایان...

و عده می دهد... بهشت نسیه در آن دنیا

لیک ام الفسادش ...

ملای دزد و غارتگر

نقد کرده بهشتش ...

هم در این دنیا

مارس 2015فروردین 1393

خیز خجسته

بهار آمد بنفشه... یاد ما کن

شدیم از لاله زاران...

یاد ما کن

بهار آمد بهار آمد...

بهاران

فروزان شعله ها...

در قلب یاران

بهار آمد بهار آمد... دوباره

نمی گردد فنا... شور و شراره

گذر از معبر زندان و اعدام

نه دیگرگون شدند...

رندان و فرجام

بهار و ولوله...

از شور و غوغا

نوید رویش و...

نفیر پویا

کمان هفت رنگ...

در جان عاشق

شرنگ نفرت...

از رژیم سارق

طلوع و اوج زرین بهاران

شد آخر سایه... سرد زمستان

گل و سنبل...

هزاران رنگ و پویش

خجسته خیز...

صفیر شاد شورش

وین مارس 2015 1393

می رسد از راه فرخنده

حیله و تهمت... شیون ملا

به فریادم رسید ... مردم

این زن...

توهین می کند...

بر ... قرآن

در یک آن...

بیست و پنج مرد...

کودن و... کور از تعصب

با چماق چوب... می کنند حمله

بر یک زن

می جهد خون...

بر چهره آفتاب... در نیم روز

جهان... غرق در حیرت

از دسیسه... از تعصب... از حماقت

و فرو می ریزد ... به یک باره

دیوار سکوت

و می خیزد...

انفجارِ طبل ها... یورش شیپورها

خیزش مردم ...

با تصویر فرخنده

چهره و گیسو

آلوده... به خاک و خون

نیست در چشمان او اشگی

لیک با حیرت ... بر حیلۀ ملا

بر تعصب ...

و... بربریت

چه... سهمگین است

عزم رزمش

منم فرخنده ... دخت افغان

به عزم رزم ... پرچمدار

عليه لشگر اوباش ... طالبان ... ملا

نوکران فاسد امپرياليسم...

ای مردم ...

با من اید یا نه؟

طبل ها کوبان...

پر خروش است... خشم شپیور

عزای دخت افغان نیست...

لیک...

نهضت پر شور فرخنده

منم فرخنده...

هدیه ام شور جوانی...

فدا شد زندگانی

ای مردم ...

با من اید... یا نه؟

نیست در چشمان او اشگی

لیک با نگاهش ...

می زند صد تازیانه

بر اوباش و ارادل... هر چه ملا

بر حامیان جهل...

بر ناظران خاموش... این جنایت

طبل ها کوبان

شفای رنج سال های سکوت...

کنون فریاد شیپوران

جهان با ر دگر ...

می لرزد...از عصیان

نهضت اینجاست...

مرد و زن اینجا

تصویر چهره خونین فرخنده ...

بر پرچم ها

تیرها... می گردد رها ...

از کمان هفت رنگ

میدرد... هر چه نقاب

از صورت بی صیرت

هر چه ملا... بی درنگ

طبل ها کوبان...

خون چرکین هیولا

می دود ... برمسجد و منبر

و... بر بیرق های... آمریکا

و... انگلیس

راه راه سرخ و آبی

پر ستاره... ضربدر

فرو می ریزد... اینک

قصرهای سلطه افیون

با طنین رعد...

وین ... مارس 2015

دختر اسیدی

در حصار آینه های موازی ...

و تکرار بی نهایت صورت زیبایت

که نوکران استعمار...

بخشی را... با اسید

برای تحمیل حجاب استعماری

وحشیانه ... محو کرده اند

به محو انسانیت...

در این زمانه... می اندیشم

و در تلاقی نگاه های بی نهایت

شعله های درد و رنج و عصیان است

که مکرر... فریاد می شوند

آنگاه... صداهایی نرم

که در فضا می پیچد

آرام ... کمی آهسته

مبادا شیشه باور مردم

از این انقلاب ... ترکی بر دارد!

من سراسر دیوارهای اطاقم را

آینه های بسیاری ... آویخته ام

و دگر جایی ...

بی نقش نگاه ... و چهره مظلومت

نمی بینم...

به هر سمت و سو... که می چرخم

تویی...

که با انتظار و حسرت و عصیان

با تمامی من...

فریاد می شوی

و تمامی آینه ها... که می گویند

آری ... آری زندگی زیباست

لیک... به دور یک فریاد

که خلاصه می شود... در آن

معنای راستین زندگی

فریاد اعتراض

علیه... هر چه ضد انسانی

که با غرشی وحشت آفرین

چو یورش آتشفشان... از اعماق زمین

قبل از فوران... آتش روان باشد

آهسته...

دیگر در توان این زمان... نمی گنجد

دیر شده...

بارها و بارها از خط قرمز...

گذشته اهریمن

وقت آن رسیده است که

واژه آهسته... کاملن محو شود

و در فروغ... مشعل بیداری

این نماد بلاهت عریان...

این نماد روشن استعمار

برای همیشه... از صفحه هستی محو

و محدودیت شدید اندیشه

یا... بردگی استعماری

با خرد کردن شیشه باور مردم

هر چه زودتر... فعال شود

در حصار تمام آینه ها

بخش صورت زیبای تو... که محو شده

نقش بسته بر نگاه و بر جانم ...

و تنها صدایی که می شنوم

صدای چکیدن دانه های اشک توست

که چون... صدای پتکی ...

می گوید ... بر وجدان زمان

انتقام کلمه ایست بس کم مایه تراز

بار آن روز واقعه...

باور کن

وین 8 ماه مه 2015

حزب کمونیست سراسری

اتحاد سه حزب قدیمی ایران
توده... توفان و رنجبران
اگر چه بس دشوار ...
ولی نه نا ممکن
و پیوند دیگر سازمان ها...
و احزاب جوان... با
آنان
اگر چه یک رویا...
لیک بس زیبا
نفس بر و پویا

شعف عمیق در اعضاء ...
رو به رشد بی پایان
بجای جنگ و دشمنی با هم
یار هم... در ساختن و سامان

نه که خواب ...
نه خیال ... نیست محال
با حضور در یک حزب بزرگ
پدید می آید ...
یک رود بزرگ توفند...

کارا و سترگ

در جویبارهای کم آب و... جدا جدا
آرزو ها... می مانند
فقط ... در حیطة یک رویا

در گام اول... که اتحاد
و سپس... در وحدت
پژمردگان در عزلت
افسردگان در حسرت ...
با یافتن تمامی گم کرده ها
در آغوش کشیدن ها...
اشک ها...
شادی و امید... و خورشید شکفتن ها

می دمد نیرو... بر تمامی جان ها
شکوه پیوند تمامی دست ها
از سرتاسر ایران...
این به هم رسیدن ها
از آذرآبادگان... تا بلوچستان
چاه بهار ... خارک و خرمشهر
تا خراسان... و کردستان

آنوقت ... چه کسی
ایران را...

تکه تکه خواهد کرد؟

آن گاه چه کسی از

تعویق حقوق کارگران

نه سه سال ...

فقط یک روز

سخنی خواهد راند؟

عدالت اجتماعی ...

استقلال صلح و آزادی...

همگی در راه

آن گاه چه کسی

زور و زندان ...

اعدام و شکنجه را

بر مردم ... تحمیل تواند کرد؟

وحدت ... سرچشمه قدرت

و قدرت ...

ضامن تغییر و پیروزی ست

و هرگز از یاد مبر

که پیروزی...

آفتاب تابان رشد و توسعه..

و زندگی ست

وین ژوئن 2015

قربانیانِ عملیات آژاکس

گذشته ها... هرگز نمی گذرند

امروز ... ادامه دیروز

و زخم هایمان ... چون روز حادثه

همچنان خون ریز

هرگز نمی رود از یادم

جنایت های... ابر جنایتکاران جهان

در روز بیست و هشتم مرداد سال 1332... در

عملیات آژاکس

زخمی که انگلیس و آمریکا

زدند... به جسم و جان ملت ما

صبح آنروز... با شروع همه...

و صدای تظاهرات

مادر بزرگم... بس دل نگران

گرفت دستم را... و رفتیم بسوی صدا

انبوهی از کسبه... و کارگران

با شعار مرگ بر شاه و ... زنده باد مصدق

در حرکت بودند و در تظاهرات
و مردم ... ناظرانی دل نگران

بعد از ظهر همان روز
باز به دنبال مهمه و صدا...
همراه مادر بزرگ... رفتیم به سمت صدا
در کامیون هایی... که آرام در حرکت بودند
زنانی با موهایی زرد و لبانی قرمز
در کنار اوباش ...
فریاد می زدند... جاوید شاه و
مرگ بر مصدق

نگاه مضطرب مادر بزرگم ...
خبر از فاجعه ای بود ...
در حال وقوع
چه شده... مگر همین دیروز
فوق العاده فروش...
داد نمی زد که
مصدق پیروز است و... شاه فراری شده؟
چه شده...
این چرخش وارونه...
ز چه روست...

شروع شد یورش کودتا چیان
به خانه ها...
کارگاه ها و چاپخانه ها
دستگیر کردند...
بسیاری را... امروز
و روزهای پس از آن
غارت وحشیانه بود...
در چاپخانه کارگران
توسط شعبان بی مخ
و اراذل و اوباش
ماشین های چاپ را باز کرده...
همه را بردند
حتا... درها و پنجره ها را
با چارچوبشان... کنده و بردند
و مدیر و روزنامه نگاران
همه دستگیر شدند
تهران... توپخانه... کوچه طبسی

آتشب... بر قرار شد
حکومت نظامی
توسط کودتا چیان

و روزهای بعد ...

هياهوى مردم... در كوچه

با فرياد پسرک اعلاميه فروش...

ناپديد شدن سرهنگ افشار طوس

رئيس پليس تهران...

فوق العاده...

روزهای بعد... باز با فرياد...

جسد افشار طوس... پيدا شده

شدید شکنجه شده...

ناخن هایش را... کشيده اند

او بطرز فجيعى ... کشته شده

و صحبت های در كوچه...

که شنیده می شد...

در حياط خانه ما

از مقاومت سرهنگ افشار طوس ...

شکنجه و قتل اش...

توسط کودتاچيان

و اعلان ... دستگيرى مصدق

حصر خانگى ... در احمد آباد

نخست وزيرى فضل اله زاهدى

و بازگشت... شاه از رم

مادر بزرگم بس مضطرب... و دل نگران

تازه شنیده بود...

دستگیری فرزندان

نبود بار اول دستگیری اشان

وزیر کشور مصدق...

فضل اله زاهدی

همین نخست وزیر تازه

همین وطن فروش ... کودتاچی

همواره می داد

فرمان دستگیری

روزنامه نگاران کارگری

و در مقابل ... روز نامه های کارگری

همواره ... بودند خواهان خلع زاهدی

ولی مصدق ...

اعتنایی نداشت به منطق کارگری

او آمریکا را...

دوست و حامی خود می پنداشت!

روزهای پی در پی...

خانواده ها... مضطرب و دل نگران

در جستجوی فرزندان

بلاخره... به خانه رسید
لباس های خون آلوده... از زندان
شکنجه ... با دست بند قیانی
شلاق
با سیم های خار دار ...
گوشت و خون بود...
بر لباس های رسیده از زندان
و می دیدم... مادر بزرگ را
که می شوید
با اشک چشم هایش خون ...
از لباس های فرزندان

فوق العاده...
باز صدا از کوچه
اعدام ... اعدام... اعدام...
سرهنگ ها... سروان ها ...
و افسران حامی کارگران

صدایی بمی... در کوچه
فریاد زد ... آهای ملت
تیمور بختیار... پاچه می گیرد

هار شده

اعدام می کند...

بی محاکمه سرهنگان

و افسران حزب توده ایران

اخبار وحشتناک بود ...

هر روز... در کوچه

لیک...

نه ایستاده کسی... در مقابلشان

هر روز می لرزید تن مادر بزرگ

با شنیدن فریاد فوق العاده فروش

آن پسرک

و می دیدم که... می پرید رنگش...

و می گرفت دل پیچه

با شکایت صاحب چاپخانه... از غارت

دادگستری... بجای کودتاچیان

دستگیر کرد پدر

و مفت... حراج کرد خانه ما

به عنوان

مایملک ضامن مدیر چاپخانه کارگری

خانه ما... ثمره یک عمر کار پدر
شد تاوان غارت کودتاجیان
غلطید خانواده بزرگ پدرم...
به اعماق فقر سیاه
و نماند چیزی... برایمان جز آه
کودتا بود...
آغاز رنج بی پایان
برای تمام عمر پدرم
و خانواده و تمام کودکان

تازیانه درد بود که می بارید...
بر روزگار و هستی مان
که از یاد روز به روز آن
هرگز نه توانستم ... برهم
کودتا برای خانواده ما...
تنها یک شکست عظیم ملی
و میهنی نبود

سقوط طبقاتی بود ...
به اعماق فقر سیاه
غارت زندگی... حال و آینده
و چه تلخ بود... دیدار پدر

پشت میله ها...

برای ضمانت... بعد کودتا

کودتا... آشنا کرد

خانواده ما را

با فقر سیاه و... میله و زندان

نه...

التیام زخم های کودتا

هرگز میسر نبوده و نیست

گره خورده... دوران سیاه کودکی

با تمام مصیبت های کودتا

مادر بزرگم ...

نیاورد طاقت خون و شکنجه و غارت

یکی از روزها...

چشم بر هم نهاد و... از دنیا رفت

بعد ها... هرگز ندیدم

کوچکترین نشانی... از یادش

دریاد نامه جان باختگان کودتا

و هرگز ندیدم ... یادی و نشانی

از دیگر غارت شدگان و زندانی

یا... کشته شدگان... با سلاح های نرم
جدا... از لیست های اعدامی
و بر من مسلم شد
که ابعاد گسترده رنج های فردی
و ملی ما
و زندگی های مچاله شده
به دلیل کودتا
هرگز منعکس نشده...
در اسناد ملی ما

بیش از صد سال است ...
که ملت ایران ... اسیر دست استعمارگران
انگلیس و آمریکا ست
گرفتار دیکتاتوری ها
زندان ... شکنجه... اعدام معترضان
عقب ماندگی ها...
و رنج های بی شمار خلق ها... و افراد ملت ما
سوخته ... نسل اندر نسل این ملت
در آتش و فتنه های استعمار
و حال گرفتار این اهرم سیاه استعمار!
این ملای بی رحم و غارتگر و جنایتکار

وین اوت 2015

فریادهای بی عمل

ما کاشفان پر تأخیر تزویرها و فتنه ها

زخمی... تیپا خورده

در چرخش مکرر دایره های بسته

تحت رهبری امپریالیست های

آمریکا و انگلیس

از طریق نفوذی هایشان

و ناظران مغموم

بر حرص بی پایان ... و فتنه هایشان

آنان خون می ریزند و غارت می کنند

دار و ندار ملل

این قداره بندان وحشی تمدن امروز...

در کشورهای عقب مانده

از قافله های بی تمدن شان

گویی هزاره ها گذشته ...

از خلع سلاح مان

ولی هنوز... باور نمی کنیم

که این فشار مدام بر سرمان

نیست چیزی ...

جز فشار دست استعمار

که هر روز با شیوه ای جدید

ولی همواره بر سرمان

و این زهر پر تعفن... و زرد و لزج

که آغشته است با دروغ و دغل

و می باشد هر روز ...

بر بود و نبودمان

تراویده است از...

ذات فاسد و طماع و حریصشان

نفس می کشد هیولای صهیونیست آمریکا

با حجمی به بزرگی... 958 پایگاه نظامی...

در سطح جهان

همگی پر ز چرک و خون...

گروگان گرفته است... انسان و طبیعت را

و می خندد ... با کراحت تام

بر ساده لوحی و بلاهت ما

او متکی ست... بر دسیسه ها و اتحاد ناتو

گروه های پنج و هفت و بیست و...

و ما... همگی جدا جدا ...

در باور تحلیل های جداگر... نفوذی هایشان

که می خورد آرام... گوشت و پوستمان

رسیده فرسایش اکنون... به استخوان

لیک امپریالیست ها

دست نمی کشند... ز هستی یمان

و ما منفعل... ناظران خاموش صحنه ایم

یا... در گیر فریادهای بی عمل!

وین 2015.05.17

انقلاب سیاه

نه ناظر انقلاب ... از پشت پنجره ها

و نه ... از کاروان محتاتان

به دریا زده ای... در تلاتم توفان

با من...

از تار وپود این انقلاب... مگوی

از بازماندگان جمعه سیاه

لیک... هزاران بار

بردار کرده اند قلبم...

با کشتار مردم ایران

درکوچه... خیابان... سوله و زندان

از ازل ... اهرم این انقلاب سیاه

دروغ بود ... تزویر و ریا

و هنوز... استواراست

بر ستون مکر و دروغ و ریا

با بوی تفکر مردار... که می برید نفس

از اعماق گورستان هزاره ها

و با چهره ای کریه

بر پا شد ...

اولین الگوی واپسگرایی جهان

برای انقلاب های رنگی

با انقلاب سیاه... در ایران

در اولین قارو قار نفرت انگیزش

یک کلاغ سیاه

بر خاکریز گور کشته شدگان شد

در چهل جمعۀ سیاه

25 مهرماه 1357...

بهشت زهرا ... تهران

و اطلاع رسانی کرد

که پس از سقوط رژیم شاه

صدر برنامه...

قتل عام چپ است

در این مورد ... جهان شاهد بود
که با قساوت تام... کرد رژیم ملا...
به وعده وفا !

اولین گام رهبری ...

قبل از شروع انقلاب

در 28 مرداد 1357

جنایتی مخوف بود ...

در سینما رکس آبادان

پیکری از عراق ... فرمان رهبری آورد

و شروع شد... جنایت های مذهبیون

با مواد آتش زا

گر چه آن روزها...

باورش... سخت بود و بس مبهم

لیک امروز ...

با گذشت سی و هفت سال بس خونین

و فرمان معروف روح اله خمینی ...

اعدامشان کنید!

ما زندانی سیاسی نداریم... در اسلام

و شروع شد قتل عام ... در زندان ها...

حال پذیرش فرمان ... آن جنایت مخوف

از جانب او قطعی ست

جیمی کارتر ...

به شاه ... دستور ترک ایران داد

و به ارتش آمریکایی ایران

سفارشات اکید ...

فرمانبری بشود از ملا!

یعنی که ... بیهوده زحمت نکشید

فقط ... یک جا بجایی ... از قوای خودیست

در مسیر اهداف کمر بند سبز ... به دور زمین

کشت شر ... شروع شد

در 1976 ... توسط آمریکا

و نوکرانش ... عربستان و پاکستان

با تأسیس القاعده در کابل ...

و دومی ... سه سال بعد

شکوفه داد ... در ایران

دیو چو بیرون رود... فرشته باز آید !
که آمریکا برفت و ... انگلیس باز آمد !

دستور انگلیس بود ... به امام جمعه ها
در تمام مساجد ایران
از طریق آیت اله های حقوق بگیر و...
وابسته
شرکت در تظاهرات... برای عموم
واجب شرعی ست

مردم بجان آمده... عاصی
از فقر و محرومیت
و کشتار... در زندان های شاه
و آرزومند زیرو رویی و تغییر...
بی خبر از ... فتنه های مخوف
در خیابان ها... شدند به راه
همگی در چادر سیاه
که ... سر کردن چادر سیاه
دستور تشکیلات مذهبی

بدین سان

بر بالِ آرزوی مردم

پیاده کردند ... یک انقلاب سیاه

ورود دوباره استعمار انگلیس...

این بار بجای تاج

پنهان بود به زیر عمامه

لیست نوکران انگلیس

موجود است ... در مجلس موسسان

تمام مدافعان ولایت فقیه ...

همگی بوده و هستند

از نوکران انگلیس

انقلاب ... احراز قدرت است

توسط یک طبقه ... از طبقه ای دیگر

وقتی حاکمیت... تحویل داده شد

به واپسگرایانی

شدیدن حامی سرمایه

و ارتش و نیروهای مسلح ...

همگی مجریانِ فرمانِ تسلیم و سکوت

و ساواک دست نخورده...

مشغول به کار

و ملایان حقوق بگیر انگلیس

صاحبان اصلی تخت و عمامه

این نبوده انقلاب... یک جابجایی خودی

که در پس دروغ بزرگ ...

حمایت از کوخ نشینان

لیک با هدف ...تاراج بی پایان ثروت ملی

برای اسلامیزه کردن جهان

که از ازل بود استراتژی کاخ سفید

و در پی آن

کشتار شدید چپ و معترضان

شناخت درد ... نیمه اول درمان

نادیدن... بازگشت استعمار

گم کردن قرن هاست... نه که سال

پاشیدن خاک است

به چشم... مردم

مردم مظلوم و شجاع ایران ...

که چون امروز

آرزومند زیرورویی و تغییر

سلب دائم شدند... ز حق خواهی

هرگز... به شعارهایی تو خالی

چون کوخ نشینان

نباید توجه کرد

محک... عمل است

و اتاق بازرگانی... توسط روح اله...

داده شد به اسگر اولادی صهیونیست

تازه مسلمان

و شرکاء

که هنوز در یدشان

تأسیس کردند خانه کارگری... علیه کارگران

و ممنوع شد ... در ایران

احزاب و سندیکاهاى کارگران و روز کارگر!

واپسگرایان خط سبز

حامیان ولایت... که همگی از حامیان سرمایه

امضایشان هست

پای فرمان...

قتل عام زندانیان شصت و هفت

ابراز طنزانی... در این میان

که حمایت حزبی... از بن چپ

سبب قدرت ملایان شد...

هزل... و از بن پوچ

و کمک... به امپریالیست هاست

نادیده گرفتن...

دکترین کمر بند سبز است... بدور زمین

از زیگنیف برژینسکی

نظریه پرداز کاخ سفید

برای دادن "شانس دوم"

به بقای امپریالیسم

که اجرا شد... بطور پیوسته

توسط نو استعمار آمریکا و انگلیس

با تحمیل انقلاب های رنگی...

با رنگ سیاه مذهبی

به کشورهای جنوب ...

شروعش از ایران

با فعال کردن

تشکیلات تاریخی انگلیسی شیعه... در ایران

از این پس مشکل دو تاست

برای کشورهای جنوب

مبارزه علیه ملایان غارت گر و جنایت پیشه

در داخل

و علیه فشار استعمار... از خارج

مسئول و متحد... به پا خیزیم

با عزم استقلال و رهبری

یا بمانیم پراکنده...

تا استعمار... بر ما حکم راند

از جایگاه رهبری

وین ژوئن 2015

چراغ تاریخ

در چهارراه مصائب

گم کرده راهی بس نگران

پرسید از فرزانه ای به راه

کدامین است... راه نجات ای دوست

رو به معبر تاریخ کرد فرزانه

و فریاد درد بر آورد

که چگونه آمده ای این همه راه را

بی چراغ تاریخ...

و چگونه بی تو...

جویای راه آینده

وین 16.05.2016

هیئت سیاسی اکثریت

نمی تواند که به ایستاد دیگر...

تا خورده تا زانو

کیسه های پر چرب شکمش

کله اش کوچک و پوک... بدنش بس گنده

خفه کرده همه را

بوی گند عرقش

در هماهنگی... با چرخش راست

شکل باخته ... ستاره سرخ

به گل پنج پر قرمز

که نصب است همواره ...

برروی پستان آویزان چپش

و با لمس گه گاه آن...

با کف دست

می چکاند اشک تمساح ... از چشم چپش

تا می آید ... که حرف زند

با دهانی... پر از دندان های طلا

می جهند بیرون ...

کرم ها پی در پی

از درون دندان نیش چپش

تغییر جهت داده ... چرخیده به راست

لیک پخش اعلامیه هایش ...

همواره با دست چپش

در اعلامیه ضد خلقی یه تازه خود

با ایست بر خصومت...

علیه اسرائیل و آمریکا

زردی شلوارش... آویزان تا کفش چپش

سال ها پیش...

صدو هشتاد درجه... چرخیده

رنگ باخته سرخی آن...

سه طلاقه شده آن

لیک برای حفظ بدنه ...

هنوز پنهان است

پشت نام ایام جوانی... و چپش

داده بر باد ...

آمال فدایی خویش...

ضد خلقی شده او

لیک...

با حمایت راست های دور بر

مانده در دست هنوز... تخم چپش

وین 19 ماه مه 2016

Women's Anthem

**Women are brave and
women are strong
rising ... to rule the world
Women's Power**

سرود زنان

**زنان شجاع اند و
زنان اند قوی
می خیزد... تا راند حکم بر جهان
قدرت زنان**

Die Frauen Hymne

**Frauen sind mutig und
Frauen sind stark**

steht auf... um die Welt zu regieren

die Frauen Macht

النشيد المرأة

المرأة الشجاعة

والمرأة القوية

تتحدى صعاب العالم

قدرت المرأة

Himnoes para mujeres

Las mujeres son Valientes

y las mujeres son fuertes

se alzan para gobernar el mundo

el poder de las mujeres

Kadınlar marşı

Kadınlar cesurlar

ve Kadınlar güçlüler

ayağa kalkıyor dünyayı yönetmeye
Kadınlar kudreti

המנון הנשים

ונשים הן חזקות

נשים הן אמיצות

כוחן של הנשים

עומדות לשלוט בעולם

L'hymne des femmes

Les femmes sont courageuses
et les femmes sont fortes
se levant pour diriger le monde
le pouvoir des femmes

Vienna 12.10.2016

فیدل کاسترو...

با زنجیر بازوانمان ...

حلقه ای بسازیم

بگرد زمین

و باشیم همانند فیدل ...

پایدار... علیه امپریالیسم

نمرده است... نفس می کشد هنوز

در جان عزیز ملت کوبا

و شعله های عشق بی مرزش

به زحمتکشان... مردان ... زنان و کودکان

همچنان زبانه می کشد

همراه و یار مردم بود... فیدل

شریف و با صداقت بود... فیدل

متعهد به آرمان ها و اصول

و متعهد ماند... به عهد ازل

بیاد آوریم... 1954

آغاز جنگ های چریکی او ... و یارانش

1956... سقوط فولگنسو باتیستا

و آغاز انقلاب سوسیالیستی

در کوبا

1961... یورش مزدوران سیا ...

در خلیج خوک ها

و پس از آن... 638 بار سعی سیا...

در کشتن فیدل

لیک همگی ناموفق بود... آن همه تلاش

ناطقی معتبر...

در تحلیل مسایل بود... فیدل

گفتارش از رادیو ...

گاهی هشت... یا که نه ساعت

او با مردم کوبا سخن می گفت

این بوده... راز پایداری ملت کوبا

علیه تحریم های 60 ساله آمریکا

هر چه بود کم... یا که زیاد

تقسیم می شد... بین همه

نبود و نیست در کوبا ... کودکان خیابانی

بیسواد... یا ملا

صادرات کوبا ...

پزشک است به آمریکای لاتین

ملتی با شخصیت... با سواد و غرور

مقاوم ... یار و حامی رهبر

تولدش... فرخنده بود

در سیزدهم اوت ... 1926

و فرخنده بود ... یک عمر مبارزه اش

علیه ظلم... فاصله های طبقاتی ...

و امپریالیسم

و اینک... فرخنده است جاودانگی اش

ستاره پر تالالوی خاطره هاست... فیدل

رهبر غرور آفرین کوبا است... فیدل

او احیا کننده شخصیت ملی... در کوبا

ملتی که تحمل کرد ...

رنج تحریم های آمریکا

فرو خورد بغض و حسرت خویش

ولی ایستاده با غرور...

در کنار رهبر خویش

ملتی یگانه با رهبر

غمخوار و پشتیبان...

همواره... در حمایت از رهبر

جاودان باشی ... ملت کوبا

فیدل ات ... ایستاده سرویست بلند

در صف عزیز ترین های تاریخ جهان

و سمبل مقاومت ... علیه آمریکا

وین 26.11.2016

جهان بی مرز

امروز خورشید

برخیز و آماده شو...

به پایان رسید... شب

جمهوری قتل و غارت و...

واپسگرایی تام

این کلاف هزار سر... ظلم و بیداد و

ظلمت و وحشت

بر خیز عزیز من

زمستان سرد و سخت و طولانی

حال ... رو به پایان است

امروز ... خورشید

در انتظار طلوع وحدت ما...

پشت ابرها... پنهان است

کار ما ...

گذشته از شکنجه و اعدام

و ... غم زندان

بریده امان مان...

فقرسیاه فرزندان

فریاد دردمندانۀ کودکان و... نوزادان

که بردگان جنسی و

عرضه برای فروش

قبل از... رویش دندان

ملا ... تخم اجنبی ست

از ما نیست

نافش را قرن ها پیش...

بسته انگلیس

نگاه کن ... به پیوندهای پنهانش

با اوباما

نیست ملا و... نبوده هرگز... از ما

ملا امتی... استعماری

و خصم ایرانی

نمی خواهد... و نمی تواند که بشنود ...

فریادِ کودکانِ ایرانی

چلچراغ مودت... کنیم روشن

و جاده را... با حریم حرمت هم

و مهر باز

برخیزیم... تا نداده ایم از دست

شعورِ درکِ رنجِ هایی این ملت

دست هم بگیریم و... براه شویم

از ریشه بسوزانیم... تخم شیادی

به زیر عبا و عمامه

و هرچه مکتب و... منبر و قاری

ستون اصلی اتحاد و قیام...

شخصیت است

یک بار برای ابد... باید بیاموزیم

بجای تکیه به غیر...

که در نهایت... آنان

منافع خود می بینند... بجای منافع ما

به وجوه اشتراک و قدرت خود...

متکی... و متحد شویم

وین 9 ژانویه 2017

اوج بلوغ سیاسی

صهیونیست ها... خود را

وارثان خدا... حاکمان جهان

و مردم جهان را... کودن پندارند

و مدام... در فکر بافتن زنجیریا

برای اسارت ملل اند

حرص و آز ملایان

بی انتها... و بی پایان است

بی واهمه... از غرق ملت ایران

در نیستی و بدهی

کارشان... غارت خزانه ملی ست

و سخت کمر بسته ...

به برده سازی... نسل ها

یکی... بعد از دیگری

ملایان... چون صهیونیست ها
همه خواه و جاه طلب اند
و مردم را ... صغیر و نیازمند قیم
می پندارند
آنان خواهان خلافت اسلامی...
بر کل امت جهان
و مأمور ترویج ظهور... و افکار پلید حجتیه
در ترویج فساد... برای ظهوراند
از نوع امتی - انگلیسی
با هدف... گسترش هرم جهانی شیعه
که رأس هرم همیشه باشد...
در اشغالِ استعمار انگلیس

ملایان نیز... چون صهیونیست ها
حریص و غارتگر و انحصار طلب اند
و ریشه هر دو... در واقع یکی ست
همان صهیونیسم - امپریالیسم
لیک... از نوع انگلیسی مودی تر
ولی صهیونیسم آمریکا...

جهانخوار شماره یک است

دومی... صهیونیسم بریتانیای کبیر

که تا جنگ جهانی 2... ارباب جهان بوده

لیک از 1945 ...

و کار برد بمب اتم ... توسط آمریکا

پذیرفته است... اربابی آمریکا

با اینکه ظاهرن... هر دو همکار و شریک

لیک... در باطن... رقبای بی همتا

بازار ترویج ادیان...

این روزها... سخت

پر رونق شده است

صهیونیست ها... از دو سو

با فکر جذب سرباز مجانی

و گوشت دم توپ

در ترویج بهشت برین

و سخت... مشغول پخش قرآن سلفی

قرآن سلفی ... قرآن دستکاری شده

توسط وهابیون عربستان سعودی...

در جهت اهدافِ جهانخواری آمریکاست

پرورش دهندهٔ داعش

و انواع مسلمانان تروریست...

که همه... نیابتی های آمریکا...

در کشورهای جنوب اند

مردم غارت شده در ایران و جهان ...

مبارزه... علیه نیابتی ها را... به پیش می رانند

اعلان همبستگی احزاب... و سازمان ها

در این شرایط... برای تشکیل یک

اپوزیسیون واحد ضد استعماری...

و عدالت خواه

اوج بلوغ سیاسی است

ملایان... نه ضد امپریالیست... بلکه

شاخهٔ انگلیسی های رقیب آمریکا...

و حضورشان... در جمع چند قطبی ها

نه به لحاظ باور آن ... بلکه

به دنبال نجات خود... از ورطهٔ سقوط

وین 9 ژانویه 2017

کودکان فلسطینی

بگوش ...

این انعکاس مکرر

از تنیده بانگ ها...

و ناله های بهم

که بر یال تند بادهای...

می چرخد و می پیچد

در کوهساران زنجیر وار زمین

و منعکس است

در لایه های بینهایت... زمان

سوز داغ مادر زمین است

و این رگبار تند... و مایل باران

که می نوازد...

تازیانه با شدت

و می سوزاند ...

اعماقِ هر آنکه را

که نیست مسدود... سمعِ جانِش

و نه مسدود ... چشمِ دل

هست...

اشک های مادر زمین

مادر زمین ...

سال های سال است

که های و های می گرید

اگر چه نفیرش اوج گرفته

به تازگی ...

از ظلمی که رفته و می رود...

به کودکان

لیک شعله های فغانش...

زبان می کشد

از جمجمه های بی شمارِ کودکانِ فلسطینی

که همگی... محکومینِ به مرگ

به حکم استعمارگران صهیونیست

با شکستگی...

در استخوانِ سر

از ضربه های قنداق تفنگ ...

برای صرفه جویی...

از دانه های فشنگ

کودکان همگی...

بی گور و بی کفن

در جای جای خاک فلسطین

سرشان ... بر سینه زمین

وین 01 . 02. 2017

زنده باد یوگسلاوی

یوگسلاوها...

در سالگرد حمله ناتو...

به میهنشان

با هم ... سرود

زنده باد... یوگسلاوی را

می خوانند

یوگسلاوی... ای سرزمین من

محو تو...

از دل و جانم

هرگز میسر نمی شود

می سوزانند... حسرت

دل و جانم را

و تکه پاره شدنت...

بریده امانم

عهد می بندم که ...

سابق

را...

از جلوی نام تو... پاک کنم

سالیان شرمندگی... چه رنج آور بود
برای من
و چه دردناک برای تو
این تکه تکه شدن
این غرقه شدن در خون...

هجده سال
از حمله گرگ های ناتو ...
علیه تو ... می گذرد

از پایان غم انگیزش...
و تکه تکه کردن تو
و رویش دیوارهای جدای
بین خلق های یک ملت

چه وحشتناک است
ستمی که رفته است به تو...
وما... فرزندان گریان...
در فراق مادر...
گمشده خود را... می جوییم

نه... مادرم...
هیچ چیز نمی تواند

ما را از هم جدا کند
هیچ چیز نمی تواند... ما را
از گذشته های مشترک...
تاریخ مشترک
و از تمدن مشترک... جدا بکند

عشق ما... ترانه های ما
دلیریهای ما
شرافت و افتخار ما
و شایستگی هایمان ...
همگی هم ریشه
و از آمیزش فرهنگ خلق هایمان...
جان گرفته ... روئیده

مبارزات ما ... برای عدالت
برای حقوق انسانی... برای آزادی
همه و همه ...
در یک جبهه بوده
استقلال این خاک...
با خون مشترک ما همگی
آبیاری شده است

ما یک سرود را
زیر یک پرچم می خواندیم
زندگی را

برای نجات یک مرز سراسری...

یک سرزمین واحد... یک ملت

فدا می کردیم

ملودی عشق ما

زیر آسمان ستاره باران شبهای یوگسلاوی

چه با شکوه بوده

و رقصیدن...

به ملودی تند موسیقی های محلی

و کولی های یوگسلاوی

چه بی نظیر

آه ...

ای حسرت سوزان

در جان و تنم

مرا بیش از این رنج مده

من بی وطن شده ام

مرا... از ریشه هایم بریده اند

و این بغض... مرا رها نمی کند

حال ... همه چیز روشن شده است

که چه سان بدبختی ها ...

همه آغاز شدند

آنکه شطرنجی کردن را

به ملت یوگسلاو...

تحمیل کرد...

هرگز... نبوده است از ما

تمام مناقشات بین ما

نقشه او بوده

فکر تکه تکه کردن

و بی توان کردن ...

و سلطه... بر ما و میهن ما

همه از دسیسه های او بوده

دست هامن را بهم دهیم

و آواز وحدت را...

هزاران بار...دوره کنیم

وحدت هفت کشور...

هفت خواهر و برادر

باز دوباره ...در زیر یک پرچم

باز می تواند ... که میسر بشود

و همه با هم ... علیه آمریکا

و علیه ناتو... فریاد زنیم

مرگ بر آمریکا...

مرگ بر ناتو

زنده باد وحدت ما ...

زنده باد یوگسلاوی

وین 24 مارس 2017 1396

نوروز 7017

نسیم جان فزای بهاری

مزین به شکوفه ها

با شادی فزاینده ملودی زنگ ها

در وزش از...

لابلای تاریخ و برگ ها

با شتاب فرات

و جریان پریاهوی دجله

شوق رویش سبزه ها و جوانه ها

در فروردین 7017 ... در تمام سرزمین ها

نیست هزار و چند سال از قدمت نوروز

و سنت ها و افسانه ها...

بشمار از تولد میترا

وین مارس 2017 ... 1396

اپوزیسیون واحد

ما همگی...

از شیفته گان عدالت بودیم

امانمان می برید ... هر تبعیض

و وقوع هر ظلمی...

تیغی بود... که شیار می انداخت

و خون می کرد

صفحه صیقل دلها مان را

اما... این ما نبودیم

که انتخاب می کردیم ...

کدامین روز و کجا

کدامین عنصر...

از کدامین حزب... یا سازمان

خواهد گرفت دست مان

و رهنمون خواهد شد ما را

به سوی شاهراه برابری ...

در یک حزب... یا که سازمان

کمتر کسی را دیده ام

که با تحقیق

خود یابنده و انتخاب کننده حزب

یا که سازمان باشد

اکثر جوانان ... جذب عاطفی شدند

به سازمان ها... و احزاب

و عاطفی ماندند

من... هیچ چیز تازه ای...

ندارم برای گفتن... بجز

نبض عشق و زندگی

که می تپد در جانم...

و بی خستگی... مرا

از فراسوی تمامی رنج ها... و آه های بیشمار

به راه تغییر و

زیر و رویی کشانده است

نه یک ... یا دو نفر

یا یک گروه... یا که جمع

تمام فرصت طلبان شهر از من ...

روی می گردانند

چون کارم...

نقش تصویر قاتلان فلسطینیان ...

صهیونیست های بی وجدان

بر دیوارهای شهر شده بود

همه می دانستند...

آنچه را که فریاد می کنم...

عین حقیقت است

لیک ... با چرخاندن سر... و تلاش

در گم راهی جوانان تازه به راه

در دالان های پر نفوذ و سفسطه...

زیر پرچم های صورتی ... بجای سرخ

تلاشی می کردند

ندهند فرصت ها را... از دست

گویی... در جنگلی بزرگ

با همه... اما تنها

لیک نیاز حیاتی برای تغییر

درد تنهایی را... از من دور

و روستن در نور...

در وادی عشق و کمال

مرا سرشار می کرد... از خوشبختی

یخ های آن دوران... هنوز آب نشده

لیک... نگاه های طلبکارانه

و غضب آلوده

کم کم ... به نگاه های گریزان...

و شرم آلوده

بدل شده اند

محک همواره ... فلسطین بوده و هست

علیه استعمار...

علیه اشغال و خشونت و کشتار

این اولین رکن اتحاد بوده و هست

چرا؟

چون ایران نیز... بوده و هست

تحت سلطه استعمار

لازمه هر عشق بزرگ

خلوص بی خدشه... و بی تزلزل و عصیان

لازمه هر عشق بزرگ

عزم به ... به ایجاد حرکت

و عزم به زیر و رویی و تغییر

و دوری از... در جا زدن و ماندن...

در دایره بی فرجام نظر

تکرار حرف های گذشته ...

نه تلاشی ست... برای تغییر

میخ شدن در یک جاست ... فرمان ایست

و تکرار واژه های کهنه...

و پوسیدن است... در پيله خود

و چه دردناک است...

عبور از سال های پر بار زندگی... بی تغییر

سهم ما از تغییر

دارد در ایستایی... می سوزد

بزرگترین عشق انسان ...

عشق اجتماعی اوست

که آتش اش... از سینه ای

به سینه دیگر... زبانه می کشد

می گیرد و می خیزاند

و مشعلی می گردد ...

پرتو افشان مسیر رهاوان

هر نسلی ... سرود عشق خود را

با واژه ها... و آهنگ ویژه خود ...

با شور عاشقانه می خواند

نباید که از عشق گریخت

و نباید در را بست ... بروی عشق

تکرار مدام نواهای گذشته

زیستن در نفرت تاریخی

بجای گشودن راه ... امروز و فردا

بس خسته کننده ... و ملال آور

و غفلت از تحولات... و نیافتن راه ...

برای... نجات انسان هایی ...

که دارند می میرند ...

در مصیبت های کلان ملا

از آب و هوا...

تا کار و نان و مسکن و دارو... و آزادی

و حراست...

از حصار تنگ گروه های خودی

فضا را... با بوی کپک می آلود

و تنها اثرش ...فوران دق است...

با مصیبت بزرگی... به نام سلطه ملا

عشق ... در کلام تازه

با رنگ و ملودی های نوین

می روید و جان می گیرد

و پراکندگی در نهایت

تحمیل انفعال است و... فلج

و دادن سلطنت ابدی به ملایان استعمار

ما زنان طبقه کارگر ... اگر صد سال هم

در جوامع مصرفی ... زندگی کنیم

باز ... از حیف و میل بی زاریم

ساختن چیزی از هیچ

در جان ما... رخنه کرده است

برای ما ... نگاه به گذشته ها

فقط ... بار رنج دارد و بس

از این رو... کار ما آینده نگریست

ما برای ساختن اسکله ای محکمتر

هرگز از تخریب...

اسکله کهنه... نمی ترسیم

و استواری و قدرت ما ...

از نگاه امید مان است... به آینده

هر دسته و حزب و هر گروهی

عده ای را ... به دور خود بی حاصل

جمع و منفعل کرده

و با نورافکن بر تفاوت های جانبی
مانع اتحاد و هر تغییر است

ما زنان طبقه کارگر
از این درجا زدن ها...
سخت... به جان آمده ایم
و این انفعال را... با تمامی قدرت...
مردود می دانیم

ما برای... لقمه نانی
برای کودکانمان بی امروز...
و در عدم اتحاد شما آقایان... بی فردا
در ایران ویران... به دست ملا
در هر گام...
مرگ را تجربه می کنیم...

در عرصه بیکاری... و بی نانی
خرد گشته... حرمت انسانی امان
همین دیروز بود که...

پسر دوم هشت ساله من... می پرسید

مادر... تا به کی ...

بچه های دیگر ... به مدرسه بروند

و ما... همچنان در کار خیابانی؟

در دوران حقیری...

که خبثت می بارد از رژیم ملا...

بر درو دیوار همه جا

چند قرن دیگر... باید انتظار کشید؟

تا یک اپوزیسیون واحد... ایجاد شود؟

دیروز ... ما همه پراکنده

لیک امروز ... نقش انقلابی ما

در ایجاد یک اپوزیسیون واحد ...

خلاصه می گردد

در شرایط حاضر

ما فقط گام به گام...

قادر به اهراز اهداف انسان ساز

می توانیم بشویم

ما فرزندان عرصه کار...

معتقدیم به همدلی و یکرنگی ...

در مسیر کار و مبارزات مشترکیم

یا ما ... در یک اپوزیسیون واحد

و پیروز و... اهراز رهبری

یا حامیان سرمایه ... و نوکران استعمار

با تشکل خود... بر ما

بها دادن به ملا

به عنوان ... نیروی ضد امپریالیست

اجازه دادن است به او

برای خوردن مغز کودکان و جوانان

قتل و غارت و کشتار

و اشاعه فساد انگلی... در خاورمیانه

و تمام کشورهای جنوب

با سهم بودجه کودکان کار و خیابانی

و ایران ویران بی امروز و آینده

وین 12. 4. 2017

آوایی از یورت

آی آدمها ...

که در روی زمین...

در تلاش و زندگی هستید

ما... این پایین ... در اعماق زمین

بی نور و هوا

در دالان های تو در تو... تنگ

زیر آوار کلوخ و سنگ

گرفتار و... زنده مدفونیم

خروجی ها همه بسته... با آوار

لیک بشنوید ... فریاد و عمق درد

ما ... از مدت ها قبل

گزارش کرده بودیم

که این معدن ... در اعماق 1800 متر

از سطح زمین

این معدن ... بی تهویه هوا

این معدن ... بی ایمنی و حفاظ

این معدن ... فاقد بیمه های کارگری

در این معدن ... پرداخت حقوق کارگران

همیشه با تعویق...

از هشت... تا هفده ماه

در این معدن ...

برای 16 ساعت کار روزانه

فقط ماهی ... 960 هزار تومان

در این معدن... شاخص مالکان ...

نه استثمار...

صرفن برده داری

با حمایت رژیم ملا... زندان و شلاق

برای... کارگران معترض

نه اجر دیگری...

برای کار در اعماق و در ظلمت

رسید از راه...

مصیبت ... انفجار... آوار

خروجی بسته شد ... با ریزش

فریاد و همه...

صدای ریزش... سنگ و کلوخ

کمک ... سوختم... سرم ... آخ دستم

ندایی آمد از امید ... نترسید کارگران

بزودی می رسد امداد... از هموطنان

و صدایی ... با نام عزیزانش...

گلرخ... امید ... سودابه

و کم کم ... خاموش شد

در این جا نور نیست... هوا نیست

آب نیست... نان نیست... راه بسته

کارگر ها... با غبار سیاه و آلوده

بر چشم و سر و صورت ...

و در حلقوم

بی راه نجات ... دست دق... دارند بر زانو

در جوار مرگ ..

زمان بی عقربه ... ایستا...صامت

تنیده روز و شب در هم... بی تغییر

در حجم زمانی ... پیوسته روز و شب

امید هاما... یک به یک

خرد گشته ... در هم بشکسته

آه ... در کنار من...

محسن ... با تنگ نفس ...

آرام... بی کلامی مرد

نمی دانم... روز بود... یا که شب

لیک می دانم ...

سیاهی بود ... و درد و ظلمت بود

ای عزیز هموطن ...

این ظلمت ... بی نور و هوا

دارد می بلعد... یک یک ... ما را

این صدا ...

آه... او مجتبی ست ... می گوید

هر غروب ... بعد از کار

به هنگام ورودم ... در خانه

ملیحه می دوید...

بغل می کرد... زانوانم را

بابا ... بابا ... می گفت و

می فشرد سر ... برپاهای خسته ام

حال... حتما بی قراری می کند

از عید... یک ماهی گذشته

لیک من هنوز... شرمگین کفش های عید

ملیحه ... جان بابا ... شرمنده

دیگر کی ...

برایت کفش عیدی می خره بابا ... کی؟

کار کارگر نقد ... جان بر کف

لیک حقوق ... همواره در تعویق

کجا ... کار این چنین... همسان با رنج است

کار ما معدنچیان یورت...

با طعم زهر

چون غبار تیره در حلقم...

همسان ... با مرگ است

نه چون یورت ... در استان گلستان است

با وجود این رژیم ...

ایران...

سراسر ظلمت و... یورت و گلستان است

وین 7 ماه مه 2017 اردیبهشت 1396

رقص انتقام

نه برای آنکه گفته باشم

نه برای آنکه شنیده باشی

برای... ثبتِ اولین رقص انتقام ملتی

که از شهری به شهری

در نوردید ... سراسر این آب و خاک

و لرزاند...

ستون های کذب و ریا را... در مشهد

ای ملت ستمدیده...

خشم ات و نفرت ات

از این رژیم عهد حجر

چه با شکوه به جلوه درآمد

در شعر و آواز و رقص

و رقص تو ...

اولین رقص انتقام ملتی ست

که ثبت شد در تاریخ

رقص تو... انفجار خشم فرو خفته ای

به درازای چهل سال ...

در امتداد ظلم رفته بر تو...

و بر تمام فرزندان...

هزاران درود ...

بر انفجار این خشم و این نفرت

و مبارک باد... جلوه های این رقص

که نماد فرهنگ والا... و عین داد خواهی ات

جهانیست همراه...

این داد خواهی

پر تداوم بادا ... این ایستادگی

علیه غارت گران... ثروت ملی

علیه... تحمیل گران عهد حجر

با سر نیزه و رگبار مسلسل

با اسید و موعظه های مشمنز کننده...

از مسجد و منبر

وین 24 ماه مه 2017

این اوست

چگونه بگویم که باورم کنید

این... من نیستم

که ایستاده... در برابر شما

و می خواند سرود عشق...

این اوست

این... من نیستم

که گره خورده نگاهش...

با نگاه جان شما

و می پراکند با واژه های خویش

عطر اتحاد... در فضای رزم

این اوست

این من نیستم...

که خانه کرده... در صدایش

زهر تلخ شکنجه ها...

و دیده... با چشمان خویش

زخم تیغ قساوت...

بر زبان و گلوی هم بندان

این ... اوست

مرا... در سپیده دمانی

که هرگز نپیوست ... به روز

همراه هزاران زندانی یه دست بسته

زخمی ... شکسته استخوان

بردند ... به قتلگاه های تیر و دار

و دیدم و شنیدم... به گوش خود

قبل از سکوت محض

دلاوران بی شماری

که خلاصه گشتند بی هراس

در آخرین فریاد

سرنگون باد نظام نقاب داران استعمار

نابود باد

نظام رانت خواران و انگلان سرمایه

این ... من نیستم

که می خواند سرود عشق و اتحاد

این اوست...

که ایستاده استوار... در برابر شما

سرشار از عشق بی پایان...

و آئینه ای تمام است ...

از شور نبرد شما

و می پراکند در فضا... امید

این ... اوست

که می دهد بشارت...

در نغمه ای نوین

ما... راهی یانیم ... ما و راه

ما... آینده سازانیم ... ما و آینده

ما... پیروزمندانیم ... ما و پیروزی

ما... دگر گون می کنیم خود را...

ما... و خود دگرگونی

ما... زیرو رویی ... زلزله ... جهان و انقلاب

ما ... جهان و انقلاب

این همه تغییر بنیادی... محتاج اتحاد

وحدت کمی ...

بی تغییر... کیفی ؟

پوچ...!

اصل تغییر ... شروعش

از... من... است

وین 16 جولای 2017

جدایی خواهان

پشیمانند ... تمام آنان که

شطرنجی شده است ... کشورشان

حال... با سوز و حسرت دل

به گذشته ها می نگرند

و آمریکا را...

عامل دسیسه ها می دانند

هرگز بر ما مباد...

که با مرزها و دیوارهای حقیر

از هم جدا کنیم ... خلق های میهن خویش

چاره درد ما ... جدایی نیست

و نه تکیه...

بر وعده های پوچ استعمار

هر چه با پسوند "بزرگ" می آید

چون آذربایجان بزرگ

کردستان بزرگ...

و بلوچستان بزرگ...

همه هستند ... از طرح و فتنه های جهان خواران

نیست و نبوده... برای حمایت از...

خلق های ایران

هدف... ایجاد کشورهایی کوچک و ضعیف

مطیع ... بی سلاح و بی ارتش

در جایی که خود... تا بن دندان

مسلح... به مدرن ترین تسلیحات!

نیست این ... حمایت از خلق های محروم ایران

بخشی از نقشه گسترده...

و سلطه بر کل جهان

به نفع جهانخوران است

مای متحد... حامی عدالت...

برای تمام خلق های ایران

مای متحد...

واقف بر مظلومیت تاریخی... و دائم آنان

و برای زدودن...

زخم های عمیق و مزمن

در شتاب و طغیان است

ما طوطیان دست آموز ...

و سیاست مدارانی

زیر پرچم اجنبی نمی خواهیم

ما خواهان زنان و مردانی...

با شخصیت و دلیر... حامی زحمتکشان

متفکر... متعهد... انسان

ما خسته و بیزاریم...

از اینهمه نوکر... که با حقارت

مشغول خوردن و بردن و کشتن

به نفع جهانخوران اند

ما خواهان رای و تصمیم... برای خودیم

نوکران... و وابستگان اجنبی

پیاده کنندگان اوامر... به نفع اربابند

اگر چه ظاهرن با ما

ولی... همواره برمایند

وین اکتبر 2017 ... 1396

باج سبیل

چه کسی می پنداشت...

که فرد جاه طلبی ...

با شرایط باج دهی

به عنوان رییس جمهور آمریکا...

برگزیده شود

در سراسر دوران مبارزات انتخاباتی...

همواره... پیشتاز بود رقیب

و در انتخابات

با چهار میلیون رأی... جلوتر

لیک کالج ها... ترامپ فاشیست را

مناسب اهداف استعماری خود

و تصرف ارشلیم... شناخت

هیچیک از رئیس جمهوران قبلی آمریکا

جرات برداشتن گامی

در جهت عزم صهیونیست ها را

نداشت

تا ارشلیم را...

پایتخت اشغالگران ... اعلام کند

این اقدام برای آنان....

خطرناک...

و تحریک مسلمانان را

در پی داشت

دولت صهیونیستی در سایه...

هر روز... با بهانه ای... از ترامپ

باج سبیل می خواهد

و او را

به انجام کارهایی که دیگران...

از انجام آن طفره رفته اند...

و می دارد

دستورات رسیده از بالا...

همه صهیونیستی...

و مجری فاشیست!

بسیار مودیانه...

طرح از صهیونیست ها

و مقصر فاشیست !

تصرف ارشلیم خطرناک است!

حتا مطرح کردن آن...

می تواند مسلمانان جهان را

در حرکتی طوفنده بسیج کند

و آنگاه تصور موقعیت جهودان جهان...

نه چندان دشوار

جهودان ...

مردمانی که توسط صهیونیست ها ...

فریب داده شده

و اولین قربانیان استعمار...

در فلسطین اند

آنان با برنامه صهیونیست ها ...

و اجرای هیتلر

به سوی فلسطین... رانده شدند

آنان نمی دانستند که...

ابزار استعماری صهیونیست ها

در تصرف ذخائر خاورمیانه

شده اند

جهودانی که از رفتن به فلسطین

سر باز زدند ... بیرحمانه

در کوره های آدم سوزی هیتلر ...

دود شدند

صهیونیست ها ...

بسیار موذی و حيله گرند

با نقاب مبارزه...

عليه جهود ستیزی

در نقشه های غارتگرانه خود...

از جهودان... به عنوان سرباز مجانی

سوء استفاده می کنند

حال آنکه... در سرزمین های اشغالی

بسیاری از جهودان

زیر خط فقر... و محروم اند

صهیونیست ها...

اهداف استعماری خود را ...

در غالب قصه های ساختگی از تورات...

به جهودان می گویند

و حال آنکه خود... با اینکه جهود

لیک از شیطان پرستانند

پایتختی ارشلیم بجای تلاویو ...

گامی بلند...

در جهت اشغال تمامیت فلسطین است

حال ... در ادامه این باج دهی

ترامپ به لبه پرتگاه رانده می شود

ارشلیم... شد باج سبیل

برای حفظ مقام ریاست جمهوری ترامپ

وین دسامبر 2017 1396

صد سالگی

زنده است ... نفس می کشد

می بیند... و می تپد قلبش

با ریتمی... هماهنگ و قوی

در سینه تک تک عاشقان...

سوسیالیسم جهان

و وحشت از... برخاستن یکباره او

آرامش امپریالیست ها را...

بر هم زده است

صد سال است که سوسیالیسم

جهان را لرزانده

از حضورش امپریالیست ها ...

در وحشت اند

و گواه این هراس مدام ...

این همه دسیسه هاست

این همه شاخه های انحرافی...

و سازمان های دروغین

برای فلج جوانان ... تازه به راه

امپریالیست ها خوب می دانند

طلوع دوباره این خورشید...

حتمی ست

از این رو ... راضی به تعویق شده اند

و مدام ... در فکر دسیسه ای تازه...

و تحریف و نفوذ

نگاه کن...

چه زیباست قامت استوار او

در تک تک انسان های معتقد

و چه پرامید و بی تردید است نگاه او...

در خیزش دوباره اش...

جهان به یک باره...

زیرو رو خواهد شد

دور نیست آن روز

و طلوع آفتاب... اگر چه با تأخیر

ولی ... حتمی و ناگزیر

وین اکتبر 2017

جهان بی مرز

ما سربازان جهان بی مرزیم
و رهروان راه پیروزی
آن زمان که...
فریاد اعتراض جهانیان
هجوم وحشیانه آمریکای بربر را
در 2003 ... به عراق ... منع می کرد
بوش بی گوش...
نشنید و حمله کرد
پس از کشتار نیم میلیون ...
و ویرانی
ایجاد هرج و مرج...
تا خود امروز
و کشیدن سطح رشد جامعه ...
دو قرن به عقب
اساسنامه ای در خور...
طرح های خانه برانداز آتی خود

مکتوب کرد و مهر

این اساسنامه ... از بن

انعکاس راستین قانون جنگل بود

حال چرا و چگونه ...

این اساسنامه قانونی ست؟!

ما سربازان جهان بی مرزیم

و رهروان راه پیروزی

شطرنجی کردن ها...

و خود مختاری های... با مهر آمریکا

اهرم سلطه جهان خواران است...

و باور آن... تأیید حمله و کشتار

قصاوت و غارت

قبول سلطه جنایت کاران

و از عجایب عصر ما...

که حامیان آمریکا

برای فریب مردم

امروز خود را از پیروان لنین...

می خوانند!

ما سربازان جهان بی مرزیم
و رهروان راه پیروزی
و شنا را دربرکه و حوض نه
که بر امواج دریاهاى آزاد...
می آموزیم

و تا زمانی که...
امپریالیسم... جهان را برای سلطه
خرد و کم زور و مطیع می خواهد
ما دفاع از مرزهای جنوب را...
حق مسلم مردمان جنوب
و دفاع از شرف و عزت انسان جنوب
مبارزه... علیه بردگیش
و اربابی بربرهای طماع شمال... می دانیم

ما سربازان جهان بی مرزیم
و رهروان راه پیروزی
و روشن است...
که آمریکای صهیونیست...
برای غارت نفت سوریه
سپاه اوجالان را... بی اوجالان می خواهد

و در پی کاشتن تخم جنگهای صد ساله
و خدمت است...

به کارخانه داران سلاح سازی آمریکا
و برداشت یک طرفه

ما سربازان جهان بی مرزیم
و رهروان راه پیروزی
و جهان را در صلح و آرامش
عاری از هر گونه تسلیحات هسته ای
یا غیر هسته ای می خواهیم

لیک آنگاه که... امپریالیسم آمریکا
با تکیه بر سلاح هسته ای اش...
جهان را... به زیر سلطه می خواهد
و خلع سلاح هسته ای در جهان را...
به بهانه واهی موجودات فضایی
هرگز نمی پذیرد

ما نیز ...
تجهیز مثل را به سلاح های هسته ای
و غیر هسته ای ...

در دفاع از خود...

حق بی چون و چرای... مردمان جنوب می دانیم

ما سربازان جهان بی مرزیم

و رهروان راه پیروزی

و برای مرزهایی... با گل سرخ

می جنگیم

و مردمان زمین را...

با قطع نظر از هر جنس و نژاد...

شمال یا که جنوب...

یک خانواده می دانیم

و می تپد نبض... بر جدار رگهامان

در حمایت از تمام کودکان زمین

و خوشبختی انسان را... تنها میسر

در عشق بی حصار...

به سوسیالیسم می بینیم

ما سربازان جهان بی مرزیم

و رهراوان راه پیروزی

و زمین را در صلح و عشق... آرزومندیم

لیک... مادامیکه صهیونیسم هیولا

... جان دارد

و کارش آشوب جهان است ...

برای سلطه و غارت

ما سوار بر مرکب امید...

به پیش می تازیم

گر چه میدان عمل...

ظاهرا بی سر و سامان

لیک بزودی... همگی زیر یک پرچم

گرد خواهیم آمد

و حصارهایی از جنس نور

اتحاد ما را رقم خواهد زد...

حصارهایی بدور از التقاط نفوذی ها...

و با

حذر از... راه کارهای صورتی... بجای سرخ

حذر از... نوشدارو... از دستان دشمنان مردم

حذر از... توجیه وسیله برای هدف

حذر از... نادیده انگاشتن هرز و خطا

حذر از... فرار... از انتقاد ز خود

حذر از... آتش... با سنگ ریزه و بال مگس ...

بجای آتش عدس!

حذر از... زندگی... به سیاق کلاغ...

حذر از... آنچه که نیست...

در شأن عقاب

عقاب... انسان طراز نوین است

انسان زیرو رویی و تغییر...

و هوشیار

با نگاهی تیز... علیه هر تبعیض

با عشق بی مرز...

به خانواده بزرگ انسانی...

با تنوع نژادی

پر قدرت...

مسلط بر خود و غرایز بدوی

همه جان... شعله های انقلاب

رها... از هرگونه اعتیاد...

آزاد از بندهای بردگی

ستون هستی اش اراده...

ایستاده چو سرو

آراسته...

با گستره وسیع معلومات... به روز

هوشیار... پاک و پویا...

رها از حسادت و... بد خواهی
با بیانی محترمانه...
و به دور از تهاجمات لفظی
با شخصیت...
مدافع حق و شرف ... و حرمت انسان
نه ساکت... در برابر ظالم
مدافعی هوشیار و شجاع... از مظلوم
فائق بر حساب های حقارت بار حفظ " من "
و هر گونه فرصت طلبی
زالال... خالص و زیبا
با عشقی به وسعت دنیا
بیگانه با دروغ و ریا
قامتش ورزیده پاک... متناسب... زیبا
و لبخندش ...
برآمده از تالووی خورشید درون
ما سربازان جهان بی مرزیم ...
و رهروان راه پیروزی
اولین گام اتحاد ما...
انتقاد از خویش است

و دادن الویت...

به راه پیروزی ... بجای " من "

و صد البته...

انتقاد از خود...

برای لوطی...

با سبیل های چرب از دمبه... افت دارد !!

ولی برای عقاب ... انسان زیبای طراز نوین

انتقاد از خود...

تراش الماس وجود است

اهرم قدرت... و اتحاد

اهرم زیر و روی و تغییر

اهرم روابط خالصانه... صفا... و پویایی...

و فرهنگ دوستی و پیروزیست

ما سربازان جهان بی مرزیم

و رهروان راه پیروزی

ومی لرزد...

هستی جهان خواران... از تصور اتحاد مان

ازین رو ... به روز می کنند مدام...

سلاح های نفوذ و تفرقه را

مرگ ابدی

بر فریبکاران... و نفوذی ها

نوکران استعمار و جهانخواران ...

که با نقاب چپ... و با هدف...

جا انداختن ایده های غلط... و تفرقه

در صفوف مبارزان... رخنه کرده و می کنند

جاودان باد مارکسیسم لنینیسم

اوج فرهنگ... و شعور ناب انسانی

وین 17 نوامبر 2017

نه به فریب

نه به سبز سیدی... نه به فریب

نه به یا حسین و نه ... به میرحسین

نه به اصلاح رژیمی ...

از بن و ریشه فاسد

نه به بیت رهبری... و خبرگان رهبری

نه به کودتا و کودتا چیان

نه... به دجال و خرش

سید علی و احمدی

نه به کروبی مهدی...

تازه دوماه شهدا

نه به خاتمی محمد...

حامی و پشتیبان ولایت فقیه

نه به هاشمی و...

قتل های زنجیره اش

نه به تاجبخشی او... به سید علی

نه به آمریکا و... دسیسه های انگلیس

نه... به درد سرطان... نه سفلیس

نه... به حيله و ریا

نه... به فتنه های... ام آی سیکس و سیا

نه... به نقاب های مذهبی

نه... به دزد ها و دغل های مکتبی

نه... به زندان و شکنجه... اعدام

نه... به افتادن ملت... در دام

نه... به پاسداران رانت خوار و قاچاق

نه به تحمیل نفرت بار حجاب

خسته شده ایم ... از بی داد

حال... همگی یک فریاد

آری ... به خیزش مان

و آفتاب روشن فردا...

پیش رویمان

وین دسامبر 2017 ... 1396

پایان دکه های رهبری

آهای فعالین... و هوادران

در احزاب ... و سازمان ها

از چپ ...

تا جمهوری خواه... و ملی گرا

که همه... از وحدت گریزانید

و فارغ از... مرگ زمان

و انتظار... دست غیب!

وقت تنگ است

هزاران دست بسته

در زندان ملا ... گرفتار و اسیر

تحت تجاوز... شکنجه

آویزان... از تیر دار

یا در صفِ باران تیر

و یا... شسته دست

از جان خویش... در اعتصابات غذا

درگریز... از مرگ تحمیلی

به نام زندگی... در سوله و زندان

دیروز...

ناله های مادرانِ آشکارانِ آبشواران

طنین انداز بود... در ایران

امروز...

ضجه های مادر... سینا قنبری

ملایان انگل... با هزاران دست و پا

چسبیده بر ایران

باز... کهریزک

کشتار... و تجاوز

در زندان ها... سوله ها

به نام دین... و مذهب

جاری و... از نو به پا

و آمریکا... دوباره با وقاحت

باز... با لقمه تازه... برای ما

و با وسعت...

در عرصه تبلیغ

سعی در... غالب کردنش... برملت

و ما ...

با احزاب و سازمان هایی پراکنده

خرد و کوچک...

در غفلت دائم... از وظیفه

غرق در رویاهای من برتر

که در آن...

اتحاد احزاب ... و سازمان ها

همواره... می نماید پوچ

و نجات ملت و میهن ...

خارج از... مسئولیت

جان ملت مفت... بی ارزش

و تنها مرگ... راه نجات ملتی

غرق در انواع بحران ...!

استدلالات تکراری...

انفعال... میخ در نقطه اول

بس ملال آور

باید امروز... بپا خیزیم

باید بر بندیم

تمام دکه های رهبری

همه... در یک تشکل

برای خدمت... به ملک و ملت ایران

مردم مظلوم و بی حامی

همه در یک جبهه... با عزم براندازی

به پا خیزیم

در شاهراه واحد... ضد امپریالیسم و

ضد ملا

بر کنیم از ریشه

رژیم فاسد ملا

و کنیم از بن قطع ...

هر دست استعمار

از سر ملت

وین 8 ژانویه 2018

چون کمونر ها

به درازا کشید سکوتت عزیز من

بهتت برای چیست

مسئله ... بسیار ساده است

استعمارگران انگلیس... و آمریکا

حرص تسخیر غنایم و غارت

کورشان کرده

داعیه سلطه دارند... بر ملتی

که بزعم آنان ...

هنوز قابل غارت است و صغیر

و ملت ایران...

پس از دادن یک عمر باج و خراج

به این قلدر... یا که آن قلدر

امروز... زخمی ...

زیر بار فشار و درد

بی تشکل است و رهبری ...

و با گذشت زمان...

هر روز نزدیک ترمی شود

آن روز فاجعه...

روز شطرنجی کردن... خطه ایران

یا... احزاب و سازمان ها

برای نجات میهن و ملت

متحد شده... پی می ریزند

یک شورای رهبری

یا بار دگر... این... یا که آن استعمار

می رباید ز چنگ دیگری

فرمان رهبری

و شروع می شود دوباره...

فصل نوینی از غارت ملت ما

با شمایل نو... برای نیم قرن آینده

که دوباره... در این دور تسلسل

رسد نوبت به دیگری

و می پیچد...

در انعکاس مکرر خفت و درد

و ضبط می شود دوباره...

صدای شکستن کمر ملتی...

در مبارزه بی تشکل... و رهبری

سکوت تو...

آخر... می کشد ما را

و بهت برمعادله...

با تاخیر نیم قرن ... یا که بیش

نمی دانم... برای چیست؟

باید چون کمونرها ... متحد شویم

و بپا خیزیم و بشکنیم

این دور تسلسل های استعمار

و خفت ... این سلطه های تحمیلی

یا با بلوغ سیاسی... و عزم آهنین

ایجاد می شود ... شورای رهبری

و می گیرد به دست خویش

فرمان رهبری

یا که...

از دست می دهد... دوباره این ملت

در کشمکش های مکرر... امید و

هر چه مانده...

بی تشکل... و رهبری

یا احزاب و سازمان ها

با اتحاد... و ایجاد شورای رهبری

نشان می دهند... بلوغ سیاسی خود

یا که استعمار دوباره...

بر تن یک مترسکی

می کند... لباس جدید پادشاهی و رهبری

دیروز ... نه برای کمک

در مصیبت و جنگ

صرفاً... برای تحمیق توده های عراق

ملا فرستاد...

از بودجه گرسنگان ایران

هفتاد کیلو... نوشته های طلا

در جایی که بازماندگان زلزله کرمانشاه

مانده در سرمای...

که رسیده... تا به مغز استخوان

در چادرهای پاره از طوفان

و کودکان گرسنه بی رمق بیمار

و مردان... در حال انفجار

حرام باد بر مسجد ...

چراقی که روا بود

بر مردم زلزله زده... در سرما

بر ویرانه های کرمانشاه

ننگ و نفرین ابدی

بردسیسه ها ... و مرام و مراد ملایان

در تحمیق مردم دنیا

و ترویج فتنه های استعمار

اگر ملا ... خادم انگلیس نبود

هرگز نمی توانست ... هزینه کند

نان و داروی کودکان ایران را

در امر فریب و دغا

ملایان ...

این کلان دزدان هزاران هزار میلیاردی

این خادمان و پا بوسانِ ماسون های انگلیس

دیروز ... در مشهد

بریدند دست دزدی ...

بیکار و فقیر

به صراحت باید گفته شود... هیچ مرضی

وحشتناک تراز...

سکوت و بی تفاوتی ها نیست

فراموشی ... فرصت طلبی

بگذار بگذرد خر من از پل ...

نه کار یک انسان

لیک متحدان ...

همیشه در میدان

با افتخار و فعال ... چون انسان

وین 20 ژانویه 2018

غبار آمریکایی

می دانم ... می دانم

که انسان میرا

و مرگ... همزاد زندگی است

ولی کشتار... یک امر طبیعی نیست

غبار ریز گرد ها ... یک امر طبیعی نیست

زنجیر زلزله ها

با نور و صدا

یک امر طبیعی نیست

و سکوت و تحمل...

درمقابل تجاوز و تحقیر

یک امر طبیعی نیست

واکنش های ما... بطنی ست

واکنش های ما زنگ زده

واکنش های ما ...

کندو کاهل و کودن

سکه ما... دیر می افتد

ما دیر می جنبیم

ما دیر... فریاد می زنیم

اعتماد بنفس ما را ... خرد کرده اند

حرف ما ... همیشه بی ارزش

و حرف های دگران... درّ و گوهر است

ما سست... و در رخوت

ما از جنس توده های خام

بی تمایل... برای بلوغ

ما در باور شدید... در هیچ بودن خود

و غرق در... حقارت ملی

چه پهن است سفره ما

برای پذیرش انواع لقمه های استعمار

و چه نرم و مطیع... در تطبیق خود

با نیرنگ های رنگارنگ

و فتنه های استعمار

مشخصه ذاتی ما شده ... دیر جنبیدن

حرکت ما ... کند و کاهل و کودن

همخوانی ما... با سرعت و زمان

هرگز نمی گذرد... از مدار صفر

چه سخت است

ارتباط و تماس ... با ما فعالین سیاسی

این سکوت و صبری...

این تومأئینه های کشنده

از رسوب هزاره ها تحمیل تحمل

از هزاره های سلطه تیغ

که ما امروز...

وارثان گم گشته ... و خانه خرابانیم

ما نه روشنفکر...

ما نه همگام با نیاز زمان

ما نه سوار بر امواج ... و نه پیشتازان

ما نه دیروز ... و نه امروز

ما مات مانده بی فردا

کدام انتخاب ... کدام راه ... کدام چاه...

ما صدا را می شنویم

سکوت را نه ...

ما صدا را... ارزش

و سکوت را فاقد آن

ولی...

سکوت فریادی ست... از اعماق خاموشی

سکوت ... فاصله است

و این فاصله های کوتاه و بلند

با ارزشی ... نه کمتر از صدا

در پیوندی تنگاتنگ ...

و مکمل آنان

رسانای خبراند

و گاهی سکوت ... خود به تنهایی

خالق یک معنای معتبر است

و غیبت ما ... از نیمه خاموش

فقط همراهی مان می کند...

تا اعماق بی خبری

تناوب پی درپی... در خیزش مردم

و زنجیره زلزله ها... در سراسر ایران

تناوب تظاهرات

و افت و خیز اعجاب انگیز غبار

این ارتباط گسست ناپذیر...

دارد به ملا می گوید

انتخاب تو این است...

که ما می گوئیم

و گر نه

مجازات می شوی با زلزله و غبار

و خیزش مردم و سرنگونی

و از سوی دگر...

به رگبار بستن مردم است

توسط ملاست

ما... غرق شده ایم بین مصیبت ملا...

و تجاوز آمریکا ... و تحقیر

نود و هفت اقدام خود کشی... در یک روز

این سکوت...

فریاد ملتی ست جان بر لب

از سقوط به هیچ

این است ذلت تحمیلی...

از فتنه های ملا ... و آمریکا

ملا دارد ...

برای اشاعه افکار امام زمانی
و استعماری خود
از زندگی مردم ایران ... هزینه می کند

امروز حقیقت را باید گفت
افشا باید کرد...
این بار... باید از جا کند
کاخ استبدادی... ملایان
بر خطه ایران را

هیچ قیامی ... شایسته تر از قیام
در دفاع از عزت انسانی نیست
نه که آمریکا... در ادامه تحقیر ملت ما
از وارث تاج و تخت...
کودتای ننگین سال سی و دو
لقمه گیرد از نو...

رهبری... برای ملت جان بر لب ما

نفرت از غرق شدن... در تکرار
در مدار بسته سرمایه... و استعمار

نفرت از اختناق و...

زندان و شکنجه و خفقان

بیدار باید سازد

خشم خفته... در هستی هر ایرانی

و شعله هایش... باید که بسوزاند

دست هر مداخله گر

که دوباره تحمیل کند...

یادگار کودتای ننگین... بر ما

این آخرین خبر است

رهبری ایران فردا... نه یک فرد

یک شورا... می تواند باشد

وین 14 فوریه 2018

چادر و امپریالیسم

لطفن ...

در دفاع از حقوق زنان

داستان های عاشقانه مگو

چون... ملا هم با تو سل

به قد و قامت و زلف زنان

کردشان در کیسه سیاه...

و در زندان

پشت این سکه ستایش از... زلف و پیکر زن

"ضعیفه" حک شده است

پشت این ستایش از تن زن..

سرکوب و تحقیر شخصیتش

و... سلطه نوکران امپریالیسم

با نقاب مذهب... حک شده است

دفاع از زن ... با دلائل سخیف سکس ابزاری

چندش آور... و نفرت انگیز است

دیدن زن.... به عنوان ابزار تمتع جنسی

و یا که زاینده

ریشه اش ... در منطق نکبت بار نظام سرمایه

فئودالیسم... و برده داری

نهفته است

دفاع از حقوق زنان ...

هست وظیفه همگان

به لحاظ... سد سرکوب و هر تبعیض

و تحقیر هر انسان

در مبارزه برای رهایی انسان

از نابرابری های حقوقی ... جنسیت و نژاد

طرح ستایش از زیبایی های پیکر و مو

انحراف از اصل مسئله است

فرقی نمی کند... زشت یا زیبا

یک انسان دارد به بند کشیده می شود

در جایی که حق مسلم اوست ...

آزادی و... حقوق انسانی

امروز ... معیار زیبایی

در درک مصائب انسان

در گستره بی مرز زمین

مستتر است

و زیبایی بی مرز اندیشه

در تلاش ... ره یابی ... برای نجات انسان

از بند تحقیر... استثمار و استعمار

چراغ روشن جهان زیبایی ست

سلطه ملا... گره خورده با تحمیل حجاب

چون ماموریتش ... سود رسانی

به صاحبان کارخانه های پارچه بافی

از سرمایه داران چند ملیتی ست

فروش پنج شش متر پارچه...

برای یک چادر...کم نیست

سود هنگفتی ست... برای اربابان

از طرفی دیگر... با تظاهر به دین داری

فساد ... غارت و چپاول... تحت نام دین و خدا

بس آسان تر

ملا... نوکر سرمایه داران بزرگ

و مأموریتش...تحمیل خواست آنان

با تفنگ و توسریست

و عزل خواهد شد ... در قصور از مأموریتش

ملای دلال...

مأمور نابودی تولیدات ایران شده است

اسلامیسم ...

از هر نوع و گروه

اهرم امپریالیست ها ...

و سرمایه داران بزرگ

و نفی حجاب...

مبارزه با منافع سرمایه داران چند ملیتی

و سلطه آنان ... بر ایران و جهان

اکبر رفسنجانی... حامی قتل های زنجیره ای

در قفس کرد ... زنان را با چادر

و شروع کرد ... از دانشگاه آزاد اسلامی

گر چه... مبارزه نفی حجاب

به نظر رهایی زن... از قفس است

از طرفی دیگر ... در تضاد است

با منافع جهان سرمایه

آغاز خانه تکانی بزرگ ... و تخلیه است

آغاز انقلاب علیه امپریالیست ها...

و نوکرانشان ملا

اعلام موجودیت ملتی باج نده

و خواهان اقتدار... بر سرنوشت خود است

زنان دلاور ایران ...

در خط مقدم این عصیان

با پشتوانه خشمی... عظیم و توفنده

از کراهِت قفس... اسارت و توهین

ستوه سیاه و ...نبرد در زندان

دفاع از حقوق زنان ...

شکستن... سلطه ملاست

ابراز شرافت انسانی ست

دفاع از... رهایی ایران است

وین 5 مارس 2018

خجسته است نوروز...

خجسته است نوروز... زمانی که

همت و قیام پرخروش کارگران

کشاورزان... و ارتش گرسنگان

به لرزه درآورد ایران

خجسته است نوروز... زمانی که

قیام دلیرانه زنان

با حمایت مردان

زیر و رو کند ایران

خجسته است نوروز... زمانی که...

اتحاد نیروهای چپ و ضد امپریالیست

رهبری کند... قیام ملت ایران

خجسته است نوروز زمانی که...

لاشه متعفن و استعماری رژیم ملا

دفن شود برای ابد... درایران

وین 20.03.2018

چه زیباست قیام تو

چه زیباست قیام تو... ای کارگر

چه با شکوه است ...

هجوم تو... ای برزگر

بی خلل باد ... اتحادتان

که ریشه پوسیده ملا...

برای ابد

بر کنده خواهد شد... با تلاشتان

اتحادتان... ربوده خواب

از چشمان دشمنان اتان

با عصیان بی دریغ و...

شعله های خشم اتان

ملا هنوز...

در تلاش برای نجات سلطنت اش

با بی شرمی حیرت آوری

به منبر می رود...

که این انقلاب...

برای اسلام بوده است

نه برای ... آب و نان و زندگی

یا... رفاه کارگران

و... گزمه هایش

در دروازه های شهر و ده

شلاق می زنند ...

و دستگیر می کنند

و فریاد می زنند

که این لا مذهبان و بی دینان

امروز... آب می خواهند و... فردا نان

و پس از آن ... کار

و سپس...

حق بیکاری و بازنشستگی

و بعد... چاره درد پيله دندان

حیف نان است...

که دهیم... به این پابرهنگان

زندانی اشان کنید

نه ... نه

بنا بر اظهارات روح اله ...

اولین ولایت فقیه

نداریم در اسلام... زندانیان سیاسی

اعدامشان کنید

ملایان سراسر فاسد... و بی شرم

ملایان جانی... و دزد و ستم پیشه

اجیران اجنبی اند...

از بن و... از ریشه

و این رژیم ... از بالا

تا به نقطه پائین

سراسر ... ننگ و نفرت چرکین

بر خیز... ای عزیز من...

که با گذشت هر لحظه

می میرد کودکی... از بی آبی و بی نانی

از تجاوز... و ستم

از غبار پیا خاسته ... از خاک تشنه زمین

از تک سرفه های سل ... سرطان

و از هزار و یک... درد بی درمان

آب تمامی اقیانوس های جهان...

نیست کافی... برای خاموشی

این شعله های... نفرت پنهان

ای... زحمتکشان

ارتش گرسنگان...

نقش کردم... بر ساتن سرخ

تصویر حامیان راستین حقوق شما

تقدیم با عشق

و خواهان پیروزی های شما

وین 1.5.2018

سفارت آمریکا

جهان... نه فقط شاهد ارشلیم

با سه هزار زخمی... و شست کشته

به هر جایی که آمریکا... قدم گذاشته

و می کند... سفارتی بر پا

شکل می گیرد... سریع در آنجا

انواع توطئه ها

سفارت آمریکا... نماد کودتا

دسیسه ... جنگ افروزی

سفارت آمریکا...

مرکز تعلیم نیابتی ها...

علیه کشورهای منطقه و جهان

اداره تمامی سفارتخانه های آمریکا ...

به عهده خود فروختگانی ...

که چون ربات...

برنامه ریزی شده اند

برای ... قتل و غارت مردم

ایجاد ویرانی ... بیماری

انواع مقاصد ضد انسانی

با هدف سلطه آمریکا... بر کل جهان

سفارت آمریکا

مرکز خرید های کلان

و پخش انواع افیون

سفارت آمریکا... محل آزمایشگاه هایی

برای پرورش انواع باکتری ها... و ویروس

و مضحک تر این که ...مرکز

دفاع ظاهری از حقوق مردم

با حيله های نفرت انگیزی...

که آن را حقوق بشر

و یا... حمایت از دموکراسی... می خوانند

سفارت آمریکا...

محل فتنه صهیونیست های آمریکا ...

در هر کشور

برای جاسوسی ... ترور...

توسط قاتلین ... تعلیم دیده

برای انواع قتل عام ها و کشتار

سفارت آمریکا...

مرکز طرح و برنامه... ویرانی های عظیم

تغییر مرزها...

با هدف حاکمیت جهانی آمریکا

خرد و بی ارتش کردن کشور ها

و تصرف معادن و منابع عظیم کشور ها

ایجاد نقشه های جنگ ...

و اشغال جدید

در انتخابات اخیر آمریکا

مقام ریاست جمهوری آمریکا

مشروط ... معامله شد

دادن ریاست جمهوری... به یک فاشیست

در عوض

بردن سفارت آمریکا...

از تلاویو... به ارشلیم

دفاع ... از

قتل عام فلسطینان

رانده شدن...

از خانه و میهن شان

"نکبت"

و تکمیل برنامه اشغال فلسطین

ای انسانهای تمام کشورهای زمین

ما قسم خوردگانی...

با...

نه به آمریکا

نه به سفارت آن

نه به اشغال... و نه... به تسخیر جهان

نه به استعمار و

نه... به حیل‌های استعماری

و می ایستیم همگی

برای فلسطینی آزاد و مستقل

وین 18 ماه مه 2018

جولیان آسانژ

نه فقط... پایمال عمر و زندگی

در زندان ها

بلکه... سلطه نیرنگ را

یک قانون جاری و...

ابدی... خواهند کرد

شرم نمی شناسند...

این حاکمان جهان سرمایه

هر روز...

بیشتر و بیشتر و بیشتر... می خواهند

تعویق عبث است ...

منتظر نباید شد

تمام باستیل های جهان را

باید از بن... کوبید

بشتابیم... بشتابیم

زمان دارد در دستهایمان

می سپارد جان

برخیزیم و... صدا کنیم همه را

و جهان را... با فریادمان بلرزانیم

فرمان زندگی باید...

در دستانِ مردم جهان باشد

با پرش یک آن همگی

زمین از مدار منظومه شمسی

خارج خواهد شد

قدرت ما... در اتحاد ماست

بیانید... به تمام زندان های جهان

حمله کنیم

در زندان ها را خرد...

دیوارها را پایین بکشیم

و تمام زندانیان سیاسی را

بر شانه هایمان ...

از زندان ها... آزاد کنیم

بیانید...

جولیان آسانژ را آزاد کنیم

و ... گردن آویز افتخار جهان

به گردنش آویزیم

نشانی به شکل قلب... بر دایره ای

به نشانه از زمین

با نوشته ای... بر آن

زنده باد انسانیت بی مرز

شامل تمام زمین

بیانید... تمام سلاح خانه هایی را

که بر سر درشان ... نصب شده

کنسولگری ... یا سفارتخانه ...

خرد کنیم

بیانید... پایان دهیم ...

در یک حرکت پر خشم و سریع

به خیال ها و نقشه ها

و آرزوهای کثیف و بی پایان

امپریالیست های جهان

وین 22.10.2018

قهرمانان دهلاویه اهواز

لرزید قلب زمین ...

با تأثر و اشگ

و به احترام سدّ انسانی دهلاویه اهواز

سر فرود آورد

زمان ... به تنگ آمد نفس اش

از اوج زیبای این تهور

و کوبید مهر افتخار...

قهرمانی... این این دلوران جوان

بر پیشانی در حیرتِ زمان

زنده باد جوانان قهرمان...

روستای دهلاویه اهواز

در بیست و دومین روز فروردین

بر دامن شکوفه باران باغ و چمن

باز روان کرد... دشمن

سیلابی بنیان کن

از ابرهای بارور شده...

و جابجا گشته

باران نه... شرشر آب

که سیلابش...

در هم کوبنده خانه و پل

و آغشت همه چیز... در گل و شل

و می روید دار و ندار مردم...

این سیل روان

و می ماند در پی آن

رنج و فقر بی پایان

و هزاران کیلومتر...

جاده های بی پل... ویران

نه... در یک شهر و دو شهر

در سراسر ایران

آمریکا برای سلطه

نیازمند فاصله است

و راندن ملل...

به اعماق فقر سیاه

زنده باد ...

جوانان قهرمان روستای دهلاویه اهواز

دلاوران دهلاویه اهواز

در هوای سرد...

بی هر گونه وسیله سد بند

با رشادت پریدند...

درون یورش سیلاب

شانه بر شانه... پشت هم

ساختند...تپنده سدی

زنده و گرم

در برابر سیلاب

سینه های لخت ... و مملو از عشق انسانی

در برابر شلاق سرد و...

مهاجم سیلاب

تلاشی بود ... جان فرسا

در آن سیلاب و حشتناک و... ویرانی

زنده باد...

جوانِ قهرمانِ روستای دهلاویه اهواز

با تحسین و احترام ...

ثبت شد در تاریخ

با انعکاسی گسترده در جهان

تلاش پر افتخار... این دلاوران

طلوع خورشید مقاومت

و اوج زیبای تسلیم ناپذیری انسان

زنده باد...

جوانانِ قهرمانِ روستای دهلاویه اهواز

وین 16 آپریل 2019 = 27 فروردین

عین ملاست

آمریکا منبع حرص است و آز

آمریکا شر است و...

فتنه پرداز

جنگ افروز است و

دزد و انگل

کارش نزول است و ...

و... قانون جنگل

هیولا... جانی... بی کم کاست

پوسیده مغزش

و... عین ملاست

ملا نیز... منبع حرص و آز است

ملا امتی... انگلیسی

... بچه باز است

ملا نیز... عاشق تزویر و بهتان

ملا نیز... در کار تحمیق جهان

این همه شباهت ... بیهوده نیست

هر دو... از حامیان سخت سرمایه

هر دو بربر و منگ و بی مایه

هر دو... از شاخه های ننگ صهیونیسم

یکی آمریکا و

یکی انگلیس

هر دو از یک جنس اند و ...

هر دو انگل

هر دو حامی جنگ و غارت

یکی در کوکائین و... بعدی منقل

وین 20.06.2019

زندان فشافویه

در زندان فشافویه ... آب نیست

بهداشت نیست

حرمت ...

به جان و تن زندانی سیاسی

نیست

هرچه هست ...

نارواست

لیچارهست ... تجاوز هست

مرگ هست

در زندان فشافویه ...

همه درد ها ... بی درمان

فتنه ها ... جان خراش و پیوسته

و بی امان

که بی دریغ می ریزند

بر صفحه ایستای زمان

و فریاد های زندانی سیاسی ...

زیر ضربات قاتلان ابد

که با وعده آزادی...

توسط زندان بان

شروع کرده اند ... سلاخی

و مشغول اند...

به گرفتن جان زندانی

نه شباهتی به ناله دارد و ...

نه به درد

فریاد غریبانه ملتی ست ...

جان به لب

که آخرین رمق خود را

سهم نعره های جان سوز ... می کند

فوران خون ...

از هزاران هزار زخم عمیق

می نویسد بر صفحه زمان ...

درد نامه ملتی ...

زده زانو... بر خاک زمین

تا به ماند ... از رنج رفته

تا به ابد

و نرود هرگز... از یادها و خاطره ها

تیغ ملایان... و درد

و می جهد ...خون

از جای جای تن سلاخی شده

علی رضا ... شیر محمد علی...

بیرون

او تنهاست

در میان اوباش و قاتلین

بی کمک... و فریاد رسی

و این فریاد ... در اوج قدرتش می چرخد

که خلاصه کند... سرکوب ملتی

با وحشیانه ترین طرفند

در ولع... ضرباتی تند و بی وقفه

بر پیکر و شاه‌رگ و قلب یک جوان

بیست دو ساله...

کارگر انقلابی ایران

طپش تند خون... و فورانش

از فرود سی و هفت ضربهٔ اشیاء تیز

که می کشید با خشم و خروش

سی و هفت خط سرخ جدا گر...

میان ملت و ملا

بر خاک هزاران هزار سالهٔ ایران

خسته و خونین...

از فتنه های سیاه سلطه گران

همه خواهان...

قاتلان... دزدان

با حجاب سیاه استعمار

که در مکتب انگلیس خوانده... فتنه

جمعیت ملایان

وین... 14.06.2019

فردا خیلی دیر است

بار دیگر ...

بر پا خیز ... از جا کن
بنای کاخ دشمن

تثبیت شد...

تورم

بردن نان با سفره

توسط سید علی

و رئوسای ... سه قوه

بریده باد...

دست دراز ملا

از جیب و... سفره ما

40 سال... سواری

لبریز است...

جام صبوری ما

بر خیزیم...

امون ندیم به ملا

بار دیگر ...

بر پا خیز... از جا کن
بنای کاخ دشمن
رها ساز ... از فتنه های ملا
کارگران
زنان و کودکان را

ملا ننگ ایران است
رگ جهل جهان است
ملا دزد و فتنه گر
وابسته و حيله گر
ملا كفتار و انگل
ملا فساد و منقل

بار ديگر... بر پا خيز
از جا کن
بنای کاخ دشمن

شدیم از خفت لبریز
امروز پایان خط است
فردا...
خیلی دیر است

وین 17 نوامبر 2019

زنان نمرده در گور

این فریاد زنی...

نمرده در گور است

این چادر سیاه...

که چهل و دو سال پیش

با شعار تحقیر آمیز

"روسری یا توسری"

بر کاسه سر ما زنان ...

تا به امروز...میخ شده

نماد سلطه امپریالیسم...

بر زنان نمرده در گور است

کسی که حافظه اش یاری نمی کند

به تعداد دفعات فراموشی

از امپریالیست ها ... ضربه خواهد خورد

رنج ارانی ...

در هوای... مسموم زندان

خسرو روزبه ... سیامک

نابذل و کتیرایی... و قتل هزاران هزار

عدالتخواه... در زندان های پهلوی

و حال ... تکرار فاجعه

توسط امپریالیست ها

و کشتار هزاران هزار انسان

در زندان های... رژیم نکبت ملا

ما زنان... بردگان تاریخ ایم

و خوب می دانیم که بردگی

به سود که...

و چرا... ادامه می یابد

و می دانیم

که سوسیالیسم

تنها راه نجات انسان... ز بردگی ست

امپریالیست انگلیس...

که سرکوبگر اعتصابات
و جنبش های کارگریست
از انقلاب صنعتی تا امروز...
بکار گرفته است ...
اهرمی به نام نفوذ
تا به چرخاند جهان را ...
همواره به کام خودش

اتحادیه های کارگران را...
قرن هاست که آبی کرده
همواره اعتصابات...
و جنبش های کارگران انگلیس
دم آخر...
توسط نفوذی ها... تسلیم اند

آمریکا... کپی کرده ...
تجربیات انگلیس
کارش نفوذ ... طرح نقشه...
و رهبر یست
انقلابات رنگی ...

فقط نمونه ای کوچک از

آبکی کردن احزاب... و سازمان های چپ

در سراسر گیتی

ایجاد انقلابات و حاکمیت های خون ریز

از جنس مذهبی... شیعه و سنی

بخش آتشین نژاد پرستی... سلطه

و داغ توده های کشورهای جنوب

تار و مار جان و جهانشان ...

غارت منابعشان

و چادر ما زنان ایران نیز

پرچم پیروزی... و سلطه آنان

که در اهتزاز است... در ایران

و عجیب ترین بخش... کل ماجرا این که

حمایت برخی از روشنفکران

عدالتخواه... و ضد امپریالیست

از رهبری و حاکمیت های مذهبی !

و سعی در روشن کردن مردم...

از خطرات انقلاب های رنگی

و حال آن که... تمام انقلابات سیاه مذهبی

از شیعه و سنی... و انواع جدید

از جنس ناب همان انقلابات رنگی !

و به رنگ سیاه

و نوکران نفودی... و چپ نما

در احزاب

در حذف واژه های صهیونیسم... امپریالیسم

لنین و لنینیسم...

از رهنمود ها

و یاد داشت های فلسفی کوشا

دشمن شماره یک خلق های جهان...

بی شک امپریالیست ها یند

که یک روز...

شاه تحمیل می کند به ملت ما

و روز دیگرش ملا

و ملا... با قساوت تام...

به اهتزاز در می آورد

پرچم امپریالیسم را ... بر سر ما
تا کارخانه های فرا ملیتی...
سالانه میلیون ها توپ
پارچه سیاه بی مصرف را ...
بفروشنند به ملت ها
و با سود پانصد برابری... ملایان
با ایراد خطبه های...
خر فقط ملاست
و روضه ها و نوحه های باب دل
لات و لوت های سید علی
در حالی که می ریزد ... کف زرد و عفن
از گوشه های گاله دهن
سعی در برآوردن آخرین اوامر
بانک جهانی صهیونیستی... و صندوق پول
چادر سیاه... پوشش نیست
اهتزاز پرچم سیاه امپریالیسم است...
بر سر ما
و بند و حصار و حقارت با آن
نابود کننده هزار بعدی فرهنگ ملت ما

و ایجاد حقارت...

شکست جامعه و... بن بست

ما زنان ...

علیه این چادر...

این نماد ننگ و سلطه محض

و پرچم پیروزی امپریالیسم...

بر سرمان

تا به آخرین نفس... می جنگیم

و خواهیم ستاند از نوکران ملایش

اموال به یغما برده کودکان گرسنه کار

بیمار ... بی مسکن...

بی طبیب و... بی دارو

ما زنان ...

حذف امپریالیسم را از اصل مسئله

تسلیم محض ...

و فرار از... برخورد با ریشه

و اتلاف زمان ...

جا سازی شوکران به نام دارو

در بسته های تقلبی ... می بینیم
و سوء استفاده از محرومان را
به عنوان گوشت دم توپ
برای سلطه ...
با شکل نوین می دانیم

توده های حاضر در صحنه
حالت زنی در وضع حمل ... را دارند
کهولت فکری... مسامحه و تعلل
فقط به مرگ مادر و فرزند
و پیروزی امپریالیسم خواهد انجامید

ما زنان ... رهبری جنبش مظلومترین
مظلومان تاریخ ایران را...
به آمریکا نمی دهیم
ما ... با شعار ضد آمریکا ...

و ضد ملا

در جبهه مردم برای نجات ایران
در کنار مردم ایران ...
به پا می خیزیم

و این صادفاه ترین راه را
تنها راه نجات مردم ایران می دانیم

ای یاران کارگر

این فریاد زنی... نمرده در گور است
وقت تنگ است ...

و جدایی ها یک مصیبت تلخ
فقط یکبار از "من و حزب من" گذشته
به هزاران زندانی دم تیغ...
و یورش عنقریب گرسنگان بی سلاح...

بیاندیشیم

وظیفه انسانی ما... که زودتر

در جبهه ای بزرگ

زیر پرچم ضد امپریالیسم ... ضد ملا ...

متحد شویم

و گردونه رهبری را ...

در شورا بچرخانیم

28 دسامبر 2019

ضربه پایانی

من ... نه منم

نه من ... منم

خیل گرسنگان منم...

کودکان کار منم

حاشیه نشینان منم... کارگر و کار منم

دانه امید و کشاورز منم

جوهره کار منم ...

کار منم... کار منم

نیست مرا راه گریز

سد ام در برابر ت ... سخت چو پولاد منم

فتنه ماسون تویی... انگل بی عار تویی

نوکر سرمایه تویی... مجمع اشرار تویی

پست تویی... وبال ملت تویی

نیست مرا راه گریز

سد ام در برابرت ... سخت چو پولاد منم

حرص تویی... آز تویی

دزد دکل ... نوکر سفاک تویی

خس تویی... خاشاک تویی...

مایه آزار تویی

نیست مرا راه گریز

سد ام در برابرت ... سخت چو پولاد منم

صبر لبریز منم... خشم خروشان منم

آتش جوشنده و بی باک منم...

جاریه پر شتاب و بی تاب... منم

سم تویی... مردار تویی

نوکر خونخوار تویی

ذات فریبکار تویی

نیست مرا راه گریز

سد ام در برابرت ... سخت چو پولاد منم

طلوع فردا منم

عشق به انسان منم... عادل و آزاده منم

برابری خواه منم

زالال و پوینده منم

ضربه پایانی و کوبنده

بر بود و نبود تو ... منم

وین 06.12.2019

حزب فقط حزب اله

حزب فقط حزب اله

بودجه ملی

چهل ساله که... چپو میشه

توسط پیروان روح اله

مزه کرده ...

این غارت و چپاول

بی در و پیکر است این

خزانه و نفت و مال

از این رو ...

در می کنه عجزه

ملای پیر پلاسی

از پشت بوم و پنجره...

فقط تیر خلاصی

یا هل میده...

با دستو پای بسته

مردم معترض را

توسد و فاضل آب ها

بی هیچ ترس و هراسی

جوان ...

نشریه پاسداران قاچاقچی

رقبای قاتلین خاشقچی

در دفاع است ...

از انقلاب نوپا!

حرص و طمع... وقاحت

کم نیست

چهل سال پیوسته... غارت

البته که...!

باید باشن... حامی این انقلاب

دزدی هاشون ... از اول

تا به امروز

همه بوده... بی حساب

البته... منظور شون از انقلاب

رانت خواریه

عبور بی گمرکی واردات

از ... اسکله های شخصی

نابودی ... تولید ملی

چهل سال آژگار...

مفت خواریه

گذشته آب ... از سرمردم دیگه

زمان جر و بحث نیست

خیزش انقلابی... در عرصه کل ایران

گارگران... زنان... حاشیه نشینان

گرسنگان... بیکاران

قابل کنترل نیست

حال رسیده ایم به آخر خط

زمانه انتقال و انتقامه

تسویه با حزب اله

این آخرین کلامه

وین دسامبر 2019

انفجار سکوت

زمان تغییر

چه کسی گفت...

من و تو ما هستیم

خلاف رسیده است به عرض

فراتر از هفتاد سال است

که همگی... من هستیم

منفرد... بی قدرت

در حوزه کوچک خود

همگی شاه هستیم

شرمنده ملت خود

از انفعال طولانی

میخ شده... در باورهای موازی

اسیر آیه های مرکزیت

همگی منفرد و من هستیم

دوران طفولیت ما... بس طول کشید

ترسم... نرسیم هرگز

به دوران بلوغ

گر چنین... شیفته من و مرکز هستیم

ایستاده جدا جدا ...

بر سکوهای بلند اسناد ملی درد

با تاج های مقوایی زرد

می خوانیم چون اوراد

راه های موازی

بی پیروزی و فر

و همسرایان هر سکو...

تکرار کنان

با گردش تحقیر آمیز نگاه

سوی همسرایان سکو های دگر

و هیولا با نیشخند... می دزد

نان کودکان مان

و می ریزد خون مان ... با هر اعتراض

در هر شهر... و هر معبر

و در ظلماتِ نمودِ زندان ها و سوله ها

می پیچد ... چه جانخراش

فریاد درد و شکنجهٔ اسیران

در زمین و آسمان

آه... ایستاده زمان

نمی دوند دیگر... عقربه ها

از شرم انفعال ما

آماس کرده زمین

ز اشگ و آه مادران

دود از دهانهٔ آتشفشان

خبر از یک انفجار قریب

می لرزد و می شکافد

می پراند ... با غرش

آتش مذاب ... از اعماق

با غیض و عصیان مهیب

زمان ... زمان تغییر است
ایستادن... در دایره های کوچک خود
شرم و انفعال
و ننگ تاریخی... برای ایران است

بی پرده بگویم ...
فقط دو راه در پیش است
یا...

اتحاد ضد آمریکا... و ضد ملا
وگرفتن فرمان رهبری
و یا...

قبول تشکیلات وابسته به آمریکا
و رهبری

زمان ... زمان نجات مردم...
و ایران است

زمان گسستن از...
خرده مرکزیت های رهبريست
با یک دنیا شرمساری...
از این همه تأخیر

هیچ گروه و دسته و حزبی....

رهبر نیست

بس دیر شده

فقط عشق ما...

به ملت مظلوم و ستمدیده ما

رهبر ماست

اتحاد ضد ملا

و ضد آمریکا... و اقمارش

برای آغاز اتحاد ما... کافیت

اتحاد ما...

برای عدالت اجتماعی ست

برای استقلال است و آزادیست

برای پایان دادن به رنج ملتی

که غرق در...

غار ارتجاع وابسته

جنایت

خصوصی سازی...

و انبوه ظلمات... و سیاهی بی پایان

دسامبر 2019

هلا ایران

هلا ایران

سرای رنج و مظلومان

مرده است ... جمهوری نکبت

و بوی لاشه اش...

نفس بر... مایه نفرت

شروعش انقلاب مخملی

رنگش... سیاهی رنگ

اعماقش... فساد

سراسر ... فتنه و نیرنگ

به پا باید

زمان تنگ است

این جسد... این بوی تعفن

مایه ننگ است

حذر از دفن لاشه...

چون...

روا نیست ... زمین و خاک را

با لاشه گندیده آلودن

باید آغشت... اجزاء جسد را

با نفت سیاه و داغ خوزستان

در سرتاسر ایران

و سوزاند...

در بیست و دوم بهمن

تمام بخش ها...

از آشکار... تا پنهان

هلا ایران

سرود عشق بی پایان

وین 6 فوریه 2020 = 17 بهمن

آتش به اختیار

سید علی... غره نشو

نیستند حریف ما زنها

آتش به اختیارات

بگذر از این خیالات

نوکر بی بصیرت انگلیس...

رهبر دزدا و... یار ابلیس

بزودی...

به همت دلیر زنان ایران

در عوض... این همه گیر و آزار

آویزونی...

از ورودی بازار

دلیر زنان... زدن تو تک و پوزت

افشاء شده

فساد... شب و روزت

عنقریب... تابلو می شه

دزدی و جیب بری ها

با طرفند

ارز و... بورس و... بانک ها

سید علی...

دست بکش ... حیا بکن

باج نده... به انگلیس

سلطنت و... رها بکن

حجاب شده...

روکش زار و ذلت

چسبیدی ول نمی کنی... خزانه رو

زالوی خون ملت

از اول... این انقلاب رنگی

با مهر انگلیسی

تا به حالا

روکش کارهای خطا...

در خفا

تنش و جنجال حجاب...

در کوچه و خیابان

معرکه گیری توی شهر...

با گشت ارشاد و... کلاغ سیاهان!

البته که... قاچاق ارز

نه با کیف و... چمدان

با کامیون های باری!

پوند و دلار ... ویورو

با ارقام میلیاردی

آوردن نام حجاب

توسط سید علی

باز تاب شرطی اش شده

باز دوباره... جیب بری و

اخراج بی حساب ارز

با طرفند...

صعود ارز ...

سقوط بورس

بانک های ورشکسته

وین 14.03.2020

ویروس آمریکایی

کووید 19... کرونا...

ویروس آمریکایی ست

این کشتار جهانی...

فتنه آمریکایی ست

کنترل جمعیت...

از نوع وحشیانه

کشتن های میلیونی

مرام و دکترینی ...

از نوع آمریکایی ست

تاریخ آمریکایی

سرشار... از قتل و غارت

فساد ... جرم و جنایت

طمع تا... بینهایت

ویروس شد جهانی

آزاد عبور از مرز

کشتار شد ... جهانی

این است... مرام آمریکایی

گرچه ترکیب ویروس

ابتکار آمریکاست

مسئول پخش... در جهان

از طریق... قم مشهد فیضیه

رژیم پست ملاست

صبر و سکوت و تسلیم

مایه ننگ و تکریم

ارزش امروز ما

دقت... شعور و همت

یاری... کمک به هم‌نوع

از ارکان سعادت

عواقب کرونا...

هزار درد و ... سونامی

آری آری در راه است

فقر سیاه ... بیکاری

گرسنگی... بیماری

صبر و سکوت و تسلیم

مایه ننگ و تکریم

فریاد امروز ما

با همت و شجاعت

تقسیم عادلانه

دارو... غذا و ثروت

وین 17 مارس 2020

فریبرز رئیس دانا

با فریبرز رئیس دانا

در بم آشنا شدم

بر او درودی دوباره

که همواره زنده است

در یادها و خاطره ها

و نمیرد هرگز آنکه

دلش ... زنده شد به عشق

و بر شکوه قامت استوارش ...

دوباره درود

بر منش والا...

و شخصیت سلیم اش

دوباره بس تکریم

او بزرگواری...

از خیل مردان مبارزِ هم عصرم

او فکوری زیبا و متین

برخاسته با تمامی جان

تا تکیه گاهی شود

برای مردمانی گمگشته...

در زلزله و...

در زیر و رویی های زمین

بم در زلزله...

و لرزش های پیوسته

زانو زده بم ...

در فریاد بلند شبانه

و براستی اندر هم... بشکسته

فریبرز...

پناه بی پناهانِ باخته دار و ندار

یار مردمانی

شده بی چیز مادر زاد

شانه های پهن او...

همواره... بس نمناک

از اشک کودکانی که به یکباره

در آشوب این جهان ...

یتیم و... بی پناه و بی خانه

این مرد ... گذاشته پا بر زمینی

با تمامی جان

جایی که نیست چیزی...

جز خاک و ویرانی... و

درد بی درمان

با قامتی افراشته

گسترده بال های ارتباطی خویش

گشوده آزاد... راه سفر

قطار تهران بم

بم تهران ...

برای همه گان...

تا همه باشند... ناظر و شاهد

که نمانده دیگر چیزی...

از سرزمینِ بم

فرو ریخته... و بشکسته

این نگین یادگارِ ایام باستانی...

و کهن

تا به دادش برسند...

همگان

کار و آمال او...

احیای دوبارهٔ بم

او...

تکیه گاهی... برای کودکان

که غرق اند...

در رنج و بی پناهی و غم

او پناهی شده... برای بم

و خود شده... عشق بم

حک شد نام فریبرز...

تا به ابد ... کنار نام بم

بم زنده است

و فریبرز زنده... در کنار بم

وین 16 مارس 2020

نوروز اینجاست

الا یاران انسان

و... عشق و عدالت

در ایران و جهان

نوروز ... اینجاست

بنفشه... سبزه... لاله

سنبل اینجاست

و پیروزی...

بر آمریکا و ملا

شعاری نغز و... پر معنا اگر

با اتحاد و احترام و یکدلی...

با هم

به جنگ دشمنان وحشی انسان...

بشتابیم

بیاد آریم عید ...

در مسلخ زندان

بیاد آریم عید ...

با سفره های خالی زحمتکشان

خجسته دیدن...

وجوه اشتراک مان

خجسته...

شکوه اتحاد مان

مبارک باد نوروزی

مبارک باد پیروزی

وین نوروز 2020

زنده باد جولیان آسانژ

ترجمه از اصل انگلیسی

در کتاب 8

برخیزیم... برای دفاع از شرافت

برخیزیم... برای دفاع از انسانیت

بر خیزیم تا

از جولیان آسانژ حمایت کنیم

و از عشق او...

به تمام انسان ها... حمایت کنیم

او را دستگیر کرده اند...

چون...

او جنایتهای جنگی آمریکا را

در ویکی لیکس اش...

افشا کرده است

مرگ بر آمریکا...

و مرگ بر نوکران آمریکا

نوکرانی چون...

"لنین مورنو

بزرگترین خائن ...

در تاریخ اکوادور

و در تمام آمریکای جنوبی"

همانطوریکه...

رافائل کوررئا

پرزیدنت پیشین اکوادور...

می گوید

وین 11. 4. 2020

سبک کار سرمایه

شیوه کار... رژیم آمریکا

ایجاد انحراف است...

در اذهان عمومی

با بکارگیری بمب

و در پس هیاهوهای حاصله

دستیابی به اهداف کثیف

اعتصاب ...

و تظاهرات کارگران شیکاگو

برای 8 ساعت کار روزانه

مواجه شد... با انفجار بمب

در اولین روز ماه مه

1886

و سپس... مودیانۀ آمریکا

مقصر خواند کارگران
و محکوم و اعدام کرد... دو کارگر
به جرم جنایت هایی
که خود ... مرتکب شده بود
و گرفت جان کارگران بی گناه...
نیکولا ساکو... و
بارتولومئو وانزتی
با صندلی الکتریکی
سبک کار امریکا...
چنین است
بعد از هر حمله ... و بمباران
می آراید...
صورت زشت و کریه خود را
با نیشخند وقیح
و در توجیه جنایت هایش
می تراشد... بهانه های دروغ و پلید
از بمباران ژاپن 1945 گرفته...
تا بمباران عراق - 2003

روش خاص آمریکا

عقد قراردادها علنی ست...

که در خفا ملغا

تولید سلاح های بیولوژیک

جنگ افزارهای تهاجم کور

علیه مردم آمریکای لاتین

و خاور دور

1999-1940...

و امروز جهان

غرق در ابتلا وسیع...

به ویروس کروناست

آغاز مصیبت... جهان

با... کوید 19

پایان تابستان 2019

و بستن پایگاه نظامی دیتروید

بعثت مرگ مرموز 8000 انسان

علت مرگ؟... ابتلا به گریپ!

کالبد شکافی اجساد...

به درخواست اقوام

اجازه نیافت

و بود ... مطلقا ممنوع!

به شماره قربانیان کوید 19 آمریکا

8000 مرگ مسکوت ...

با دفن پنهان و سریع را

اضافه باید کرد

ای کارگران جهان...

رژیم آمریکا

همسان رژیم جانی ملا

و تمام رژیم های ضد انسانی سرمایه

رذل و فاسد است و بی مایه

زمین را باید رهانید...

از آلایش تمامی آنها

اتحاد و یکرنگی...

بین کارگران جهان

رمز پیروزی ...

در سرنگونی آنان

وین 27 آوریل 2020

هلين بولک

ای گل نو شکفته

بر گستره بی حصار دشت آوازهای عشق

چه زیبا نشست

نغمه شور انگیز جان تو

بر تلاطم جان های بی قرار

و مقاومت ...

چه زیبا می تراود

از آواز و... سرود تو

شوربخش بود و هست

صوت دل انگیزت

در اعتلای انسان ...

علیه ظلم و زور

در عشق بی مرزت

در ستایش... شکوه نور

بلبل خوش آواز کرد ترک...

دریایی از جان های بی قرار
در انتظار شنیدن آواز و دیدنت
ولی تو...
در اعتراض علیه ظلم اردوغان
در انتخاب غمبار...
قطره قطره مردنت

آری راه تو ... آرام مردن است
و نه مرگی زار و منفعل
اعتراضی جانکاه
فریادی بس بلند و طولانی
و ایستاده مردن است

وین 5 آپریل 2020

هلن بولک ، خواننده ترک - کرد، از گروه یوروم، که جان خود را
در اعتصاب غذا، بعد از 296 روز، از دست داد .
اعتصاب غذای گروه یوروم در زندان وحشتناک ترکیه،
برای آزادی زندانیان سیاسی و رفع محدودیت های هنری گروه یوروم
بوده است.

گروه یوروم، گروهی از موزیسین های چپ بودند که به زبان های
مختلف در کشورهای مختلف کنسرت های شور انگیز انقلابی اجرا
می کردند. اردوغان آنان را دستگیر و زندانی کرد. و برخی از آنان
در اعتصاب غذا ، جان خود را از دست دادند.

در سوگ ابراهیم گوکچک

ترکیه!

یقین تو...

تمام قد... بپا خواهی خاست

و زمین... از برخاستن یکباره تو

در جا خواهد لرزید

و با تمام جان

بلند ترین نعره های تاریخ ترکیه را

از جگر... بر خواهی کشید

و با خشم و نفرتی بس جوشان

نظام ارتجاعی ترکیه را

زیرو رو خواهی کرد

ترکیه !

یقین تو...

اعضای حزب بی عدالت... و بی توسعه را

عادلانه...

در مدار توسعه...

آنقدر خواهی چرخاند

تا به بیرونی ترین نقطه...

در مدار زمین

پرتاب شوند

و یقین ...

از شکستن دروازه های زندان های ترکیه

باز نخواهی ماند

ولی من...

دریا ها را خواهم گریست

و هرگز... به جمعیتی که در انتظار باد

برای تنظیم جهت خود

صف کشیده اند...

نخواهم پیوست

خشم عظیم ابراهیم

در قطره قطره مردن را...

در جان ها ...

با لحظه های زندگی

پیوند باید زد

و برای زیر و رویی و تغییر

و رسوا کردنِ طلا خوران جهان

به فریادهای پر خروش

بدل باید کرد

مرگ حتمی ست

و لی چگونه زیستن...

و چگونه مردن

همواره... سؤال باقی!

وین 7 ماه مه 2020

جورج فلوید

نمی توانم... نفس بکشم

نمی توانم... نفس بکشم

جورج فلوید... به زحمت گفت

تنها نیستی تو

در آمریکا...

هیچ کس نمی تواند... که نفس بکشد

پلیس جلاد... با اطمینان

قبل از مرگ جورج فلوید

در جوابش گفت

نه همیشه...

نیازی... به گلوله و آتش

نه همیشه نیازی...

به ایجاد جویباری از خون

روش های... کشتن انسان

بسیار اند... برای نوکران سرمایه

25 ماه مه...

مینیا پولیس آمریکا
عابری ایستاد... لحظاتی
برای ضبط... یک سند مهم تاریخی
از سیاست داخلی رژیم آمریکا
و روال عادی یه... کار پلیس آمریکا

مهد کاذب حقوق بشر
مهد دروغ بزرگی... چون دموکراسی
روز روشن... و در خیابان ها
اعدام بی محاکمه...
و... علنی

پلیس... با تمام سنگینی خود
زانو زده... بر گلوی قربانی
که اسیرش کرده و... زده دستبند
و در حالی که راحت
در جیب دارد دست
گاه... با نوک انگشت
لمس می کند...
شاهرگ و نبض اسیر

تا مطمئن گردد ...

از روند جاری مرگ

لحظاتی کشدار ... که چون قرنی

جلاد بس بی اعتنا...

به فریاد مضطرب مردم

که می خروشد و می پیچد

در خیابان و در فضا

داری می کشی او را... بردار زانویت

از گلوی قربانی

ولی... پلیس بی وجدان آمریکا

مصمم به اجرای قتل اسیر سیاه

به پایان می برد ...

اعدام خیابانی

و سپس ... معمول است

که خبرگزاری ها... گزارش بکنند

جان سپرد امروز ... تروریستی

به هنگام دستگیری...

و در گیری های خیابانی!

هر سال... بیش از هزار اعدام خیابانی

بی دادگاه... و دادرسی

رخ می دهد... در خیابان های آمریکا

پلیس... با دستبند

به دست اسیر شدگان

آزاد است در کشتن او... با زانو

و سیاهان بوده و هستند...

بیشترین قربانی

شیوه زانو زدن بر گلوی قربانی

به پلیس آموخته شده...

و این شیوه... نیز مرسوم است

در دستگیری فلسطینیان

توسط... پلیس اسرائیل

انقلابی بعدی... در آمریکا

علیه برده داری

وسایست های ضد انسانی آمریکا

خواهد بود

وین جون 2020

خرد بزودی دھنت

به سردار محمد یزدی، فرمانده سپاه تهران

ملت بی باک منم

صاحب این خطه و... این خاک منم

جان به لب و... خسته و بیزار منم

رسیده به... نقطه پایان منم

رذل تویی

نوکر بی شرم تویی

چماق جانیان و ملا تویی

چاکر قاتلان و... دزدان تویی

حد نیست ... بر وقاحت

خرد بزودی دھنت

رعد منم ...

تندر و... صاعقه منم

خشم خروشان... منم

آتش سوزنده... وجوشان منم

خس تویی ... خاشاک تویی

لنگه محمود ... تویی

رذل تو ... اوباش تویی

قاچاق بی مرز...تویی

حد نیست بر وقاحت

خرد بزودی دهن

اوج فریاد منم ...

آتش و عصیان منم

خون منم... چشمان بینا منم...

بر باد رفته وطنم

مانده چهل سال سیاه...

حسرت حقم به دلم

حال... به تن دارم کفتم

کف تویی ... گفتار تویی

لرزه بر اندام ...

از خیزش مردم تویی

خائن به... ملت و میهن تویی

حد نیست بر وقاحت

خرد بزودی دهن

وین 16 سپتامبر 2020

پاسدار محمد یزدی،

ملقب به سردار محمد یزدی، فرمانده سپاه تهران، روز گذشته اعلام کرد طرح امنیت "محله محور" سپاه محمد رسول الله تهران بزرگ با استفاده از بسیج، در محلات مختلف شهر تهران اجرا می شود. برای اجرای این طرح پایگاه‌هایی تاسیس شده است. سردار یزدی انگیزه اجرای این طرح را مقابله با اراذل و اوباش و تامین امنیت در سطح شهر اعلام کرد. منظور او از اراذل و اوباش، معترضین به نظام متعفن رژیم ملا است.

تنوع و تغییر

تقدیم به ارامنه هموطنم

از پیوند زمین و دانه... گیاه می روید

و از پیوند انسان و زمان...

تغییر

تغییر اما... نه مطلوب حریصان

و نه مقبول همه خواهان...

استعمارگران... و ملایان نوکرشان...

در ایران

آنان ... با دستانی آهنین..

بر سر انسان

مانع هر رشد و هر تغییر

چسبیده به گذشته دور

و خواهان برده گانی... در اطاعت کور

آنان نه تنها... ضد گردش عقربه ها

بلکه مبتکر کشیدن زمان... به عقب

نه قرن ها... بلکه هزاره ها

آنان ضد بیداری... و هر آنچه که کند

دستان دزدشان را...

از خزانه ملی دور

آنان با نقاب سیاه مذهب و دین

با توسل به صیغه سراها... و شهوت کور

ورد و دعا...

خرافه و زور

شوک های اجتماعی پی در پی

ایجاد سکوت

وبستن روزنه ها ...

وسد تابش نور

هیچکس نمی داند... که هر صبح

وقتی از کنار تپه سر سبز دامنه ریل های قطار

ناظر بر گستره واقعیتهای... می گذرم

چقدر خوشبختم

پوشش گیاهی تپه ... نه از کشت یک دانه

از دانه های متنوع... و بشمار

برگ های پهن بزرگ

آرمیده در کنار ساقه هایی بس نازک

برگ هایی قلبی ... پنجه ای ... بادامی

در نجوا... با ساقه های گیاهانی

با پرزهایی طلایی و نرم ...

همانند خوشه های طلایی گندم

و گیاهانی...

با گل های ریز زرد و بنفش

زیر چتر مجموعه گل های سفید

همزیستی در آرامش... ایجاد این همه زیبایی

همگی... سرشار از نور آفتاب

همگی... سیراب از قطره های باران

خاک خوب و آزادی... برای رشد

هیچکس نمی بیند ... وجد مرا

از زیبایی این همه تنوع...

در پوشش سبز

و این که... چقدر بی تابم

در انتقال تحسینم...

از اعجاز این همه تنوع

و زیبایی ... به دگران

برای محو سلطه حریصان همه خواه

از ایران و جهان

و آغاز یک تغییر

وین 8 اکتبر 2020

ماه آبان

هر ماه ما... آبان است

دفن رژیم ملا

وظیفه عاجل...

ما مردم ایران است

از پوست و پی ...

تا مغز استخوان ها

این جنازه ... گندیده

به هر عذر و بهانه ...

تعویق دفن

مهر ننگی ...

بر چهره ایران است

وین 14 نوامبر 2020

من سیه نمی پوشم

من برای مهسا امینی

که قتلش توسط ملا

لرزه انداخت به جهان

سیه نپوشیدم

من برای شیر علی محمد ...

کارگر جوان

که سلاخی شد... در زندان فشافویه

و فوران کرد خون...

از 37 جای تنش

سیه نپوشیدم

من برای هزاران...

انسان شریف و شجاع

که در انتقاد از ملا...

سلاخی شدند

در سوله ها و زندان ها

نیز... سیه نپوشیدم

اساسا من دیگر... سیاه نمی پوشم

سیاه ...

رنگ انقلاب رنگی انگلیس... و ملا

سیاه رنگ کلاه گشادی...

که رفت بر سر ملت ما

سیاه... رنگ تحجر شیعه

سیاه... رنگ قرن ها عقب ماندگی ...

به دلیل تحمیل اراجیف ملا

سیاه رنگ غارت و جنایت

رنگ شارلاتان ایسم

به زیر نام دین و خدا

سیاه... رنگ استثمار ملت مان

سیاه ... رنگ استعمار ملت مان

سیاه رنگ خصوصی سازی

توسط ملا...

و نوکران سیاه پوش استعمار

سیاه رنگ غارت ملی

سیاه... رنگ خود فروشی دولت

سیاه ... رنگ دروغ پشت دروغ

سیاه رنگ... لگد مال کردن ...

حقِ هر کودک

سیاه رنگ اهانت...

به جان و تن زن

به کارگران ... معلمان ...

و پرستاران

و باز دارنده تپش نبض هر انسان

مجموع این همه...

و نیرنگ های اربابان

در پیوند با ملایان

همه ممکن...

در پشت تحمیل... این ظلمات

و این حجاب سیاه

نه ... من دگر سیه نمی پوشم

چهل و سه سال

عزا پشت عزا

هر قتل و هر غارت

و ناروا...

به نام دین و خدا

جان بر لب شدیم آخر

مرگ... هزاران بار بهتر

از تحمل این همه نیرنگ...

به زیر رنگ سیاه

وین 26 اکتبر 2022

قطار 28 خرداد

تقدیم به سازمان ها و احزاب

دوووو.....دووووو.....دووو پوف....

سوار شو عزیز من

دارد می رود ز دست

دوباره زمان و امکان حرکت

و این قطار...

چون قطارهای قبلی

باز می رود از دست

و ما می مانیم و ... جهنم ملا

نگاه کن به زیر پایت...

نیست این علف

سبز شده... درخت!

گم می شود خط ...

با مکث مدام در یک نقطه

و ذلت ... صعودی می شود

با تکرار هر فاصله ... و مکث

منتظر چه هستی ... سوار شو
در چند سال اخیر
حرکت قطارها بود... هر دو سالانه
متحد و سوار نشدی... افتاد فاصله
سار از درخت پرید...
رفت شانس ما ز دست
گر نجنبیم... باز سوت کشیده ...
و می رود این قطار... نیز
ما می مانیم و...
عذاب وجدان... ملا و شکنجه و اعدام
هفت میلیون کودک کار... در خیابان ها
در فشار نکبت و تحقیر
و می شوند شب و روز ...
از مرگ شخصیت لبریز
حراج کرده ملا... کل ایران را
زنان ... آب و خاک و جنگل را
به عمق درد بیاندیش...
رفته ایم از دست

فروش کلیه و... نوزاد ایرانی

راه حلی شده...

برای... رفع فقر و ویرانی

هشت میلیون هموطن...

آواره و غریب

در جهان بی رحم و... پر فریب

و در ایران ... ملایان

بسته اند... دست و پای معترضان

با قفل و... با زنجیر

و در پس دیوارهای هر زندان

خارج از تصور است...

نقش پلید جلادان

شهر آنچنان خر تو خر است...

که باز... سید علی

ارتقاء داده...

جلاد خرفتی را

به مقام... ریاست جمهوری

متحد شو... سوار شو عزیز من

باز می رود این قطار از دست

ما می مانیم و ملتی...

غرق در... فشار و

شانس های رفته ز دست

بر روزنه امید ما...

عنکبوتان جمکران...

تنیده اند تارهای سیاه

بسته اند راه را... بر رندان

و می کشند... پاسدارانشان

عربده... شب و روز

با تکیه بر سر نیزه و... زور

که ای مسلمانان... فقط

وفاق و اطاعت از رهبری لازم

در عنادند با حقوق کارگران

طبق طرح های بانک جهانی

و خصوصی سازی

بی اجر و آینده اند... کارگران ایرانی

دووو...دووو...دووو

سوار شو... گویی

چهل و دو قرن گذشته بی تغییر

کشت مرا ...

زهر این طمانینه

بیست سال است... که می کشم فریاد

متحد شو... سوار شو ... رفیق

نیست راه دیگری جز اتحاد

برای یک تغییر

ایستاده ای بی حرکت

و هر قطاری که می رسد از راه

می گویی...

نمی خواند با ترازهای من... دقیق

بگیریم چرخ فرمان را

و بچرخانیم همگی...

از سلطه سیاه ملایان

به سوی آینده روشن فردا

وین جولای 2021

شیار خونین استعمار

از زیر نرده های زندان ...

خون گرم...

پلپ... پلپ ...

با تپش جاریست

گاه تند و حجیم

گاه آرام...

لیک همواره و... پیوسته

خون مردان... زنان و... کودکان

دست ها همگی بسته

گویا... بر گستره ایران

کشیده استعمار

شیاری خونین ... و درد ابدی

که می سوزد... و می سوزاند

از کشتارهای امروز

تا زخم های خونین ازلی

فرمان قتل ها... صادر می شوند

به عزم استعمار

لیک... مجریان بی وجدان

همگی ...

از خود فروختگان... ایرانی

زندان نه... سلاخ خانه

فرقی نمی کند...

شاهنشاهی... یا که ملایی

ملایان... زن فروش اند

و نیست مترادف با رذالت شان

واژه ای ...

در تمام زبان های... ایرانی

ملایان... ریخته اند خون

و... می ریزند

نه فقط در خانه و در زندان

می زنند تیر... از بام ها و پنجره ها

بر معترضان... در کف خیابان ها

سفیر بریتانیا... توسط مهد علیا

به ناصرالدین شاه... این پیام رساند

خون امیرکبیر...

گرو تاج است و اریکه شاهی

تانه روید هرگز...

در این سرزمین ...

خیالات توسعه... و وطن خواهی

تحمیلِ باور... ضد استعمار بودن ملا

پاشیدن خاک است

به چشمان مردم ما

استعمار... و استبداد

همواره... دو روی یک سکه

تبعید ... شکنجه و زندان

توبه ... دار... تیر باران

همه بخش های تفکیک ناپذیر استعمار

چون ریل ها... و قطار

تحمیل این سیاست... بر ملت ما

اوج ذلت و زاری

خون فرهیختگان ملت ایران

گرو سلطه ملایان... و اریکه شاهان

و... جنجال و روکش دزدی ...

غارت بی پایان... نوکران استعمار

نیم قرن... بلوای حجاب تحمیلی ...

و آزار زنان

نمایش نفرت بار... جداسازی های جنسی

و هیاهوی وا اسلاما... در دانشکده ها

لیک در زیارتگاه مشهد

ثواب دارد... به دلار

حراج زنان ایرانی

سهم ملا ... فراموشتان نشود!

اشاعه فحشا

با صیغه ثواب دار به دلار...

به شرط پرداخت سهم دلالی ملا

حراج زنان ایرانی ست به ساعت ...

به زواران... از تمام بلاد اسلامی

وین 14.8.2022

حاکمیت مردم

فقط ... گورستان هاینده

که آباد می شود

در شهر و روستا

در حاکمیت ملا

با سنگ نوشته هایی...

عاشق عدالت بودم و آزادی

نگاه کن...

چه جوان و پر شورم

نگاه کن چه جوان...

خفته در گورم

چه قلب ها که ایستاد

زیر شکنجه ... در زندان ها و سوله ها

چه مادرانی که سوختند ناکام

در جستجوی فرزندان

بین زندان ها... و سوله ها

استعمار ولی هنوز

دارد... فرمان قتل و خون می دهد

و متکی ست ...

به حيله ها... و فتنه ها

به دست نوکران خود...

همین سلاخان

همین سربازان گمنام امام زمان

پناه از یک استعمار ... به استعمار دگر

تکرار خفت است...

نه راه دگر

فریب دوباره... از استعمار

نه غم انگیز... بس مضحک

استعمار می گوید...

خسته ای از ملا ؟

بفرما... این هم

یک شاهزاده برنا!

که دوباره...

بعد از... خستگی از شاه

استعمارگران... بر مسند بنشانند

ملایی دیگر... با عباى سیاه!

پس کی می شود...

نوبت حاکمیت مردم ما ؟

این پناه بردن ها ... از یک استعمار

به استعمار دگر

ادامه خون... و زندان است

سفارش داغ و درفش...

شکنجه و دار است

پیشکش خزانه ملی ست... به بیگانه

تکرار باج دهی ست... به نوکران سرمایه

تکرار شیون و...درد و بیماری ست

ادامه... فقر و بیکاری ست

تنها راه نجات مردم ایران

اتحاد... و اتکاء به خود...

حذر از استعمار و...وابستگان استعمار

با شعار استقلال و آزادی

و... عدالت اجتماعی

وین 18.08.2022

کم آورده سید علی

با ریتم شش هشت

کم ... کم ...

کم ... کم

کم آورده سید علی... کم آورده سید علی

در مصاف با زنان ...

کم آورده... کم آورده سید علی

وحی نازل شده از لندن

چه نشستی سید علی

واسه سرکوب زنان

تخته کن...

مدرسه های دختران

حرام است در اسلام

تحصیل دختران

سمی کن ... مدرسه های دختران

تخته کن... مدرسه های دختران

روکش خبر...

انگلیس دو ماه پیش...

توقیف کرد

در دریای عمان

کشتی سپاهیان

با موشک و سلاح ... هنگام سفر

یالا... یالا.... یالا یالا یالا

دست بردار و

گمشو... برو ملا

بشکن ... بشکن من نمی شکنم و بشکن

بشکن ... بشکن من نمی شکنم و بشکن

دشمنی کردند... با کارگران

دشمنی کردند... با برزگران

دشمنی ... با دانشجویان و زنان

دشمنی... اکنون

به مدرسه ها و کودکان

یالا... یالا ...

یالا یالا یالا

دست بردار و گمشو برو ملا

همه...

گفتند و نوشتند

انفجار در راه و... آژیر خطر

این همه ...

یاسین است بگوش خر

بشکن ... بشکن

من نمی شکنم و بشکن

بشکن ... بشکن

من نمی شکنم و بشکن

یه گونی ... جونم یه گونی

ارز بی ارزش و ... بی قرب وطن

بابا جون ... بجای یدونه دلار

عزیز جون ... عوض یدونه دلار

له شده یک ملت

زیر این ... بار و فشار

بشکن ... بشکن

من نمی شکنم و بشکن

بشکن ... بشکن

من نمی شکنم و بشکن

مرغ پر... بسته شدیم

خسته شدیم و ... خسته شدیم

پس ... بر خیز.... بر خیز

مجلس بی اختیار منتصب رو

بی معطلی ... به توپ ببندش

شورای عجزگان بچه بازو

معطل اش نکن ... به توپ ببندش

حرامیان در ... تشخیص مصلحت رو

بی مصلحت توپ

نه شاه خواستیم ... نه ملا

نه طاعون و ... نه وبا

نه شاه می خواهیم ... نه ملا

نه طاعون و ... نه وبا

بشکن ... بشکن

من نمی شکنم و بشکن

بشکن ... بشکن

من نمی شکنم و بشکن

بعد از ... بعد از چهل و چند سال

بازی خورده و... مارگزیده

رسیدیم باز سر...

کوچه اول

می گیم نه و ... نه و... نه و ... نه

به تکرار مکرر...

استقلال و آزادی شعار ما ست

عدالت و برابری خواست ماست

بشکن ... بشکن

من نمی شکنم و بشکن

بشکن ... بشکن

من نمی شکنم و بشکن

که جام حوصله ... لبریزه دیگه

گذشته ام ز جون... داره میگه

می شکنم ... و می شکنم

می شکنم... و می شکنم

گردن ملا ... می شکنم

سمی کنند مدرسه ها

دست های ملا می شکنم

وین 2 مارس 2023

رنگ ما

رنگ ما ... رنگ خالص رزم

رنگ... سقوط نوکرانِ استعمار

رنگ سقوط ملایان آدم خوار

رنگ اتحاد...

رنگ تشکل ناب

رنگ استقلال ...

رنگ آزادی

رنگ پایان ...

به این همه غارت

رنگ خشم ... بی امان و توفنده

رنگ ایستادن...

برای شرافت و حرمتِ انسانی

رنگ پایانِ استثمار

رنگ رهایی ملت

از هر گونه... حاکمیت های هرمی

به شکل ولایت

یا که سلطنت

چه شاه باشد ...

چه فقیه

که هر دو...

دست آغشته اند ...

به خون مردم ایران

و وابسته اند...

به استعمار

رنگ ما... رنگ حاکمیت مردم

در شکل دایره...

رنگ شورایی

رنگ آزادی های سیاسی احزاب

و سندیکاهای کارگری

رنگ پایانِ قیومیتِ پنهان

رنگِ حقوق برابر انسان

وین 26 اکتبر 2022

خجسته باد

خجسته باد... این جشن بهاران

خجسته ...

گر چه با زخم زمستان

خجسته انقلاب و... گفتن نه

علیه ارتجاع و...

زور و خفت

علیه تخم استعمار و نکبت

شعارها و ...هدف ها

همه ... در سطح عالی

لیک افسوس ...

به میدان آمدم...

بی تشکل

همه با دست خالی!

خجسته انعکاس سرنگونی

طنین با شکوهش... سال خونی

بلند از هر گلو...

در دشت ایران

خجسته ...

ترس و لرز... در بیت ویران

هلا ای مادران مانده در درد

نشان این بهار ...

یاس و بنفشه زرد

نشان... از گرمی و نور

نه بخشش...

امید و انتقام و... جنبش و شور

هدیه کرده ایم...

چشم و سرو جان

نه در خانه ... به میدان

ز خون سرخ ما...

رنگین گذر...

معبّر... خیابان... قفل زندان

نه اصلاح و...

نه بار خفت هر گونه سازش

رهایی یا که مرگ ...

رمزگشایش

چنین بودیم ما ... در مسلخ عشق

همگی... خالص و خلص

دل و جان مملو از عشق

هلا ای مادران مانده در درد

نشان این بهار

یاس و بنفشه زرد

نشان از گرمی و نور

نه بخشش... امید و انتقام

و جنبش و شور

شعار ما ...

رهایی از نقاب دین و مذهب

استقلال و آزادی

و عدالت

وین 20 مارس 2023

عشق را از کمونرها ...

فرانسه ...

آغازگر جنگ بود... با پروس

لیک ... شکست خورد

و در غرامت...

پاریس... اشغال و محاصره شد

توسط ارتش پروس ...

گارد ملی ...

متشکل از هزاران ملیشیا

قبل از اشغالِ پاریس

توسط ارتش پروس ...

با کمک کارگران و مردم

منتقل کرد... چهار صد توپ

از منابع مردم...

به تیّه مونمارتر

که به دور باشد

از دسترس... ارتش پروس

سربازان پیوستند ... به گارد ملی مردم

و زمانی که ژنرال ها...

از وحشت جایگزینی گارد ملی

مجهز با 400 توپ...

فرمان رگبار...

بسوی مردم... بی سلاح را دادند

سربازان... ژنرال ها را

از اسب پائین کشیده...

و تیر باران کردند

لحظاتی ...

سکوت درانقلاب دوید

و انقلاب در سکوت

و شروع شد...

فرار دولت مردان و پلیس

فرماندهان... و متخصصین

به... ورسای

پاریس ماند با...

گارد ملی ... کمونرها... و مردم

کمون... جبهه ای بود متحد از

از انواع سوسیالیست ها...

آنارشئیست ها...

بلانکیست ها...

جمهوری خواهان...

رفرمیست...

ژاکوبی ها...

فعالین سیاسی...

کارگران...

و مردم سوخته از...

فقر سیاه...

در جنگ و گرسنگی

شروع شد غوغای کار کمون

عشق و هیجانی... و رای توصیف و تصور

پیوستن رسته های ارتش ... به مردم

شروع شد تدارکات انتخابات...

حاکمیت مردم بر مردم - 18 مارس 1871

برای اولین بار... در تاریخ

شورای کمون... با 92 منتخب

افراشت ...

بجای پرچم سه رنگ شوینسم

پرچم سرخ انترناسیونالیسم

شورای کمون ...

لغو کرد اعدام...

سوزاند... گیوتین ها را...

لغو کرد... نظام وظیفه اجباری...

لغو شد... تمام قوانین ضد انسانی

و این بود... آغاز شکوهمند...

اولین حکومت سوسیالیستی... به نام

کمون!

عطر فرهنگ و شعور و... انساندوستی

پیچید... بر برهه بیدار زمان

و معطر کرد جان انسان و زمین

آغاز شد ...

حاکمیت راستین انسانی... بر انسان

به پیشگامی اولین ملت آگاه جهان

رایگان شد تحصیل

لغو شد تدریس مذهب ... و فریب

از متون درسی مدرسه ها

کلیساهای کاتولیک...

با قرن ها تاریخ جنایت و فساد

تبدیل شدند...

به مکان های... سیاسی کمون

و مصادره شد ... اموال کلیسا ها...

به نفع مردم

و موج خبرهای شگفت انگیز بود...

که مردم... با شور و شغف

منتقل می کردند ... بهم

آزادی... عدالت ... برابری

همه مسرور از...

رایحه این زیر و رویی و... تغییر

ورسای از ماه آپریل

شلیک می کرد... توپ به شهر

و روز بیست و یکم ماه مه

شکست... دیوار مستحکم غربی

و لشگر ارادل و اوباش...

از ورسای... وارد شهر شدند

پروس تشکیل داده بود... ارتشی

از مجرمین زندانی تازه آزاد شده

وباندهای تطمیع شده...

ارادل و اوباش

شروع شد... جنگ داخلی

برای یک هفته خونین

تا بیست و هشتم ماه مه

سی هزار کشته...

و شمار بیشتری زخمی

محله های کارگری

بلویل ... مونتیل مونتان...

مظهر مقاومت بودند

و رشادت های ارتش زنان

بس بی نظیر... و چشمگیر

شکست خورد ... کمون

و به آخر رسید...حاکمیت مردم

با پنجاه هزار اعدامی ...

و هفت هزار تبعیدی...

به جزایر

بی سکنه کالونیای جدید

در اوقیانوس آرام

ورسای... نهصد کشته داد

شروع شد...

حکومت نظامی پنج ساله... در پاریس

بهارى بود ...

جان فزا و عطر آگین

خوش درخشید ... شکوه اندیشه

و چون شهاب ... برقى زد و رفت

چه دریغ...چه دریغ

لیک شیاری انداخت...

سرخ ... جاودانه... و عمیق

از وحدت و ایثار و...عشق و اندیشه

بر نما و... جهان تاریخ

بر دیوار کمونر ها ... در گورستان پرلاشز
نوشته بود عشق...

در ادامه نوشتم ... ازلی و ابدی

در اطراف این دیوار شسته

با خون... هزاران اعدامی

قبل از غرش رگبار

شنیدم به گوش جان...

فریادِ عاشقانه و گرمشان...

زنده دارید یادمان را...

رفیقان

باشد که مرگ سرخ ما

آغازِ عشق و اتحاد و...

پیروزی شما

وین 18 مارس 2023

روز 18 مارس،

به احترام هفت هزار کمونر تبعیدی به جزایر بی سکنه کالدونیای

جدید در اقیانوس آرام،

روز زندانیان سیاسی، نام گذاری شده است.

وقاحت آلمانی

بعد از جنگ جهانی... یک

و پیروزی سوسیالیسم...

در روسیه

صهیونیست های آمریکا و بین الملل

با دو برنامه... بودند

طراح جنگ جهانی دو

و انتخابشان ...

برای اجرای هر دو برنامه

هیتلر بود ... و حزبش

که با کمک مالی ...

و ارتقاء... به رهبری آلمان

توسط صهیونیست ها

حمایت... و رهنمایی شد

برنامه ها... اول

محو اتحاد جماهیر شوروی بود

دوم... تشکیل کشور اسرائیل

با بهانه... جهود ستیزی

در اروپا و جهان

کشتار عظیم جهودان

در جنگ جهانی دو

"هولوکوست"

توسط نازی های آلمان

یک راندن هدفمند بود...

طبق برنامه

برای اشغال فلسطین...

و تأسیس اسرائیل

همزمان... صهیونیست ها

تأسیس کردند سازمانی در لهستان

این بار از جهودان

ولی ...

از قماش همان آدمکش های نازی

توسط مناخیم بگین و شرکاء

با نام سازمان لیکود

که بعد ها... تبدیل شد

به حزب لیکود... در اسرائیل

با شاهکار امروزش ...

قاتل اعظم تاریخ... بنیامین نتان یاهو

و کشتار بی پایان سی ساله او

در فلسطین

حال...

شگفت آور و خارج از باور.

وقاحت آلمان هاست

بعد از حمله حماس

در 7 اکتبر 2023...

آلمان... هر شب

در دفاع از اسرائیل

تصویر پرچم صهیونیستی را

با نورافکن... برطاق

دروازه مشهور برندنبرگ...

در برلین ... می تاباند

و علاوه بر آن ...

پرچم اسرائیل را

در میان پرچم های آلمان

و اتحادیه اروپا

گذاشته است

این مستعمره بی آبروی...

صهیونیست های آمریکا

با تمام باج دهی...

هرگز... قادر نخواهد بود

لجن متعفن هولوکوست را

از صورت وقیح خود محو کند!

و امروز...

پسران همان نازی های

مسئول اطاق گاز

در جنگ جهانی دو

بی هر گونه غرور ملی...

و شرافت انسانی

مجیز گویان صهیونیست ها شده اند !

و مزورانه...می خواهند
ننگ گذشته را ... پاک کنند

آنان... در احزابی

با نام های تازه در آلمان

ولی همچنان ...

نژاد پرست...

در ردای " نازی صهیونیست ها"

ولی...همچنان ...

نوکران صهیونیست

علیه فلسطین یان...

مدافع وقیح جهودان شده اند!

وین 14 اکتبر 2023

شعر وقاحت آلمانی به انگلیسی سروده شد و به مجلس آلمان فرستاده
شد. برنامه نور افکن شان را متوقف کردند. (کتاب شعر 8)
و این شعر، در همان فضا سروده شده است.

کودکان فلسطینی

فاجعه... جاریست...

دست یاری نیست نیست

کشتار همچنان... پیوسته پیوسته

می درد نسل فلسطینی...

فریادرس... کیست؟

دخترک...

با سرو صورت و گردن

غرق در خون است

گونه سلاخی شده... آویزان

به خود می پیچد و...

بی تاب از درد است

با دست کوچکش...

می نهد بخش آویزان صورت را...

به جای خود

لیک لحظه ای بعد...

درد بی پایان... می شود

بخش سلاخی شده...

باز آویزان

خون روان است

صورت و دست ها...

غرق در خون اند

ولی او... نمی گرید!

در غزه... فاجعه...

سهمگین تر از آن است

که دختران بتوانند گریه کنند

شاید دوازده ...

یا که سیزده ساله باشد

ولی غرق ... در خاکستر غم

گزارشگر می پرسد...

از خانواده ات بگو

او... چشمان خود را می بندد

چرخشی نیم دایره

با سر و گردن

چون هلال آه...

و می گوید... پدر ... مادر...

برادرها...عمو...عمه

همه... در یک بمباران

کشته شدند

تو تنهایی؟

و چرخش دوباره سر...

با چشمانی که می بندد ...

بی کلامی

یک دنیا درد است...

ولی اشگی نمی ریزد!

در غزه... فاجعه

سهمگین تر از آن است

که دختران... بتوانند گریه کنند

در فاصله هایی بر روی زمین

کودکان زخمی و خونین...

در مداوایند

دختری... شاید ده ساله... تکیده

پای راستش تا شده...

از زانو

ولی... استخوان ران ...

شکسته

زده بیرون ... از زانو

او ... بی ناله

پایش را بر روی زمین...

می خواباند

در غزه... فاجعه...

سهمگین تر از آن است

که دختران... بتوانند گریه کنند

ولی حقیقت این که

ما... شاهدان نسل کشی

و رنج بی پایان کودکان

با وجدان هایی زخمی...

در جهان و زمان

صدای انفجار مهیب است...

بمب دگر

به زانو می نشیند باز...

بنای دیگر

و خاکی که می خیزد... به هوا

و هیاهو... از بمب های

دو هزار پوندی آمریکا

که سخاوتمندانه...

در بسته های سه هزار و پانصد تایی

مکرر به اسرائیل

هدیه می دهد

و در پی آن ...

توافقنامه های صلح دروغین

ولی ... همه با یک شرط

ادامه کشتار مردم بی دفاع غزه

توسط اسرائیل

وین 10 جولای 2024

ای وطن ام

چه کسی گفت...

که ... جلای وطن کردم

چه کسی گفت...

که ترا رها کردم

چه کسی گفت

که فارغ از....

درد شکنجه و اعدام ها

در زندان

و غرق زحمتکشان...

در فقر بی امان

شاد و راحت...

خود را... در فضای دگران

رها کردم

ای تارو پودم

و ای... ذره ذره های جان و تنم

ای وطن ام

همواره با توام...

در فضای تو...

و برای توام

من نه بریده ام...

و نیستم از تو منفصل

یکی از ریشه هایت

که می دوم سراسیمه ...

همیشه... برای نجات

من ... نه بریده ام و متصل

یکی از پاره های جان زخمی تو

خواهان آزادی...

و شکوفایی تو... و مردمان توام

نیست فاصله ای...

بین من و تو... باور کن

نزئیک تر از رگ گردن ... به قلب توام

می کوبد ضربان درد...

بر جدار رگ هایم

آلوده ام... به نفرت

تا به مغز استخوان

با خونی که می ریزد

هر شب و روز...

از تیر باران ها

بر خاک وطنم

این دردها... نه امروزی

به درازای تاریخ جاهلیت...

و استعمار

حک... در ضمیر ناخودآگاهم

بر من روا مباد...

حتا یک نفس اگر

بی خیال و بریده

از جفایی که می رود بر تو

و هموطناتم

بجای عصیان و خروش

و تلاش... برای نجات

چشم بر ظلمات

و غارت رژیم ملا... بسته

و سکوت کنم

وین 30.07.2024

نه به اعدام

همصدا با اعتصاب غذای زندانیان

در سه شنبه های نه به اعدام

استعمار ...

برای سلطه و غارت

نیازمند ملت هایی ست...

زبون... تسيلم

و بی هویت

از این رو... به نوکرانش

می دهد... فرمان زندان و شکنجه ...

و کشتار معترضان

با حکم... یا بی حکم...

چه بی شمار

حتا... بعد از سالیان دراز

در انفرادی...

شکنجه و زنجیر

باز ملا...

نگران از وجود زندانی سیاسی

قبل از پایان حکمش...

او را می کند... اعدام

ناشنواست ملا

به اعتراض های مردم

رسیده کارد... به استخوان

نیست دیگر... تحملش آسان

جاریست خون... از در و دیوار

و دروازه های هر زندان

چهره شهرها ... همگی خونین

لیک...

در افزایش مدام است... وقاحت ملا

و بلند... بانگ اعتراضات مردم

ولی...

باز صدای رگبار گلوله ها...

اعدام... اعدام... زندانیان سیاسی

یا که کشتارشان... در خانه کوچه

به شیوه های گوناگون

از طرفی دیگر...

اعدام مجرمین... و تبه کاران

نه دواى درد میهن مان

باید... ایجاد کار کرد و کار آموزی

باید فکر چاره اساسی بود

هرگز اعدام... نمی تواند

سد گرسنگی بشود

این را باید... ملای بی رگ و انگل

به عنوان یک اصل

بپذیرد ... و متوقف کند

اعدام... مجرمین و تبه کاران

اکنون ملتی...

برای نجات فرزندان اسیر خود

از زندان

و آغاز یک پایان...

به خروش می آید ... و می خیزد

ملتی... جان بر لب

جاری می شود...

درسراسر ایران

یورشی سهمگین... بسوی هر زندان

یک بار و برای ابد...

می شود زندان های سیاسی...

ویران

در تمام شهرها...

تمام زندان ها

رهایی... و آزادی های بیان

می شود ... حق مسلم انسان

وین 13.08.2024

آهای پدران

آهای پدران...

حق قتل دخترانتان به شما

نبوده برای اصلاح جامعه...

که نیاز استعمار

برای سرکوب ملتی...

به دست خودش

و برای حفظ فاصله ها

که بهشتِ علم و خرد ورزی

بشود کشورهای شمال

و ایجاد جهنمی ...

با جهل و خرافات...

در سرتاسر

کشورهای جنوب

امروز نیاز چپاول آرام

انسان هاست در گیر باورهایی

تهی از شعور و خرد

مخورید فریب ملایان استعمار

هرآتشی که باریده از دیر باز

برسرمان

دسیسه های استعمار بوده

در قالبِ فقهیّات منحوس ملایان

طرح ایجاد کمر بند سبز

به دور زمین

بردن کشورهای جنوب

با انقلاب های رنگی...

به زیر بیرق دین

هرگز نبود هدفش... دموکراسی

و رشد و شکوفایی ملل

فقط دسیسه ای مرموز بوده...

برای عقب بردن ملل

زیگنیف برژینسکی ...

نظریه پرداز لهستانی

و صهیونیست کاخ سفید

شانس دومش ...

و راهکارهای پلید!

بیدار شویم ...

بشناسیم دشمنانمان

و ببینیم که کدامین نظام ...

با چه اهدافی

حق دخترکشی را داده است...

به پدران

استعمار ... قرن ها با تظميع ملايان

اسير کرده است ملل را

در کشور های جنوب

در خرافات و

جاهليت و ظلمات

غرق کرده... مردان را

با دستان آلوده...

به خون دختران

در ننگ...

ناجوانمردانه ترين قتل های روی زمین

و در پی جنجال این جنایت ها

حمله ملایان انگل

چون حمله حشرات...

به مزارع ما

نزدیک نیم قرن است...

که غارت می کنند

دارو ندار ملت ما

صحبت از ناموس ...

در نظام ملایان... بس مسخره است

ببینید که چطور ملایان ...

زنان ایران را

در صیغه سرای مشهد

به حراج گذارده اند...

در قبال دلار !

در نظام ملا...

فروش زنان... ثواب است

ولی...

به شرط پرداخت حق دلّالی ملا

اما کمترین حرف ...

از حقوق انسان و مدنیت

و عشق و آزادی

گناهانی کبیره...

و جزایش...

نیست... بجز اعدام

بیدار شوید ای مردان

و بپا خیزید

علیه نا حق دخترکشی ... و قتل زنان

علیه استعمار و ملایان

وین 02.02.2025

انفجار سکوت

سکوت ... فضای تنفس

برحضور با وقار هرنوا

در آوای پرنده

و فاصله...

فضایی کوتاه یا که بلند

قبل از ورود هر واژه

یا... حیات پر اعتبار یک نفس

قبل از... شروع یک فریاد

ولی هرگز باور نمی کردم

که انفجار سکوت

این چنین مهیب... و ترسناک باشد

تا امروز ...

که ویران شد

سقف تمام دسیسه ها

در انفجار یک سکوت
و ترک خورد زمین خرافات
زیر آوار خشم و...
انفجار... سکوت یک ملت

انفجار سکوت و صبوری و تحمل
چون گرد بادی تند ...
می کشید... و می برد
به اعماق ترسناک یک خلاء...

تمام خرافات ...
و تمام جهل و جنایات استعماری
که قرن ها...
و بطور مشخص ...

در نیم قرن اخیر
سایه افکنده بود
بر زندگانی یک ملت...
از تولد تا خود مرگ

در سراسر ایران...
و هر آنجایی که رسیده بود
دست دزد ملایان ...

برای غارت مغز مردم
از کودک شیرخوار... تا پیران
در خاور میانه ... دور ... آفریقا
و آمریکای لاتین

از تلاتم... تا تهاجم...

قصه های تحقیق و پر فریب
از منبر...

و زنگ زنگوله های علم... و کتل

در خیابان های بارگاه پوسیده

در بار انگلیس

تا روضه ها... و سفره های

حضرات عباس ... و ابولفضل

و دخیل های طلا... نقره و اسکناس

که مدام واریز می شد

به اعماق پر مکر چاه جمکران

از رگبار پیوسته مسلسل ها

برای تحمیل حجاب استعماری...

به دستور ارباب ملایان

لرد... عالی جناب امپریالیست
پیر و فرتوت انگلیس
تا بریدن گوش مرد بیچاره ای
که از غم مرگ زنش
در ورود ممنوع بیمارستانی
برای بی پولان
روشن کرده بود... سیگاری
در ماه رمضان...

انفجار سکوت ...
پایان تحمل یک ملت...
و آغاز عمل
و ریزش آوار بی وقفه عصیان
که بی مهابت... و پیوسته
می پیچانید چون لاشه سگ ...
در زمین و هوا
هر چه ملا
به زیر عبا و عمامه
و آن خلاء پیچان کننده

با غرش و نیرویی شگفت انگیز
می مکید از روی زمین... هر چه ملا
و می برد به اعماق خلاء
و می گذاشت تا ارتعاش انفجار سکوت
هزار بار بلرزاند...
تنِ تک تک ملایان
قبل از محو کاملشان
در اعماق خلاء

و زمین پاک می شد
از وجود موجوداتی کریه و متعفن ...
انگل های مفت خور
و مغز انسان خور...
با نام های...
آیت اله ... حجت الاسلام و طلبه
و زهر انگبین ملایان...
کلهم... اجمعین

وین 11.07.2025

در هر سپیده

هوا... گرگ و میش و سرد

فضای پادگان... ساکت

تیرهای اعدام... همچنان بر پا

نماد سلطه امپریالیست پیر

هنوز... بر ایران

زندانی ها... نخوابیده تمام شب

همه ... از قبل واقف

که طلوع آفتاب و مردم را ...

دگرهر گز... نخواهند دید

صدای پاسدار... راه بیافت

زندانی با قامتی... کشیده

به راه

شروع مهمه... آرام

صبح آخر به خیر... رفیق عزیز

صبح آخر بخیر... رفیق من

پاسداران... تفنگ بر دوش

هر یک... بازویی را گرفته

می برد با خود... تا بگیرد جان

طناب ها... از قبل آماده

کنار تیرها

جوانان را به تیرها... می بندند

می بارد... از تمام چهره ها

نمی خواهم بمیرم

تلخی و غم... اعتراض

علیه حکم ملایان

چشم ها را می بندند

پاسداران... به صف

روبروی تیرها... آماده... به شلیک

نشانه رفته اند سینه...

و قلب...

زندانیان را

یکی از زندانیان...

زنده باد مبارزات مردم...ایران

دیگری... زنده باد کارگران

و دیگری... مرگ بر... جمهوری

سراسر فاسد اسلامی ایران

فرمان پاسدار فرمانده... آتش

می پیچد ... صدای رگبار گلوله ها...

در فضای سپیده

و می افتند سر ها آرام...

به روی سینه ها

مادران...دیگر نمی گریند

کمر بسته... به عزم انقلاب

تا مرگ ملا ... مرگ استعمار

نمی خواهند کمک از غیر ...

متحد... متکی بر خویش ...

می رزمند

تا نجات خطه ایران

وین اوت 2025

دشمنان مردم جهان

صهیونیست ها...

اگر چه ریشه دارند در جهودیت

لیک شیطان پرستانی ...

حریص... موذی و دغل

با دسیسه...

طراح سوء استفاده... از توده های جهود

برای اهداف استعماری و صعود

صهیونیست ها...

با حرص بیمار گونه ... و بی پایان

در تلاش مستمر

در طرح فتنه ...

برای... منابع غارت ملل

اوج خود پرستی... مرام و مسلکشان

اموال غارت شده ... از تمام ملل

کل مایملکشان

خود بزرگ بینی... از یک سو

و پایمال زندگی مردم... و ایجاد فاصله

نهایت آرزویشان

یک نمونه ساده...

با کمترین بخش... از ثروتشان

آنان قادرند ...

به تمام جهودان زیر خط فقر

در اسرائیل...

یک زندگی متوسط و معقول

هدیه کنند

ولی هرگز این کار را نکرده... و نمی کنند

و برداشت از توده های جهود

همواره یکطرفه... بوده

در جهت... منافع خودشان

بانک ها ...

شبکه جهانی رسانه ها...

رادیو... تلویزیون... اینترنت

و مطبوعات...

سازمان های مخوف همگی ...

در اختیارشان

سازمان زیر زمینی ... بیلدر برگ

باشگاه رم ...

سازمان های بین المللی سلطنتی

گوشه کوچکی ... از شبکه

تشکیلاتی اشان

ساخت انواع ویروس ...

دارو... و واکسن

برای کشتن های میلیونی...

از تفریحات سالم شان!

تولید انواع سلاح... اتمی

سنگین... تا هفت تیر کمری

همه... در حیطه اختیارشان

نفوذ در سازمان ها و احزاب

از راست تا... که به چپ

کار روزانه اشان

فلج احزاب چپ و اعضای جوان

ضایع کردن عمر چپ جوان

با جذبشان در سازمان های

چپ قلابی... و انحراف

سعی در تغییر ماهوی...

ایدئولوژی های چپ

با انحرافات ظریف

توسط روشنفکران وابسته

و موش دواندن در حاشیه... تا مرکز

توسط نظریه پردازان وابسته

زدن شاخه های مدام

بر اسلام و بر مسیحیت

و ایجاد انواع بی شمار ادیان

با این نام

دست بردن در انجیل... و در قرآن

و چاپ نسخه های جدید

برای فریب جوانان

و سوء استفاده از نیروهای آنان

برای اهداف جهانخوااری خود

و ایجاد تند روهای نیابتی

برای کشتار و ترور ...

بخش کوچکی از حیطه فعالیتشان

آنان... به امپریالیست ها ... معروفند

سه شاخص اصلی امپریالیسم ..

استعمار...

جنگ افروزی...

و نزول ... با صدور سرمایه

و ربای تصاعدی

کارشان به بند کشیدن... و اسارت ملل

عزیشان... پادشاهی بر تمام جهان

و سلطه بر

منابع طبیعی کل جهان

آنان از وحشت مردم...

همیشه در سایه حکم رانده ... و می رانند

ولی سر نخ ها... در کل جهان

در دستان هیولا وش اشان

آمریکا با دو حکومت... اداره می گردد

در ظاهر...

ریاست جمهوری... با کنگره و سنا

و در سایه...

امپریالیست های صهیونیست

که محکم...

در دست دارند زمام امور

حکومت ظاهر... فقط مجری

فرمان می راند ... حاکمیت در سایه

والا ... به سرعت ترور می شود

حاکمیت ظاهر ...

توسط حاکمیت سایه

بی سوال و سرمایه

آمریکا... با 958 پایگاه نظامی ...

در اقصا نقاط جهان

ابر غارت گر... و جنایتکار جهان است

صهیونیست های انگلیس

اولین مبتکر سلطه بر کل جهان

پشت این دم و دستگاه سلطنتی

در انگلیس

شبکه پیچیده ماسون ها

اداره کننده... سیستم حاکمیت اند

آنان... استاد بریدن سر... با پنبه

اغتشاشات قبیله ای...

نفوذ... و جاسوسی

افروختن آتش درگیری های ملل... و ترور

از تخصص های ویژه اشان

هنوز چهارده مستعمره ...

زیر نظام ظاهرن پادشاهی

و فرمانروای بیش از 50 نیمه مستعمره...

با نام ...

کشورهای مشترک المنافع است

انگلیس ... دو دوزه باز و

شریک اصلی آمریکا

در حمله به کشور های دگر

و تقسیم غنائم

لیک در باطن ... بر خوردار از

رقابت مودیانه و شدید

ایجاد نیابتی..

دارنده انواع نیرو... در منطقه ها

برنامه آنان... اکثرن اجرا می شود

توسط ملایان

و تشکیلات مذهبی

از سیاست های قدیمی

و پنهان انگلیس

ترور سیاست مداران پیشرو

و یا... سیاست مدارانی

با گرایشاتی... به آمریکا

و ملایان حقه باز و دسیسه جو

نیابتی های انگلیس ...

وظیفه استعماریشان... قرن‌ها

به نام اسلام

عقب نگه داشتن تمام ملل جنوب

و ... ایران بوده و هست

وقتی مسیونرهای مسیحی را... اروپا

می فرستاد برای استعمار... به آفریقا

انگلیس نیز...

با هدف گیری مسلمین جهان جنوب

ملایان را متشکل

و سپس دایر کرد

اخوان المسلمین را... در قاهره

و سی سال بعد ...حجتیه را در تهران

مرام انگلیس ...هرم واحد... یک رأس

برای ارتباط آسان و دیکتاتوری

با نام خلافت جهانی اسلام

با یک ولایت فقیه

تحت فرمان انگلیس!

آمریکا آموخته...روش فتنه

از انگلیس

رشد مکتب های بسیار ارتجاعی

به زیر نام اسلام

در اقصا نقاط پاکستان

که طالبان...

ثمره بخش پشتو نشین آن

همه... از ابتکارات

توآمان انگلیس... و آمریکا

بیاد داشته باشیم...

حملة نیروهای مسلح آنان

در پاکستان... به مدارس

وشلیک به سر دانش آموزان

و یا حملهٔ بوکو حرام در آفریقا

به مدارس دختران

و گروگان گرفتن شان

برای دو سه سال

و بازگشت دختران بار دار ... به هنگام نجات

سه کودتای اخیر در ایران...

سوم اسفند 1299 زرگنده

ادموند ایرونساید... از انگلیس

ضیالالدین طباطبایی...

و رضا میر پنج

بیست و هشت مرداد 1332 تهران

ام آی سیکس ... سی آی ای ... اصل 4

لوی هندرسون

فضل اله زاهدی... و محمد رضا پهلوی

بیست و سوم خرداد 1388...

ام آی سیکس... سازمان حجتیه

سیدعلی و مجتبی... هر دو خامنه ای

و محمود احمدی نژاد

همه از طرح های انگلیس

این روز ها ...بازار ترویج ادیان

سخت پر رونق... شده است

صهیونیست های جهانی... از همه سو

با فکر جذب سربازان مجانی

با ترویج بهشت برین برای شهدا

در پخش مجانی قرآن های سلفی

وین سپتامبر 2025

مشعل وحدت

هر روز... به رنگ زمانه شدن
و نان خوردن ... به نرخ روز
نه افتخار...
که انتخاب تشنه مسی
بجای خورشید است
همرنگی با چرخش های به راست
بوسه بر پای جهانخواران
وداع با عهد ازل
نفی هر گونه خیزش... برای تغییر است
وهرگز نبوده و نیست...
انتخاب بلند قامتان ... در تاریخ

پیوند پنهانی... از هر نوع
با امپریالیست ها... و شرکاء
خیانت محض است ...

به مثل... و اصول جهانی تغییر
و آغاز خم گشتن حقارت بار ...

بی تفسیر

انتخاب کج راهه ... بجای راه
همواره به دنبال دارد
اسارت و زنجیر
در جایی که هدف... در عهد ازل
رهایی انسان بوده... از زنجیر

در عرصه عمل ...
گاه ... گزینش بس دشوار
لیک ... باید بیاد داشت
اولین خشت کج...
تا ثریا... می برد دیوار کج

انتقاد از دیگران... همیشه بس آسان
ولی انتقاد از خود...
چه دردناک ... و چه سخت!
ولی... کار مردان و زنان بزرگ و شجاع

چه باید کرد ؟
چشم بر بندیم ...
بر جنایت عظیم جهانی کنندگان ؟

این صهیونیست های پلید
بگذریم از خیر تغییر جهان؟
بگذریم بی تفاوت و تسلیم...
از معبر رنج هایی...
به نام زندگی؟
زیرسرنیزه ملایان... و
رانت خوارانِ طماع و خود پرست؟
رام و مسخ و منفعل... همسان بردگان؟

یا بر گزینیم ... راه اتحاد و قدرت
و تغییر بنیادین جهان؟

اولین گام ... برای تغییر جهانی
که کنون... در سلطه وحوشی
چون... آمریکا و اسرائیل...

خود دگرگونی ست
آراستن خود... با والاترین صفات انسانی
گام بعد
ایجاد فاصله...
با بربرهای صهیونیست...
و تمام شرکا از یک سو
و ملایان و رانت خوارانش ...

از سوی دگر

حفظ حریم و حرمت انسان ها

فروتنی... پوزش... به هنگام خطا

آغاز جنگ سهمگین من...

با خویش

زدودن هر گونه پلشتی... خود خواهی

از ذات و وجود

دوری از هر گونه خود فروشی...

دوگانگی وریا

کشیدن خط قرمز بر...

مصلحت جویی...

فرصت طلبی

خط قرمز بر... تهی گشتن از آمال ازل

در عهد با... طبقه کارگر و محرومین

انتقاد از خود...

اوج بلوغ است ... و مشعل وحدت

تجلی آفتاب عشق ... برای نجات بشر

رسیدن به مقصد... به هر شکلی

نمی تواند... که هدف باشد

دیدیم ... آنانکه
در فرو پاشی ...
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی
هستی کارگران را... دادند به باد
از قماش شیادان دو دوزه باز
خم ... کم ... و چه ضعیف
خود فروشانی بی شخصیت...
خود پرستانی تسلیم...
در برابر آمال امپریالیسم

رشد تک تک افراد...
مزین به اصول و خلوص ...
با عشق بی مرز به انسان
یک رنگی
سرشاری از زیبایی های محض درون
آشنا با ورزش ...
دور از هر گونه اعتیاد
منبع قدرت و اتحاد است...
و ستون اصلی تغییر...
و انقلاب جهانی ...
و نجات بشر

وین سپتامبر 2025

